

بسته ی آموزشی و نمونه سوالات آزمون زبان انگلیسی (EPT)

ویژه کلیه دانشجویان مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1.....	زمان ها
10.....	افعال کمکی
12.....	تمرین مربوط به زمان ها
14.....	افعال خاص
19.....	I wish
21.....	ضمائر
28.....	تمرین مربوط به افعال خاص، I wish، ضمائر
30.....	صفت وقید
41.....	تمرین مربوط به صفت وقید
44.....	حروف ربط
49.....	افعال زنجیره ای
50.....	اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش
51.....	کمیت نماها
55.....	Do , make
56.....	حرف تعریف the
58.....	تمرین مربوط به حروف ربط ، افعال زنجیره ای، اسم، کمیت نماها
60.....	جمله وارہ
60.....	جمله وارہ های اسمی
62.....	جمله وارہ های قیدی
65.....	جمله وارہ های قیدی کاهش یافته
66.....	جمله وارہ های صفتی
67.....	جمله وارہ های صفتی کاهش یافته
68.....	وارونه سازی
73.....	ساختار گرامر موازی
74.....	مجهول
78.....	افعال دو کلمه ای
78.....	جملات شرطی if
80.....	تمرین کلی

82.....	So- such-too-enough
88.....	Some-any
88.....	No-any
89.....	Some-any-No- any-So- such-too-enough تمرین مربوط به
91.....	Have to-has to-had to
91.....	Used to
92.....	Must have p.p - May/Might have p.p - Could have p.p - Should have p.p
92.....	Prefer
93.....	Had better
93.....	familiar
94.....	Like- alike-unlike
94.....	Other-the other-another
96.....	So that-in order that
97.....	In order-so as to-to
100.....	تمرین کلی
102.....	150 نکته مهم
117.....	درک مطلب
118.....	واژگان
188.....	نمونه سوالات آزمون EPT

He cleans → He doesn't clean.

هرگاه جمله ای با doesn't منفی شود s یا es از آخر فعل حذف می گردد.

طرز تشخیص (علامت): قیدهای تکرار:

sometime-usually –always-often-rarely-seldom-
-never-generally-occasionally-hardly-barely

محل قیدهای تکرار بعد از فاعل و قبل از فعل کمکی اصلی می باشد

قیدهای زمان:

every night-every day-once a week-twice a week

روزهای هفته بصورت جمع از علامت این زمان می باشد.

روز/ماه/سال +000 every

every day every morning

They wash this car every week. (to wash)

wash

He walks to school every morning. (to walk)

walks

Do you visit him every day? (to visit)

Do-visit

Does she come here by bus every day? (to come)

Does- come

You don't cook lunch at home every Monday. (not to cook)

don, cook

am

فعل ing دار +is+ فاعل

زمان حال استمراری:

are

I am playing

we are playing

You are playing

You are playing

He

She is playing

They are playing

It

طرز سوالی کردن: جای مشتقات to be را با فاعل جمله عوض می کنیم.

He is coming

Is he coming?

طرزمنفی کردن : کلمه not رابه مشتقات to be اضافه می کنیم .

We are talking we aren't talking.

علامت : نشانه های مهم Now –at present

At the moment – right now-just-sor the ting being

Weour house now.(to clean)	are cleaning
Reza ...in the pool now .(to swim)	is swimming
At present they....to the music.(to listen)	are listening

Have

+فاعل

(P.P) اسم مفعول +

حال کامل (ماضی نقلی):

Has

I have played we have played

You have played You have played

He

She has played They have played

It

طرزسوالی کردن: کافیسست جای have رابا فاعل جمله عوض نمائیم.

He has bought a car → Has he thought a car ?

طرزمنفی کردن : کلمه not رابه have اضافه می کنیم .

We have seen her → we haven't seen her.

علامت : این زمان دارای علائم مختلفی می باشد که مهمترین آنها عبارتداز:

(فقط بعداز just(have, has) از -درابتدا می آید) since (تاکنون - درآخر جمله می آید) so far

(هنوز بعداز already (have, has) هنوز - درجملات منفی وآخر جمله) yet

(تاکنون - درجملات منفی می آید) never (اخیراً- درآخرین جمله می آید) lately ,recently, ,even

(تاکنون - درجملات سوالی)

Shehere since last year.(to live) has lived

در جمله بالا دوقید زمان وجود دارد ، اولی کلمه since که علامت ماضی نقلی و دومی کلمه last که علامت زمان گذشته ساده می باشد . باید توجه نمود که معمولاً همیشه اولین علامت را باید در نظر گرفت .

We.....lunch yet .(not to cook) haven't cooked.

حتی اگر سوال بالا به این صورت نوشته گردد:

We.....lunch yet.(to cook) haven't cooked

باز هم باید جواب را به صورت منفی نوشت . یعنی کلمه yet فعل جمله را منفی می کند .

حال کامل استمراری (ماضی نقلی استمراری): فعل have,has+ been+ ing + فاعل

نشانه های مهم: -be fore-never-ever-so far-up to now-as yet –recently-lately-times- twice

تذکر: اکثر نشانه های حال کامل و حال کامل استمراری یکی می باشد به عنوان مثال for ، since برای هر دو زمان می باشد چنانچه در تستی هر دو زمان جزو گزینه ها باشند حال کامل استمراری مقدم است .

زمان گذشته ساده : فعل گذشته ساده + فاعل

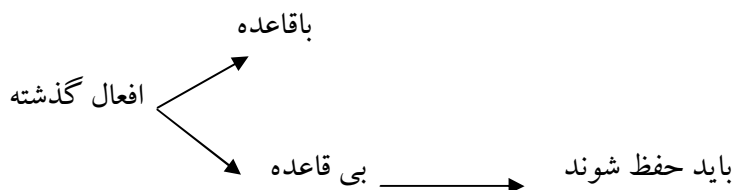
در انگلیسی افعال بر دو نوعند: 1- باقاعده 2- بی قاعده

افعالی با قاعده هستند که اگر به آخرشان «ed» یا «d» اضافه شود تبدیل به گذشته می گردند .

Work → worked play → played
Live → lived arrive → arrived

افعال بی قاعده تابع قانون خاصی نمی باشند و باید آنها را حفظ نمود .

See → saw go → went
ed → wash → washed
d → arrive → arrived



I played	we played
You played	You played
He	
She played	They played
It	

همانگونه که مشاهده گردید فعل در زمان گذشته ساده برای فاعلها هیچ گونه تغییری نمی کند.

طرزسوالی کردن: برای سوالی کردن زمان گذشته ساده باید از کلمه «Did» استفاده کرد.

تذکر: از این رو که در یک جمله انگلیسی دو فعل گذشته نمی توانند با هم وجود داشته باشند بنابراین هرگاه جمله

ای را با کلمه «Did» سوالی کردیم باید فعل جمله را از حالت گذشته به زمان حال تغییر دهیم .

She worked	—————>	Did she work?
They went	—————>	Did they go?
I came	—————>	Did you come?

بنابراین می توانیم نتیجه گیری کنیم :

هرگاه جمله ای با کلمات Do، Does، یا Did سوالی گردد فعل پس از آنها به صورت ساده نوشته می گردد.

They see	—————>	Do they see?
He sees	—————>	Does he see?
She saw	—————>	Did she see?

طرزمنفی کردن : برای منفی کردن زمان گذشته ساده از کلمه «didn't» استفاده می کنیم .

She worked —————> she didn't work.

علامت : زمان گذشته دارای 3 علامت اصلی است .

دیروز: yesterday – گذشته : last – قبل : ago

We.....the letters yesterday.(to post)	posted
.....she....you last month?(to help)	Did-help
Alihis car two weeks ago.(not to sell)	didn't sell

زمان گذشته استمراری : فعل ing دار + was + فاعل
were

I was playing
You were playing
He
She was playing
It

we were playing
You were playing
They were playing

طرز سوالی کردن : جای مشتقات to be را با فاعل جمله عوض می کنیم .

They were writing → were they writing?

طرز منفی کردن : کلمه not را به مشتقات to be اضافه می کنیم .

She was walking → she wasn't walking.

علامت :

- سه علامت مهم این زمان (هنگامی که) while (وقتی که) when (درحالی که) as
قیده‌های مهم این زمان at...o'clock

at this time last {
Week
Month
year

تذکره مهم : در گذشته استمراری معمولاً دو فعل وجود دارد که یکی از آنها خود زمان گذشته استمراری و دیگری

گذشته ساده می باشد. یعنی

گذشته استمراری - 1

گذشته استمراری

گذشته ساده - 2

همیشه یکی از این دو زمان را به ما داده و دیگری را طلب می کنند.

When I arrived at school, they were playing football.

She came here while I.....(to sleep) was sleeping

As he was crossing the street, I....him.(to see) saw

و نیز می توان بصورت کلی گفت:

گذشته استمراری + گذشته ساده + when

گذشته ساده + گذشته استمراری + while

گذشته ساده + when + گذشته استمراری

گذشته استمراری + while + گذشته ساده

گذشته کامل (ماضی بعید): (P.P) اسم مفعول + Had + فاعل

We had played

I had played

You had played

You had played

They had played

He

She had played

It

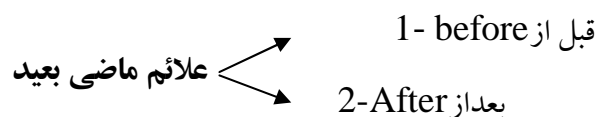
طرزسوالی کردن: جای کلمه had را با فاعل جمله عوض می نمائیم.

She had visited us → had she visited us ?

طرزمنفی کردن: کلمه not را به بعد از had اضافه می کنیم.

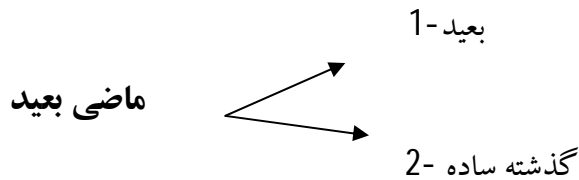
We had worked hard → we hadn't worked hard

علامت: این زمان دارای دو علامت مهم می باشد:



تذکر: همانگونه که در گذشته استمراری دو فعل وجود داشت، در ماضی بعید نیز دو فعل وجود دارد که یکی از آنها

ماضی بعید و دیگری گذشته ساده می باشد.



They had left the house before I knew

مجدداً یکی از فعلها را به ما داده و دیگری را از ما طلب می کنند .

After shethe car, I called her .(to sell) had sold
We had posted the books before she(to come) came

گذشته کامل استمراری : فعل had+been+ ing +فاعل

- نشانه های مهم:

1- این زمان باید حتماً بایک زمان گذشته ساده همراه باشد

2- (...زمان +حرف اضافه for) همراه آن باشد

البته از قیدها زمانی دیگر چون after, before نیز استفاده می شود

زمان آینده ساده: فعل ساده + will +فاعل

We will play	I will play
You will play	you will play
He	
She will play	They will play
It	

تذکر: تفاوت فعل حال ساده با فعل ساده در این است که فعل حال ساده در مورد سوم شخص مفرد S یا es می گیرد ولی فعل ساده در سوم شخص مفرد شامل این مورد نمی گردد بلکه مطلقاً ساده است.

فعل ساده حال ساده

He comes He will come.

تذکر:2: می توان کلمه will را به صورت مخفف نیز نوشت:

I will → I'll

You will → You'll They will They ,ll

در ضمن کلمه will not نیز در حالت مخفف به صورت won't نوشته می گردد.

توجه کنیم : این سه کلمه باهم اشتباه نشوند:

want خواستن

حال

went رفت

گذشته go

won't آینده

will not مخفف

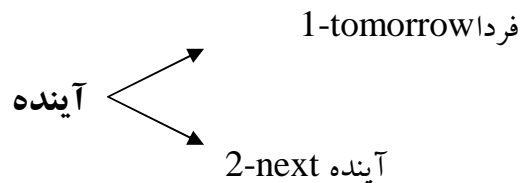
طرزسوالی کردن : جای will را بافاعل جمله عوض می کنیم .

You will help him will you help him?

طرزمنفی کردن : کلمه not را بعد از will اضافه می کنیم.

She will stay here she will not(won't) stay here.

علامت : این زمان دارای دو علامت مهم است .



Weto shires next week .(to travel)

will travel

Whereyouhim tomorrow?(to visit)

will-visit

فاعل will+be+ ing فعل

آینده استمراری :

by
Before
in+ طول زمان } قید آینده

- به کاربردن all قبل از قیدهای زمان آینده یکی از علائم این زمان می باشد
- حرف شرط is که توام بایک قید زمان آینده مشخص باشد
- یکی از علائم مشخصه زمان آینده استمراری این است که قید زمان معمولاً در ابتدای جمله می آید

آینده کامل : اسم مفعول + will + have + فاعل

- در زمان های آینده کامل اکثراً قید زمان در ابتدا ی جمله نوشته می شود و این خود یک وجه تشخیص این زمان است.
- یکی از مهمترین علائم زمان آینده کامل حرف اضافه by می باشد که در ابتدا یا در انتهای جمله همراه باقید زمان مشخص آینده بکار می رود
- کلمات by before (تا وقتیکه) when (وقتیکه) till (تا وقتیکه) چنانچه با حال ساده یک روند جزو علائم شناسایی آینده کامل هستند .

آینده کامل استمراری : فعل will+have+been+ ing + فاعل

- وجود قید زمان در ابتدای جمله
- حرف اضافه by باقید زمان مشخص آینده در ابتدای جمله قید آینده+by
- (طول زمان for+) در آخر جمله طول زمان for +
- نتیجه: اگر جمله ای دارای حرف اضافه by قبل از یک قید زمان آینده باشد و با جمله فقط یک قید زمان آینده داشته باشد و در انتهای آن جمله (طول زمان for +) وجود داشته باشد زمان آن تست آینده کامل استمراری است در صورت نبودن آینده کامل صحیح است

افعال کمکی

افعال کمکی را از اینرو کمکی گویند که نمی توانند به تنهایی در یک جمله مستقل به کار روند بلکه قبل از افعال اصلی قرار گرفته و معنی جمله را عوض می کنند. تعدادی از افعال کمکی مهم در انگلیسی عبارتند از:

گذشته حال

Will	→	would	shall	→	should	Must	→	had to
Can	→	could	May	→	might			

جملاتی که در آنها افعال کمکی وجود دارد را می توان به وسیله خودشان سوالی و منفی نمود.

You can see → can you see?
They should come they shouldn't come.

تذکر مهم : نکته ای را که باید در ارتباط با افعال کمکی بالا در نظر داشت این است که :
پس از تمامی افعال کمکی (چه حال و چه گذشته) فعل بصورت ساده قرار می گیرد.

He will go she may go He would go

تمرین مربوط به زمان ها

1-HeEnglish for two hours.

1-studies 2-is study * 3-has studied 4-is studding

2-My sisterlunch before we arrived.

1.cooks * 2.had cooked 3.will cook 4.is cooking

3-Theythe house when I arrived.

* 1.were leaving 2.leave 3.are leaving 4.will leave

4-.....you....the letters two days ago?

1.Did-post 2.Does-post * 3.Did-posted 4.Do-posted

5-she could have solved it if I.....her.

1.help * 2.had helped 3.have helped 4.willhelp

6- if my brother studied hard, hehis exams.

1.could pass 2.will pass 3.had passed 4.passes

7-if hehere today, you could visit him here.

1.was 2.is 3.were 4.has been

8-we can go on a picnic unless it..... .

1.rains 2.rained 3.had rained 4.would rain

9-Youwash the dishes if they ordered you.

1.will 2.would have 3.would 4.had

10-If you....your money, you would have a house.

1.save 2.had saved 3.will save 4.saved

11-I know theystayed here if we had invited them.

1.will 2.would 3.would have 4.would be

12-she would have certainly passed her exam if she ...hard.

1.had studied 2.studied 3.studies 4.would study

13-If my mother....with us, we would have enjoyed our travel much more.

1.travelled 2.traveles * 3.had traveled 4.would travel

14-If he put the stamp on the envelope, I....it.

1.will post 2.post 3.had posted 4.would post

15- You can have a big saving on fuel if you.....public transportation.

* 1.use 2.used 3.had used 4.will use

16-I didn't see him because he was sick.

1.If he weren't sick, would see him.

2.If he hadn't been sick, I would see him.

3.If he weren't sick, I would have seen him.

*4.If he hadn't been sick, I would have seen him.

17-she might have invited you if you ...there.

1.are *2.had been 3.have been 4.were

18-If he....hard, he would fail his exam.

1.studied *2.didn,tstudy 3.studies 4.doesn,t study

19-They will go to the park....it rains.

1.so *2.unless 3.because 4.as if

20-she won't be able to do the job if hehere...

1.left 2.had left * 3.leaves 4.was left

افعال خاص

به مثال زیر توجه نمایید.

1- She.....lunch yesterday.(to cook) cooked

چون زمان جمله گذشته است بنابراین ما از قسمت گذشته فعل cook استفاده می کنیم.

حال به این مثال توجه نمائید.

2-She enjoyedlunch yesterday.(to cook)

در مثال شماره 1 بعد از فاعل دقیقاً نقطه چین قرار گرفته بنابراین این جمله از قانون زمانها پیروی می کند.

در مثال شماره 2 بعد از فاعل نقطه چین قرار نگرفته بلکه ابتدا یک فعل وجود دارد و پس از آن فعل، فعل دومی

قرار گرفته است این جمله از قانونی به نام افعال خاص تبعیت می کند .

طبق قانون افعال خاص اگر در جمله فعلی وجود داشته باشد فعل دوم هیچ ارتباطی به علائم زمانی موجود در جمله

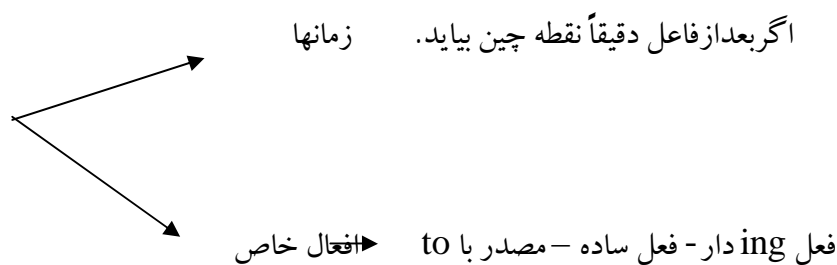
ندارد بلکه فقط به سه صورت می تواند قرار گیرد.(البته با توجه به فعل اول)

1- ing دار 2- ساده 3- مصدر یا to

بنابراین قانون زمانها: در صورتی که بعد از فاعل نقطه چین قرار گیرد.

قانون افعال خاص: در صورتی که بعد از فاعل نقطه چین نباشد بلکه ابتدا فعل قرار گیرد و فعل دوم مورد نیاز باشد.

جمله



دسته اول: پس از افعال زیر فعل بصورت ing دار قرار می گیرد.

Avoid	اجتناب کردن	keep	نگه داشتن
Admit	پذیرفتن	Look forward to	چشم انتظار بودن
Appreciate	قدردانی کردن	Mind	اهمیت دادن
Consider	در نظر گرفتن	Miss	از دست دادن
Dislike	دوست نداشتن	Practice	تمرین کردن
risk	به خطر انداختن	Enjoy	لذت بردن
Suggest	پیشنهاد کردن	Find	پیدا کردن
Smell	بو کردن	Finish	تمام کردن
Spend	گذراندن	Imagine	تصور کردن
Stop	متوقف کردن		

این افعال به هر زمانی که باشند فعل بعد از آنها به صورت ing دار نوشته می گردد.

Would you mindthe door?(to open) opening

They are considering.....a house.(to buy) buying

We had finished.....our lunch.(to have) having

تذکر: پس از حروف اضافه نیز فعل به صورت ing دار نوشته می گردد. حروف اضافه مهم در زبان انگلیسی عبارتند از:

In-of-on-at-for-by-with-without- before-after - when –while-

He is interested in.....around the world.(to travel) traveling

Thank you forus again.(to call) calling

We have decided to watch T.V instead oftennis.(to play) playing

توجه: اگر پس از کلمات while, when, after, before فاعل قرار گیرد این کلمات جزء علائم زمانها می باشند. اما اگر پس از آنها دقیقاً نقطه چین بیاید در حکم حروف اضافه اند و بنابراین فعل پس از آنها بصورت ing دار نوشته می شود.

علامت زمان

1- After shethe room, I went in .(to clean) had cleaned

حروف اضافه

2- Afterthe room ,I went in.(to clean) cleaning

حرف اضافه

3- she had left here beforethe book.(to read) reading

دسته دوم: پس از افعال زیر فعل به صورت ساده نوشته می شود:

افعال حسی			
Listen	گوش کردن	left	اجازه دادن
Feel	احساس کردن	Make	مجبور کردن
See	دیدن	Would rather	ترجیح دادن
Hear	شنیدن	Had better	بهتر است
watch	تماشا کردن	Notice	توجه کردن

تذکر مهم: دسته دوم خودبه دو گروه تقسیم گردیده که یکی از این گروهها را با عنوان افعال حسی نامگذاری نمودیم. باید توجه داشت که پس از افعال حسی فعل علاوه بر ساده بودن می تواند بصورت ing دار هم نوشته گردد.

I saw himto school.(to walk)

walk
Walking

We heard some oneat the door.(to knock)

knock
Knocking

در این مورد که بعد از افعال حسی فعل بصورت ساده یا ing دار نوشته می شود می توان گفت که اگر کاربرد کامل انجام گرفته باشد پس از افعال حسی فعل به صورت ساده نوشته می گردد. اما اگر بطور کامل انجام نشده باشد و اثرش ادامه داشته باشد فعل بصورت ing دار نوشته می گردد.

I saw him wash his car. اورادیدم که ماشینش را شست

I saw him washing his car. اورادیدم که داشت ماشینش را می شست.

I heard him call Reza. شنیدم که او رضا را صدا کرد.

I heard him calling Reza. شنیدم که او داشت رضا را صدا می کرد.

معمولاً در امتحانات فقط یکی از این دو گزینه از ما خواسته می شود.

تذکر مهم: پس از کلمات had better, would rather, make, left فعل مطلقاً ساده می آید.

I didn't let him.....in the yard.(to play) play

His father always makes him....home.(to stay) stay

به یاد داشته باشیم که پس از افعال کمکی نیز فعل به صورت ساده نوشته می شود.

تذکر غیر مهم: اگر کلمه make مجهول شود فعل پس از آن به صورت مصدر با to نوشته می گردد

She was made.....home.(to leave) to leave

برای فهمیدن این مطلب که فعل make معلوم یا مجهول است راهی بسیار ساده وجود دارد. اگر پس از کلمه make مفعول وجود داشته باشد این فعل معلوم است و پس از آن فعل ساده قرار می گیرد. ولی اگر پس از این کلمه دقیقاً فعل دیگری وجود داشته باشد به عبارت بهتر هر دو فعل دقیقاً پشت سر یکدیگر قرار داشته باشند، فعل make مجهول است که پس از آن مصدر با to قرار می گیرد.

مفعول

1-He made us.....(to go) go

2-He was made(to go) to go

درمثال شماره ۱ پس از make مفعول وجود دارد ولی درمثال شماره ۲ پس از make دقیقاً فعل دوم قرار گرفته است.

دسته سوم: پس از دسته سوم افعال خاص فعل به صورت مصدر با to نوشته می شود و تعداد این افعال کلاً در زبان انگلیسی بسیار زیاد است. برای تشخیص این گروه بهترین روش این است که: هرگاه فعلی جزء دسته اول (افعال ing دار) یا دسته دوم (افعال ساده) نباشد بنابراین جزء دسته سوم است و فعل پس از آن به صورت مصدر با to نوشته می شود.

-I was allowed.....in the room.(to smoke)	to smoke
-We want....him for a walk .(to take)	to take
- She has told mehere soon.(to leave)	to leave

افعال و عبارتی که بعد از آنان فعل دوم بصورت مصدر بدون To یا اسم مصدر می آید

- 1) That bag is too heavy for you. Let me..... You.
*A)help B) to help C) helping D)that help
- 2) I have to go now I promised.....late.
A)not being *B) not to be C) to not be D)don't be
- 3) the needs.....harder if he wants to make program
*A)to work B)work C)working D)that work
- 4)I don't enjoy.....very much.
A)that drive B)to drive C)drive * D)driving
- 5)the pretended.....me when he passed me on the street.
*A)not to see B)not seeing C) to not see D)don't see

تذکر بسیار مهم:

پس از کلمه help فعل می تواند هم به صورت ساده و هم به صورت مصدر با to قرار گیرد. درآزمون ای پی تی فقط یکی از این دو مورد از ما می خواهند.

I helped him(to cook)	cook
	to cook

I wish

کلمه I wish به معنای «ایکاش» می باشد و فعل پس از آن به شرطی که پس از I wish فاعلی وجود داشته باشد به دو حالت کلی نوشته می گردد:

1- گذشته ساده 2- ماضی بعید

اگر در جمله I wish قیدهای گذشته ای مانند earlier, be fore, ago, last, yesterday وجود داشته باشد باید در این جمله از ماضی بعید استفاده نمود. البته ممکن است هیچ یک از علامات گفته شده وجود نداشته باشد ولی قبل یا بعد از جمله I wish یک فعل گذشته وجود داشته باشد. در این حالت مجدداً باید از ماضی بعید استفاده نمود.

I wish I ...him yesterday .(to help)	had helped
He was late. I wish I...him.(to visit)	had visited

ولی اگر در جمله I wish هیچ قید یا فعل گذشته ای وجود نداشته باشد در این حالت فعل پس از عبارت I wish بصورت گذشته ساده نوشته می شود.

I wish youthe letter.(to write)	wrote
I wish youthe game, but you didn't (to win)	had won
They wish I....my key in the park.(not to lose)	didn't lose
I wish my father. very hard when he was young.(to work)	had worked

توجه : استثنائاً در جملات I wish به جای was بهتر است از were استفاده نمود. (مانند شرطی نوع دوم)

I wish Iyou .(to be)	were
I wishhim now(to see)	to see

اگر دقت شود متوجه می شویم که در جمله بالا پس از عبارت I wish فاعلی وجود ندارد. این جمله دیگر از قوانین I wish تبعیت نمی کند چون در جمله اخیر بعد از فاعل نقطه چین قرار نگرفته بلکه ابتدا فعلی نوشته شده و پس از آن نقطه چین وجود دارد بنابراین جمله فوق از قانون افعال خاص تبعیت می کند و چون کلمه wish متعلق به هیچ یک از دسته های اول و دوم نمی باشد بنابراین جزء دسته سوم است و فعل پس از آن به صورت مصدر با to نوشته می گردد. در این جمله کلمه wish به معنی like یعنی دوست داشتن می باشد.

نتیجه گیری کلی :

عبارت I wish دارای چهار نکته است:

1- در این حالت پس از عبارت I wish فعل به صورت گذشته ساده نوشته می گردد.

I wish you.....your hands. {to wash} washed

2- در حالت دوم پس از I wish فعل به صورت ماضی بعید نوشته می شود چون در جمله فعل یا قید گذشته وجود دارد.

I wish you.....your hands before.(to wash) had washed

3- بهتر است به جای was از were استفاده نمود

I wish he.....my friend. {to be} were

4- در حالت آخر چون پس از عبارت I wish فاعلی وجود ندارد فعل بصورت مصدر با to نوشته می گردد.

I wish.....him as soon as possible. {to see} to see

تذکرات مهم: اگر در آخر جمله ای که عبارت I wish در آن وجود دارد قید آینده وجود داشته باشد در این

حالت جواب جمله بصورت آینده در گذشته {فعل ساده+would}

I wish.....your house next week. {to paint} would paint

اگر در مورد چیزی بخواهیم اظهار شکایت نماییم در این حالت نیز فعل جمله بصورت {فعل ساده+would} نوشته می گردد. معمولاً در این حالت جمله قبل از عبارت I wish بصورت حال ساده یا استمراری یا حال کامل استمراری نوشته می گردد.

It has been raining for three days. I wish it would stop

He is driving very fast. I wish he would reduce his speed.

I wish it would rain tomorrow.(but now it is sunny)

I wish I had blue eyes.(but I don't)

I wish I hadn't bought these shoes yesterday.(but I bought them)

I wish you..... me about it before

*A) had told B) told C) hare told D) tell

I wish the teacher.....going to give another test today.

A) won't * B) weren't C) isn't D) aren't

I wish I.....a car . It would make life so much easier.

A) hare *B)had C)would hare D)have had

I don't know many people. I wish Imove people.

A) know *B) knew C) would know D)had known

ضمائر Pronouns

ضمیر کلمه ای است که بجای اسم می آید تا از تکرار آن در جمله جلوگیری کند

انواع ضمائر:

I	we
you	you
He/she/it	they

1- ضمائر فاعلی

موارد استفاده :

1- قبل از فعل they live in kerman

2- وقتی فاعل های دو جمله واره باهم مقایسه میشوند :

You speak English much better than she does.

3- بعد از فعل to be it is I

نکته : در مکالمه غیر رسمی بجای I در جمله بالا از him,me و غیره استفاده می شود

2- ضمائر مفعولی me us

You	you
Him/her/it	them

موارد استفاده :

1- بعد از افعالی مانند see,show,give,help ولی با فرمول ضمیر مفعولی +فعل +فاعل

2- بعد از حرف اضافه stay away from him

3- وقتی مفعول دو جمله واره باهم مقایسه می شوند

It is easier for them than us.

3- صفات ملکی

برای نشان دادن مالکیت بکار میروند و عبارتند از:

My	our
Your	your
His/her/its	their

موارد استفاده :

- 1- برای توصیف اسم و نشان دادن مالکیت
our company
- 2- اشاره به اعضای بدن
his hand
- 3- برای توصیف اسم مصدر
Gerund

Do you mind my making a suggestion?

4- ضمائر ملکی

mine	ours
Yours	yours
His/hers/its	theirs

موارد استفاده :

- 1- این ضمائر بجای صفت ملکی واسم قرار می گیرند.
That, s my pen
- 2- بعد از فعل to be
- 3- بعد از حرف اضافه ی Of وقتی که حرف اضافه به معنی «یکی از بسیاری» باشد. it is a habit of theirs.
- 4- برای جایگزینی کردن به جای صفت ملکی واسم وقتی که مقایسه می شوند

5- ضمائر انعکاسی

myself	ourselves	عبارتند از:
Your self	your selves	
Himself/herself/itself	them selves	

موارد استفاده :

- 1- بعد از فعل وبدون حرف اضافه بکار می رود در این صورت فاعل ومفعول یک نفر هستند
I see myself
- 2- بعد از مفعول باحرف اضافه .
I will buy a book for myself.

3- در حالت تاکید بعد از فاعل جمله

I my self helped him

4- بعد از مفعول جمله بدون حرف اضافه

She cleaned the room herself

5- بعد از حرف اضافه with از ضمیر مفعولی استفاده می شود

نکات ضمائر انعکاسی:

1- ضمائر انعکاسی با فاعل جمله مطابقت دارند.

1- she went home.....

1.himself * 2.herself 3.themselves 4.my self

2- اگر در جمله صفات ملکی وجود داشته باشد این صفات نادیده گرفته می شوند.

2-My brother talks about.....

1.my self * 2.him self

3-His sisters look atin the mirror.

1.himself 2.herself 3.ourselves * 4.themselves

3- اگر در جمله S مالکیت وجود داشت باید نادیده گرفته شود.

3-Ali, s wife washed it.....

1.himself * 2.herself

4- اگر جمله ای امری باشد ضمیر انعکاسی آن کلمات yourself یا yourselves می باشد.

1-Look atin the mirror.

1.my self * 2.yourself 3.himself 4.them selves

2-Look after.....during your journey. My mother told us.

*1.yourselves 2.yourself 3.them selves 4.herself

5- کلمه take در جمله زیر ضمیر انعکاسی نمی گیرد. علاوه بر آن قبل از نقطه چین حرف اضافه with

وجود دارد، بنابراین باید از ضمیر مفعولی استفاده کرد.

My mother took the baby with.....

1.himself 2.herself *3.her 4.ourselves

6- ضمائر موصولی

موصول کلمه ای است دو جمله را بهم وصل می کند در زبان فارسی «که» موصول می باشد ولی در انگلیسی عبارتند از:

who	→	که	whose	→	که - ش
whom	→	که	which	→	که

ضمائر موصولی را می توان از فرمولهای زیر به آسانی تشخیص داد:

انسان	}	فعل+who+فاعل
		فاعل+whom+فاعل
		اسم+whose+فاعل
		which+..... (غیر انسان)

1-I know the man.....went to the theater.

1.who 2.whom 3.whose 4.which

2-I know the manyou told me about.

1.who 2.whom 3.whose 4.which

3.I know the mancar is red.

1.who 2.whom 3.whose 4.which

4-I like the caryou bought yesterday .

1.who 2.whom 3.whose 4.which

اگر سمت چپ نقطه چین حرف اضافه ای وجود داشته باشد نباید آن را در نظر گرفت.

The man to...I spoke is a pilot.

1.who 2.whom 3.whose 4.which

پس از حذف ضمائر موصولی جمله دارای دو حالت کلی می گردد. اگر جمله معلوم باشد (مثال شماره 1) فعل باقیمانده بصورت ing دار و اگر جمله مجهول باشد (مثال شماره 2) فعل باقیمانده به صورت p.p نوشته می گردد.

- 1-I know the boy washing (who is washing)the car.
- 2-The man running (who is running)fast is my father.
- 3-The children playing (who are playing) tennis seem really tired.

مثال: حذف ضمائر موصولی در مورد جملات مجهول

- 1-Most plastics made (which are made)from oil are difficult to recycle.
- 2-The photographs taken (that are taken) of the earth are wonderful
- 3-The new school built (that is built) here is really large.

گاهی اوقات در جملاتی که معلوم باشند فقط ضمائر موصولی وجود دارد و مشتقات to be وجود ندارد و در این حالت نیز ضمائر موصولی به تنهایی حذف گردیده و چون جمله معلوم است فعل به صورت ing دار نوشته می گردد.

1-All over the world there are people who pollute the air.

All over the world there are people polluting the air.

- 2-In some countries people who produce trash are punished.
- In some countries people producing trash are punished.

3-The scientists who research the cause of climate changes are making progress.

The scientists researching the cause of climate changes are making progress.

1-I didn't, t know the boy.....the letter.

1.written * 2.writing

2-All the guests.....to the party were from shiraz.

*1.invited 2.inviting

3-I don't like the man.....a speech.

*1.giving 2.given

4-Endorphin.....into the vessels make us happy.

*1.released 2.releasing

5-Ididn,t get the letter.....yesterday.

*1.written 2.writing

6-Do you like any of the cars.....here?

*1.sold 2.selling

7-The cars.....in Japan are really comfortable.

*1.made 2.making

8-There are many books.....into other languages everyday.

*1.translated 2.translating

9-Cars are among the factors.....air.

*1.polluting 2.polluted

10-About one hundred years ago a man.....Edison was born in America.

1.calling * 2.called

تمرین مربوط به افعال خاص، I wish ، ضمائر

1-my brother enjoys.....the piano very well.

*1-playing 2-play 3- to play 4-played

2-would you mind.....the window?

1-open 2-to open 3-opened * 4-opening

3-when I was a child my mother never let me.....my bicycle alone

1-riding 2-rode 3-to rode * 4-ride

4-at the garden we could see many children.....football.

1-to play 2-played 3-playing *4-will play

5-the officer has forced the soldiers.....up early.

1-to wake 2-wake 3-waking 4-waked

6-I wish you.....the letters last night.

1-posted * 2-had posted 3-post 4-have posted

7-he was late. I wish he.....here on time.

1-arrive 2-would arrive 3-arrived *4-had arrive

8-His parents mad him..... in a factory 10 hours day.

*1-work 2-to work 3-working 4-worked

9-they will pay you much money if you.....the rooms

1-painted *2-paint 3-would paint 4-had painted

10- This is the boyshirt is always dirty.

1.who 2.whom * 3.whose 4.which

11-In the spring you can hear birdsbeautifully.

1.sing 2.sang 3.sung * 4.singing

12-We listened to the old manhis story.

1.told 2.to tell * 3.telling 4.has told

13-He offered memy car near my office.

1.park 2.parking 3.parked * 4.to park

14-When I went home, I found my brother....T.V.

1. Watch *2.watching 3.to watch 4.watched

15-Stop....too much. You are getting too fat.

1. eat 2.to eat 3.ate * 4.eating

16-I can see many children.....in the park.

1.play 2.to play 3.played *4.playing

17-My father asked memy driving license.

1.renew 2.renewing 3.renewed * 4.to renew

18-Do you know the manwe talked about?

1.who *2.whom 3.whose 4.which

19-He is driving to school very fast. I wish hedown.

*1.would slow 2.had slowed 3.slows 4.willslow

20-Sara suggested.....the letter as soon as possible.

1.post * 2.posting 3.to post 4.posted

صفت ها و قیدها

صفت: کلمه ای است که اسم را توصیف می کند

طرز قرار گرفتن صفات در جمله :

می دانیم که صفت در زبان انگلیسی همیشه قبل از اسم نوشته می گردد.

درخت بلند a tall tree

ترتیب قرار گرفتن صفات در زبان انگلیسی به طریق زیر است :

کیفیت + اندازه + سن + رنگ + ملیت + جنس + اسم

کدامیک از جملات زیر صحیح است؟

He showed me a.....

1. beautiful cotton red shirt

2. red cotton beautiful shirt

3. cotton beautiful red shirt

* 4. beautiful red cotton shirt

صفت خودبه چهار گروه تقسیم می گردند:

1- ساده

2- برتر

3- برترین

4- تساوی

صفت ساده: صفتی است که دارای هیچ یک از درجات مقایسه ای نباشد مانند:

زشت - زیبا - بزرگ - کوچک

صفت برتر: صفتی است که دو شخص یا دو چیز را با هم مقایسه می کنند، مثلاً:

علی از من بلندتر است

برای ساختن صفت برتر دو راه وجود دارد:

اگر صفت مورد نظر یک سیلاب {یک بخش} باشد پس از صفت کلمه {er} قرار می دهیم.

اگر صفت بیش از یک بخش باشد قبل از صفت از کلمه ی more استفاده میکنیم. بنابراین کلاً:

برای نشان دادن برتری شخص یا چیزی بر شخص یا چیز دیگر

Er + صفت یک بخشی + to be

صفت 2 و 3 ... بخشی + more

(than + اسم)

He is taller.

He is taller than she.
She is more beautiful than he.

مثلاً +er+than صفت یک بخشی tall → taller than
صفت برتر
مثلاً +more+than صفت بیش از یک بخش expensive → More expensive than

طرز تشخیص: علامت صفت برتر کلمه {than} به معنای {از} میباشد.

My car is.....than your car. {comfortable} more comfortable

تذکره: به این مثال توجه کنید

He is very old.

اگر بخواهیم تاکید صفت ساده را زیاد کنیم باید قبل از صفت ساده از کلمه ی very استفاده کنیم اما در صفت برتر very وجود ندارد و باید به جای آن از کلمه much استفاده کرد.

He is much older than you.

بنابراین اگر صفت ساده باشد برای تاکید از کلمه ی very استفاده می کنیم.

ولی اگر صفت برتر باشد برای تاکید از کلمه much استفاده می کنیم.

توجه: برخی از کلماتی که به «y» ختم می شوند را باید یک بخشی در نظر گرفت

Easy → easier lazy → lazier
Busy → busier happy → happier

صفت برترین: صفتی است که یک شخص را با همه اشخاص و یا یک چیز را با دیگر چیزها مقایسه میکند.

مثلاً او چاق ترین پسر کلاس است.

برای ساختن صفت برترین نیز دو راه وجود دارد.

اگر صفت یک سیلابی باشد پس از آن از حرف «est» استفاده می کنیم

اگر صفت بیش از یک بخش باشد قبل از آن از کلمه most استفاده می کنیم.

توجه: در هر دو مورد باید قبل از صفت حرف تعریف the وجود داشته باشد.

برای نشان دادن برتری شخصی یا چیزی در میان تمام هم نوعان خود در یک گروه می باشد.

To Be +the

Est + صفت یک بخشی
صفت 2 و 3 ... بخشی + most

قید مکان + in
Of all + اسم
That i

He is the tallest.

He is the tallest student in the class.

صفت برترین

مثال → young → The youngest
صفت + est + the-1 یک بخش

صفت + most + the-2 بیش از یک بخش → beautiful → The most beautiful

طرز تشخیص:

صفت برترین دارای چهار علامت مهم است:

1-the 3-of all
2-in 4-ever

1-He is the...man I know. { fat } fattest

2-You are...girl in the glass. { beautiful } the most beautiful

3-This is...book. I have ever seen. { interesting } the most interesting

از علایم صفت برترین فقط کلمه the قبل از نقطه چین قرار می گیرد ولی دیگر علایم بعد از نقطه چین می آیند.

به مثال زیر توجه کنید:

He is....student in the class.

1.better 2.worse 3.best 4.the worst

چون در جمله کلمه in وجود دارد باید از صفت برترین استفاده کرد. گزینه سه هم غلط است زیرا قبل از صفات برترین حتماً باید the قرار گیرد. بنابراین فقط گزینه 4 صحیح است.

صفت تساوی:

صفتی است که دو شخص یا دو چیز را از نظر داشتن خصوصیت مشترک در یک ردیف قرار می دهد.

فرمول: as صفت مطلق Be+as

He is as fat as Ali

هرگاه صفتی ساده را بین دو کلمه as.....as قرار دهیم آنرا صفت تساوی گویند.

you are as clever as my brother

I am as fat as he is

توجه: اگر فعل منفی گردد می توان as اول را به so تبدیل نمود. البته اگر از خود کلمه as هم استفاده شود جمله صحیح است.

You aren't so clever as my brother.

نکات مهم:

1- صفات دو بخشی که به y(le(happy),er (simple),er (clever),ow(narrow) ختم می شوند یک بخشی محسوب می شوند و به انتهای آنان (est,er) اضافه می شود

Narrow narrower the narrowest

2- more یا er بیانگر فزونی و افزایش درجه صفت تفضیلی یا برتری می باشد برای نشان دادن کاهش درجه صفت تفضیلی می توان از less قبل از صفات یک بخشی یا چند بخشی استفاده کرد

Less good less beautiful

3- most یا est بیانگر فزونی و افزایش درجه صفت عالی می باشد برای نشان دادن کاهش درجه صفت عالی می توان از the least قبل از صفات یک بخشی یا چند بخشی استفاده کرد

The least good

The least beautiful

4- قبل از صفت تفضیلی یا برتر کلمه very نمی آید بجای آن از much استفاده می شود.

~~very taller~~

Much Taller

5- افزایش و کاهش متقابل به شکل زیر می باشد

صفت تفضیلی the+صفت تفضیلی the+

The sooner, the better

The more you work, the more you earn.

The more he study, the less he learn.

6) صفت های بی قاعده

صفات زیر در حالت تفضیلی و عالی er و est نمی گیرند یعنی از قوانین بالا پیروی نمی کنند:

صفت/قید	برتر	برترین
good (صفت)	better	The best
well (قید)	better	The best
bad (صفت)	worse	The worst
badly (قید)	worse	The worst
little	less	The least
many	more	The most
much	more	The most
far	farther farther	The farthest The farthest
old	older older	The eldest The eldest
Late(قید)	Later	The last
few	fewer	The fewest

نکته: معادل کلمه بیشتر در انگلیسی فقط more است (هم برای اسامی غیر قابل شمارش و هم برای اسامی جمع) اما معادل کلمه کمتر دو لغت است: الف) برای اسامی غیر قابل شمارش Less ب) برای اسامی قابل شمارش جمع fewer است.

More books

fewer books

More water

Less water

قیدها

قید: کلمه ای است که فعل را توصیف می کند (البته قیدحالت) هرگاه به آخر صفت ly اضافه کنیم آنگاه قیدحالت بوجود می آید.

1- قیدحالت که بیانگر حالت فعل است مانند: slowly-quickly

2- قیدمکان که بیانگر مکان است مانند: at school-in the park

3- قیدزمان که بیانگر زمان و وقت است مانند: now-this morning

طرز قرار گرفتن قیدها به حالت زیر می باشد:

قیدحالت + قیدمکان + قیدزمان

برای بیادداشتن این فرمول کلمه «حمز» را به خاطر داشته باشیم.

He studies carefully at school every day

حالت مکان زمان

قیدهای تکرار: عبارتند از کلماتی نظیر:

Always, usually, often, some times, never, seldom,.....

قیدهای تکرار قبل از فعل اصلی و یا بعد از افعال کمکی و مشتقات to be قرار می گیرند.

فعل اصلی

He never comes late.

He is never late.

Will never forget you.

کدامیک از گزینه های زیر صحیح است؟

1.He has seen always me here every day.

*2.He has always seen me here every day

3.He always has seen me here every day.

4.He has always seen me every day here.

قید حالت → ly + صفت

Beautiful → beautifully quick → quickly

دو کلمه lovely به معنای دوست داشتنی و friendly به معنای دوستانه صفت هستند نه قید.

طرز تشخیص استفاده از صفت یا قید در جمله:

اگر به مثالهای نوشته شده در مورد صفات دقت می کنیم متوجه می شویم که در تمامی مثالها افعال to be وجود داشته اند.

بنابراین: اگر در جمله ای مشتقات to be وجود داشته باشد باید با توجه به علائم موجود در جمله از صفات استفاده نمود ولی اگر در جمله ای فعل اصلی وجود داشته باشد باید از قید استفاده شود.
چون مشتق to be وجود دارد از صفت استفاده می گردد.

He is aboy

1.quick

2.quickly

سوال: اگر در جمله ای هم مشتقات to be وهم فعل اصلی وجود داشته باشد باید از صفت یا قید استفاده کنیم؟
جواب: در این مورد باز هم باید از قید استفاده کنیم زیرا مشتق to be در این حالت زمانی از فعل محسوب می گردد.

He is running.....

1.slow

2.slowly

در قیده‌ها هم چندین استثنا وجود دارد:

صفت	قید	
good خوب	well	به خوبی
fast سریع	fast	به سرعت
hard صفت	hard	به سختی - با تلاش
	hardly	به زحمت - با بدبختی

توجه: hardly معمولاً بین فاعل و فعل قرار می گیرد.

حال به این مثال ها توجه شود:

1-He is a...boy

1.good 2.well

2-He speaks English....

1.good 2.well

3-I work.....

1.hard 2.hardly

4-I...work

1.hard 2.hardly

5.Irun...

1.fast 2.fastly

(زیرا fastly وجود ندارد)

قید برتر

1.He works.....

- 1.slow 2.slowly

در مثال بالا چون فعل اصلی وجود دارد از قید استفاده می گردد این نوع قید را قید ساده می گویند.
حال به این جمله توجه کنید.

2.He works...than I do.

- 1.slower 2.slowly 3.more slowly 4.more slow

چون در مثال شماره 2 فعل اصلی وجود دارد باید از قید استفاده کنیم و چون کلمه than وجود دارد باید قید به حالت برتر هم تبدیل گردد. این قید را قید برتر هم گویند. چون هر قیدی در زبان انگلیسی که به ly ختم گردد حداقل دو بخش است بنابراین در قید برتر more در ابتدای کلمه و ly در انتهای کلمه قرار می گیرد.
بنابراین: اگر در جمله هم فعل اصلی وهم کلمه than وجود داشته باشد باید از قید برتر استفاده نمود.

3-I drivethan you do.

- 1.careful 2.more careful 3.carefully 4.more carefully

4-I am ...than you are.

- 1-Carefull 2.more careful 3.carefully 4.more carefully

در مثال شماره 4 چون مشتق to be وجود دارد باید از صفت برتر استفاده نمود.

5.He runs.....than I do.

- 1.faster 2.more fast 3.fastly 4.more fastly

گزینه های C و D غلط هستند زیرا fast هیچگاه ly نمی گیرد. گزینه B نیز غلط است زیرا fast یک بخشی است نمی توان more به اول آن اضافه کرد.
به یاد داشته باشیم کلمه faster در این جمله قید برتر است نه صفت برتر. زیرا قبل از آن فعل اصلی قرار گرفته است.

قید برترین

1- She isof all.

1-More beautiful

3.more beautifully

2.the most beautiful

4.the most beautifully.

مثال شماره 1 صفت برترین است زیرا مشتقات to be و علامت برترین (of all) وجود دارد.

1-She plays.....of all

1.more beautiful

3.more beautifully

2.the most beautiful

4.the most beautifully.

در جمله شماره 2 چون فعل اصلی در جمله وجود دارد باید از قید استفاده کرد و چون علامت برترین وجود دارد

بنابراین گزینه d درست است (قید برترین)

قید تساوی

1-He is as.....as I am.

1.slow

2.slowly

2-he works as....as I do

1.slow

2-slowly

در مثال شماره 1 از صفت استفاده گردید زیرا در جمله مشتقات to be وجود دارد.

در مثال شماره 2 بین دو کلمه as.....as از قید استفاده شده زیرا فعل اصلی وجود دارد این نوع قید را قید تساوی

گویند. بنابراین

as (to be) صفت ساده as
(فعل اصلی) قید ساده

چون مشتق to be وجود دارد.

1-My car is as ...as your car.

1.good 2.well

چون فعل اصلی وجود دارد.

2-Iwork asas you.

1.good 2.well

3-How are you?

I am as....as you are

1.good 2.well

مشتق to be وجود دارد وقاعدتاً باید گزینه شماره 1 درست باشد اما:

هرگاه فاعل جمله ای انسان باشدو بخواهیم درمورد حال وی صحبت کنیم بایدبه جای good از well استفاده

کردد حتی اگر در جمله مشتقات to be وجودداشته باشد. دراین حالت جمله معمولاً باعبارت How are you

آغازمی گردد.

تمرین مربوط به صفت وقید

1-Ali drives.....than Reza does.

- 1.careful 2.more careful 3.carefully * 4.more carefully

2-Cats are usuallythan dogs.

- *1.prettier 2.prettiest 3.as pretty 4.pretty

3-Parsa drives as....as his father does.

- 1.careful * 2.carefully 3.more carefully 4.most carefully

4-When I entered the kitchen, I could smell some thing.....

- 1.burn 2.to burn 3.will burn * 4.burning

5-I know it is impossible !But I wish I.... in your shoes.

- 1.had been 2.was 3.willbe * 4.were

6-This is the girl.....I told you about before.

- 1.who * 2.whom 3.whose 4.which

7-In fact he isstudent in his class.

- 1.better 2.worse 3.best *4.the worst

8-....like to collect the stamps....are old.

- 1.who 2. whom 3.whose * 4.which

9-My brother says that hemy friends yet.

- *1.hasn, t seen 2.has seen 3.saw 4.sees

10-I wishyour letter as soon possible.

- 1.received 2.had received * 3.to receive 4.receiving

11-How are you today? I am as.....as yesterday.

- 1.good 2.better * 3.well 4.best

12-she could have solved the problem if sheon it.

*1.had worked 2.worked 3.would work 4.works

13-They asked my parentsto school each week.

*1.to come 2.come 3.came 4.coming

14-I wish youbuy that expensive house.

1.can *2.could 3.will 4.shall

15-He set a fire .I wish heit.

*1.hadn,t done 2.didn,t do 3.hasn,t done 4.doesn,t do

16-Tom advised mea doctor as soon as possible.

1.see *2.to see 3.seeing 4.saw

17-If you had written your address, I.....you a letter.

1.would send 2.will send * 3.would have sent 4.would sent

18-I think this is....book. I have ever read.

1.more interesting 2.less interesting
3.most interesting * 4.the least interesting

19-They always insisted on ...in that country.

*1.living 2.live 3.to live 4.lived

20-You should check the lights beforehere.

1.leave 2.to leave 3.fad left * 4.leaving

21-I can't imagine.....in this small apartment.

1.live * 2.living 3.to live 4.lived

22-He would like mehim in his work.

*1.to help 2.help 3.helping 4.helped

23-My mother never lets mealone.

1.travelling 2.to travel * 3.travel 4.travelled

24-He decided to avoid.....his friends.

1.visit * 2.visiting 3.to visit 4.visited

25-Finally we decided to help her.....the dishes.

*1.wash 2.washing 3.washed 4.has washed

حروف ربط

حروف ربط معمولاً برای جلوگیری از تکرار یک جمله بکار می رود مثلاً:

آنها به مدرسه رفتند، ما هم همینطور

در این جمله عبارت «ما هم همینطور» را در انگلیسی حروف ربط می نامند.

فرمول حروف ربط به این صورت است:

مثبت {
1- and so+ فعل کمکی مثبت
2- and+ فعل کمکی مثبت + فاعل
3- and neither+ فعل کمکی مثبت

منفی 4- and+ فعل کمکی منفی + فاعل Either

بنابراین در مورد حروف ربط فقط فعل کمکی either منفی می باشد و در بقیه موارد فعل کمکی مثبت است.

+ and +
- or +
+ but +
- yet +
- -

که عبارتند از:

and-or-but-yet-so

وقتی می خواهیم نتیجه گیری کنیم از SO استفاده می کنیم

مثبت
Tom is sad , but paul is happy.

مثبت
مثال Ali is brilliant , and.....saeed has a pleasant personality.
Ali was sick , yet he went to school

نکته : در جمله وارہ ہا مجموعہ فعل و فاعل وجود دارد ، وجود ندارد اما در ربط دہندہ ہای ہماہنگ کنندہ ، وجود دارد .

مردن شادزندگی کردن
Live ree ,Or..... die

It was a very wet day ,SO..... we stayed at home.

A power failure accured , the Lamps went out .
A) them *B) so c) Later D) next

Case studies are target of much skepticism in the scientific
Communit , used extensively by people.
A)they are B)are
c)yet they *D)yet they are

They speak English, and so does he.
and he does too.

We saw them, and so did she.
and she did too.

He is writing a letter ,and so am I.
and I am too.

We have helped you, and so has Ali.
and Ali has too.

They can't come here, and neither can he.
and he can't either

You don't look tired, and neither do I.
and iron either

حروف ربط در عبارات قیدی

در اینجا به چهار نمونه حرف ربط در عبارات قیدی اشاره گردیده که عبارتند از:

When-since-as- whether.....or

1- when: کلمه when به معنای وقتی که هنگامی استفاده می گردد که کاری قبل از کار دیگری انجام گیرد یا گاهی نیز این کلمه جهت مرتبط ساختن دو واقعه که در یک زمان اتفاق می افتد بکار می رود.

1-when you exercise, your body gets tired little by little.

2- since: کلمه since به معنای زیرا چونکه یا از آنجا که به کار می رود و مترادف کلمه because است اما جنبه رسمی تری دارد. این کلمه برای وجود علت و دلیل به کار می رود.

Since اگر در ابتدای جمله بکار رود و پس از این کلمه فاعل قرار گیرد به معنای چونکه می باشد ولی اگر در انتهای جمله قرار گیرد و پس از آن قید زمان به کار رود به معنای از می باشد که در حقیقت همان کلمه since است که علامت ماضی نقلی قلمداد می گردد. Since می تواند هم در ابتدای جمله و هم بین دو جمله مستقل قرار گیرد .. اما because معمولاً در ابتدای جمله قرار نمی گیرد.

3- As: این کلمه چهار کاربرد مختلف دارد که عبارتند از:

الف: زمان - اگر دو کار در یک زمان اتفاق بیفتند و به معنای وقتی که می باشد (در نقش when ظاهر می شود)

...I entered the house ,I saw her.

ب: دلیل - به معنای چون که می باشد (در نقش since یا because ظاهر می شود)

....to take an umbrella as it was raining.

ج.نسبت: به معنای «همانگونه که» یا «همینطور که» می باشد. در این حالت شباهت زیادی به کلمه when پیدا می کند. از این جهت به آن «نسبت» می گویند که وجود دو نسبت را بررسی میکند. به عبارات بهتر «به همان نسبت» که مردم پیرتر نمی شوند ضعیف تر هم می شوند.

As people get older, they get weaker.

د- مقایسه: در این حالت صفت یا قید تساوی مورد نظر است. و بین دو کلمه as صفت یا قید قرار می گیرد.

He is as old as I am.

تذکر: کلمه as می تواند به معنای به عنوان نیز بکار رود.

As a teacher, I am interested in my students.

4-whether-or- این دو کلمه معمولاً در جمله بایکدیگر قرار می گیرند و مکمل هستند و به معنای خواه-یا نیز چه یا می باشند. در این حالت بیانگر این مطلب هستند که هیچ یک از موضوعات مطرح شده مهم نیستند و نتیجه عمل انجام شده یکسان است.

They will leave here whether you stay or you leave.

She will buy the book whether they agree or not.

Contrast (تضاد)

در زبان انگلیسی برای بیان تضاد یا تقابل (Contrast) می توان از کلماتی استفاده نمود که در زیر به چندین نوع از این کلمات اشاره گردیده است:

While-whereas (تضاد مستقیم)

این دو کلمه به معنای در حالیکه یا با وجود اینکه بیانگر تضاد مستقیم بین دو جمله گفته شده می باشند ولی امری بدیهی و واضح را بیان می کنند. به عبارت ساده تر حس تعجب کسی را برانگیخته نمی نمایند.

Some people are tall, while others are short

برخی از مردم قدبلند هستند درحالیکه دیگران کوتاهاند.

While Ali works hard, his brother is lazy

باوجوداینکه علی سخت کار می کند برادرش تنبل است.

در کاربرد while یا whereas از کاما می توان استفاده نمود حتی اگر جای این دو کلمه در جمله تغییر یابد.

While I work hard, my brother is lazy.

I work hard ,while my brother is lazy .

Although –Though-Even though

این کلمات به معنای باوجوداینکه –علیرغم اینکه و گرچه نیز برای نشان دادن تضاد و تقابل به کار می روند اما باید توجه داشت که در مورد این کلمات unexpected results یا نتایج غیرمنتظره اتفاق می افتد. مثلاً:

1-Although he fell the sixth floor, he is a live.

گرچه از طبقه ششم پرت شده ولی زنده است.

2- This computer is cheap, though it is one of the best machines on the market.

این کامپیوتر ارزان است گرچه یکی از بهترین های موجود در بازار است. اگر دقت شود متوجه می گردیم که در جمله 1 حس تعجب مابرا نگیخته می شود و کاری غیرمنتظره اتفاق افتاده است چرا که اگر کسی از طبقه ششم پرتاب شود احتمالاً می میرد در جمله دوم نیز نتیجه نسبتاً غیر منتظره می باشد.

تست:

1-I spoke English, and.....

- 1.so does he 2.he did too 3.neither does he 4.he didn't either

2-we are listening to music, and....

- 1.so do they 2.neither are they 3.so they are 4.so are they

3-You have seen that boy ,and ...

- 1.so she has 2.she does too 3.she doesn't either 4.she has too

4-They weren't interested in watching T.V, and....

- 1.so was I 2.neither was I 3.neither did I 4.I neither was

5-she won't pass the exam, and....

- 1.I won't either 2.neither do I 3.so will I 4.I will either

6-I can read this book and ...can he.

- 1.so 2.too 3.neither 4.either

7-we shouldn't talk loudly and you shouldn't.....

- 1.so 2.too 3.neither 4.either

8-Ali doesn't play football and ...Reza.

- 1.neither does 2.doesn,t either 3.so does 4.neither is

افعال زنجیره ای

افعال زنجیره ای خود فعل اصلی اند، یعنی قاعداً باید پس از آنها قید قرار گیرد ولی این افعال نقشی همانند مشتقات to be دارند. بنابراین پس از افعال زنجیره ای به هیچ وجه قید قرار نمی گیرد و باید پس از آنها از صفت استفاده نمود.

افعال زنجیره ای مهم عبارتند از:

Taste	مزه دادن	look	به نظر رسیدن
appear	ظاهر شدن	seem	به نظر رسیدن
smell	بودادن	feel	احساس کردن
		become	شدن

1-He looks.....

*1.happy 2 .happily

2-This soup tastes.....

*1.good 2.well

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسم

اسم کلمه ای است که برای نامیدن انسان یا حیوان یا گیاه و.. بکار برده می شود
اسامی مفرد و جمع :

اسامی در حالت کلی شامل اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش هستند

اسامی قابل شمارش : همانگونه که از اسمش پیداست قابل شمارش هستند و می توانیم آنها را بشماریم برای
شمارش این اسامی از عدد و کلماتی مانند a lot,same,many استفاده می کنیم

I boke too bokes many boks alat boks

نکته: اگر این اسامی در حالت جمع باشند به انتهای آنان s یا es اضافه می شود و اگر در حالت مفرد باشند قبل
از آنها a,an,one بکار می رود (اینها در جواب چند تا بکار می رود)

اسامی غیر قابل شمارش: اسامی هستند که نمی توان آنها را با عدد شمرد و s نمی گیرند (شکل جمع ندارند)
همچنین قبل از این اسامی a یا an بکار نمی رود (در تست ها خیلی مهم می باشند) (اینها در جواب چقدر بکار
می روند) و با کلماتی مانند alot,somy,much و یا به تنهایی بکار می روند

Information ← مثلاً غیر قابل شمارش هستند

بعضی از اسمها بی قاعده هستند و در شکل جمع s نمی گیرند این اسامی عبارتند از:

مفرد	جمع
Man	men
Woman	women
Child	children
Foot	feet
Tooth	teeth
Fish	fish
Mouse	mice

گروه هایی از اسامی غیر قابل شمارش عبارتند از:

Intelligence is the ability to use

A

Thought and knowledges to understand

B

C

Thing and solve problems.

D

توضیح: کلمه knowledges اسم غیر قابل شمارش هستش و بصورت جمع بکاربرده نمی شود.

methan is a a odorless burning gas and is

A

B

the main ingredient of natural gas

C

D

توضیح: چون حرف اول O هستش باید an بیاید

کمیت نماها

در آزمون ای پی تی از کمیت نماها زیاد می آید

1- کمیت نماها کلمه ای است که کمیت یا مقدار چیزی را نشان می دهد

الف) کمیت نماهایی که تنها با اسامی جمع قابل شمارش بکار می روند عبارتند از:

Both, many, a few, several, fewer

Both of them have cars

2- کمیت نمایی که تنها با اسامی مفرد قابل شمارش بکار می روند:

another, each, every

3- کمیت نمایی که تنها یا اسامی غیر قابل شمارش بکار می روند:

a little, much, less, amount

4- کمیت نماهایی که همراه اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش بکار می روند:

All, a lot of, plenty of, enough, some, any, Lots of, most, More

* * اسامی مرکب یا ترکیبی * * (درازمون ای پی تی حتما داده میشود)

اسامی مرکب از دو اسم تشکیل شده اند و هر دو یک کلمه را تشکیل می دهند

توضیح: اسم اول حکم صفت را برای اسم دوم پیدا می کند بنابراین اسم اول جمع بسته نمی شود (پس درست

ها اگر جمع باشد غلط است) (اسم) N+N (اسم) حکم صفت

ولی اسم دوم می تواند بشکل جمع باشد

Brain cell → میتوان S به cell اضافه کرد

Coffee cup → میتوان S به cup اضافه کرد

Brains cells die at the rate of 100000

A

Per day by age 60, and they are

B

C

Replaced Like other body cells.

D

توضیح: گزینه A غلط است زیرا در اسامی مرکب اسم اول که نقش صفت دارد جمع بسته نمی شود یعنی S نمی

گیرد. اصطلاحات و عبارتهای جمع که با اعداد ساخته می شوند وقتی بشکل مفرد بکار گرفته می شود S نمی

گیرد:

a ten-watts light bulb

اسم بعدی اسم اول (صفت)

a light bulb of ten-watts

نکته: هرگاه of قبل از اسم باشد S می گیرد

a 16,000 pages book

اسم بعدی اسم اول (صفت)

a book of 16,000 pages

باز هم چون of در جمله است اسم S می گیرد

Hundreds of
thousands of

Millions of
Trillions of

اسم جمع +



برخی از اسامی در زبان انگلیسی قابل شمارشند ولی برخی دیگر را نمی توان شمارش نمود.

نکته 3- اگر جمله ای با **There is** شروع گردد غیرقابل شمارش، و اگر با **There are** شروع گردد قابل شمارش است.

4- You have.....money, so you can't buy that bicycle.

1.a few 2.few 3.a little *4.little

نکته 4- چون "**Money**" غیرقابل شمارش است بنابراین فقط یکی از گزینه های "**c**" یا "**d**" می تواند درست باشد. حال ببینیم تفاوت این دو گزینه چیست؟

+A few +a little

-few -little

همانگونه که مشاهده می گردد کلمات "**few**" و "**little**" چون بسیار کم می باشند. در جملات منفی بکار می روند.

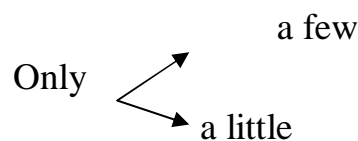
تذکر: این دو کلمه می توانند در جملات مثبت به کار روند ولی در این حالت تعداد یا مقدار مورد نظر بسیار اندک است.

Bought.....honey.

1.a few *2.little 3.few 4.many

نکته 5- هرگاه قبل از نقطه چین کلمه **only** قرار گیرد جواب فقط "**a few**" و یا "**a little**" می باشد به خاطر بسپاریم:

Only جمله را منفی نمی کند. بلکه مقدار یا تعداد آن را کم می کند.



Have only.....books here.

* 1. few 2.few 3. much 4.many

عمده اشتباهات مربوط به اسامی :

1- اسامی غیرقابل شمارش شکل جمع ندارند ولی در تست ها به غلط جمع بسته می شوند

2- تطابق نداشتن اسم با فعل از لحاظ مفرد و جمع بودن

3- در اسامی مرکب صفت جمع بسته نمی شود

do , make

نکته: make همیشه بعد از آن یا a و یا an (حروف صدادار) می آید مگر یک استثناء

Make a mistake
Make a difference
Make a comparison
Make a discovery
Make a profit
Make a suggestion
Make an investment
Make an offer
Make a prediction
Make use of ***

نکته: بعد از do a-an نمی آید مگر در سه حالت آخر

do one's duty
do homework
do wrong
do business
do work
do damage
do wonder

1- do an assignment
2- do a service
3- do a kindness

a , an

a page

(a-e u i o) ⇒ an

a unit

هروقت صدای یو می دهد از a استفاده می شود

an understanding

هروقت صدای آ می دهد از an استفاده می شود

a uniform

an hour

صدای A می دهد

a university

an orange

حرف تعریف The

بطور کلی در صورتی که مطلب مورد نظر هم برای گوینده و هم برای شنونده شناخته شده باشد از The استفاده می شود. The قبل از اسم چه مفرد و چه جمع و چه قابل شمارش و چه غیر قابل شمارش بکار می رود ولی همانگونه که گفته شد باید آن اسم مشخص و شناخته شده باشد.

The در موارد زیر بکار برده می شود:

1- وقتی فقط یک چیزی در دنیا است از The استفاده می شود

The sun The sky

2- برای صفات برترین

The piano, The violin

3- برای ابزار و آلات موسیقی

The eagle

4- برای گیاهان، حیوانات، اختراعات و اجزای بدن

The 1800s

5- قبل از دهه ها و قرن ها

The twenties the 20th century

6- قبل از عبارتهای زمانی و مکانی

The morning The future

آینده

The afternoon The present

حال

The evening The past

گذشته

The front روی The top

بالای

The middle وسط The back پشت The bottom

پایین

جهت های اصلی

The south جنوب The west غرب The North شمال The east شرق

7- قبل از اعداد ترتیبی از The استفاده می شود ولی قبل از اعداد اصلی از The استفاده نمی شود.

اعداد ترتیبی

اعداد اصلی

the first

One, two, lesson 7

The second

The third

The fourth

The fifth

8- قبل از اسامی کشورها، شهرها که دارای of هستند the می گیرد

The city of Tehran
Tehran city

9- مناطق جغرافیایی the می گیرد ولی قاره ها نمی گیرد

The middle east
Asia
Europe

10- قبل از اسامی جنگها the می آید بجز جنگهای جهانی

The khandagh war
World war II

اشتباهاتی که مربوط به حرف تعریف THE است (درتستها)

1- جایی که the باید بکارمی رفته درحالی که بکارنرفته و برعکس

2- کاربرد نادرست the بجای a یا an و برعکس

3- کاربرد نادرست صفت ملکی بجای the یا a یا an و برعکس

Coral reefs are limestone formations

A

B

Composed of tiny sea organism and the remains.

C

D

توضیح: REMAINS اسم است پس قبل از آن باید از صفت ملکی استفاده شود بنابراین بجای The باید از their استفاده شود.

تمرین مربوط به حروف ربط، افعال زنجیره ای، اسم، کمیت نماها

1-They saw me here, and.....

1.so does he 2.he did too 3.neither does he 4.he didn,t either

2-You have helped us, and.....

1.so does he 2.neither has he 3.so he has 4.so has he

3-I can climb the trees, and.....

1.you can too 2.you do too 3.you can't either 4.so you can

4-we hadn't passed our exams, and.....

1.neither he had 2.so had he 3.neither had he 4.neither did he

5-she won't come on time, and.....

1.neither would I 2.neither I will 3.I will too 4.neither will I

6-He put it here, and.....

1.I did too 2.I didn,t either 3.I do too 4.I don't either

7-I didn,t pass my exam, and.....

1.neither he did 2.he did either
3.neither does he 4.he didn,t either

8-My brother can type the letters, and....you.

1.so can 2.so do 3.neither can 4.neither do

9-she is interested in chemistry, and.....my brothers.

1.so is 2.are too 3.so are 4.neither are

10-I was absent ,and.....were they.

1.so 2.too 3.either 4.neither

11-she hasn't student it, and I haven't.....

1.so 2.too 3.neither 4.either

12-I have only.....money in my pocket.

1.afew 2.few 3.alittle 4.little

13-This food smells.....I can't eat it.

1.badly 2.good 3.bad 4.well

14-Don,t let any onein your affairs.

1.to meddle 2.meddle 3.meddling 4.meddled

15-Today is.....warmer than yesterday. we should go swimming.

1.very 2.so 3.much 4.too

16-He had a very old car.....I.

1.so had 2.so did 3.neither had 4.neither did

17-Ali wasn't interested in watching TV and.....

1.neither did I 2.I was too 3.neither was I 4.neither I was

18-The car would be out of order if we.....it.

1.doesn,t start 2.hadn,t started 3.haven,t started 4.didn,t start

19-Parsa usually drivesthan his friend.

1.faster 2.more fast 3.fastly 4.more fastly

20-The teacher made the students.....the passage loudly.

1.reading 2.to read 3.read 4.are reading

جمله وارہ

1- جمله وارہ اسمی 2- جمله وارہ صفتی 3- جمله وارہ قیدی

Clause (جمله وارہ) ⇐ مجموعه کلماتی که دارای فعل و فاعل هستند را جمله وارہ می گویند.

مشخصات clause: 1- یک مفهوم کامل ندارد 2- به نقطه ختم نمی شود 3- نقش های مختلفی در جمله دارد

انواع Clause: (جمله وارہ اسمی) Noun Clause adjective clause (جمله وارہ صفتی) Adverbial Clause (جمله وارہ قیدی)

جمله وارہ اسمی Noun clause

ویژگی جمله وارہ را دارد (یعنی سه ویژگی بالا) و نیز ویژگی اسم را نیز داشته باشد یعنی اینکه هر نقشی که اسم بتواند ایفا کند هم می تواند داشته باشد (نقش های اسم عبارتند از: 1- نقش فاعلی 2- نقش مفعولی - نقش مفعول حرف اضافه (حرف اضافه + مفعول)

نکته: حروف اضافه (preposition) عبارتند از:

from...to-since-for-on-in-at-With-abut

نکته: هر کلمه ای که پس از حرف اضافه قرار می گیرد مفعول حرف اضافه می باشد

نکته: هر نقشی که اسم می گیرد ضمیر نیز می تواند داشته باشد

نکته: ضمیر به جای اسم بکار می رود تا از تکرار آن جلوگیری کند

نکته مهم: پس هیچگاه ضمیر با اسم نمی آید (در تست ها زیاد از این نوع می آید)

اگر در جمله دو فعل داشته باشیم احتیاج به یک connector (ارتباط دهنده) داریم و اگر سه فعل داشتیم دو تا ارتباط دهنده لازم داریم و اگر چهار تا فعل داشتیم سه تا ارتباط دهنده می خواهیم.

,when,what,where,why,how,what ever,when ever,that is,whether

$Ncl = c + s + v$

فعل + فاعل + ارتباط

این ارتباط دهنده ها ارتباط دهنده هایی هستند که نیاز به فاعل و فعل دارند اما دسته دوم از ارتباط دهنده ها ارتباط دهنده هایی هستند که نیاز به فاعل ندارند و خود علاوه بر نقش ارتباط دهنده نقش فاعل نیز ایفا می کنند.

Who	what	which
Who ever	what ever	whichever

NcL = CS + V
 فعل ارتباط دهنده

نکته مهم: That نیاز به فاعل + فعل دارد ولی درست است ها به اشتباه به عنوان CS بکار می رود

I k now when he wi ll arrive
 I am concerned about whe he will ar vive

نکته: افعال کمکی عبارتند از:

Am- is- are - was - were- can- could - may – might-
 Should - shall - must - have - has - hut

When he will arrive is not important

نکته: ارتباط دهنده همه جای جمله می تواند باشد ابتدا یا وسط یا انتها

نکته: اگر فاعل ما در هر دو جمله وار ه یک نفر باشد می توانیم فقط یک فاعل داشته باشیم

Was LaTe caused many problems
 A) the driver * B)thuR he
 c)There D)Because

جواب: وقتی دو فعل داریم دنبال ارتباط دهنده هستیم و با این نتیجه که می توان بایک فاعل هم در کنار دو فعل داشته باشیم با توجه به نکته صفحه قبل

It is only in the Last zoo years.....
 have begun climbing mountains

A) because people * B)that people
 c)people D)as people

in a 1988 advaned officers program
 sumpson developed a plan to incorporate
 police in inforciny environmental protection
 laws when ever feasible. \ → صفت

*A) it is b)is c)has d)it has

نکته: در بسیاری از موارد عبارات قبل از، (ویر گول) که هیچ نقشی در جمله ندارند (فاقد فعل و فاعل) می باشند به عنوان عبارات اضافی محسوب می شوند و ماهیچ کاری با آنها نداریم

مفعول فعل مفعول

..... + v (obj) + v (obj)

*A)what

B)how

C)when

D)if

* A)that it

B)Which it

C)if

D)that

نکته: این مثال بالا با توجه به صفحه قبل یعنی اینکه برخی از ربط دهنده ها نیاز به فاعل ندارد مثل what و برخی نیز دارند مثل that که در این تست فاعل آن it می باشد.

جمله واره های قیدی Adverbial Clause

جمله واره های قیدی برخلاف جمله واره های اسمی که بحث شد و نقش های مختلفی در جمله می گرفتند (فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه) تنها نقش قیدی دارند پس می توانند مانند قیدها چگونگی، دلیلی، مکانی، زمانی، رفتاری، و تضادی و غیره را بیان نمایند

جمله واره های قیدی شامل جمله واره های اصلی، مستقل و یاقیدی یا وابسته هستند

I will sign the check before you leave

توضیح: جمله واره اصلی در اینجا تا قبل از before می باشد و از before به بعد جمله واره قیدی می شود

Before you leave , I will sign the check

توضیح: در بعضی موارد برای تاکید، جای جمله واره اصلی و وابسته عوض می شود در این موارد بین جمله واره اصلی و وابسته می آید.

انواع ارتباط دهنده های مربوط به جمله واره های قیدی :

1(زمان) Time

2(دلیلی) cause

After

as

As

because

As long as

in as much as

Assoonas

Now that

Before

since

By the time

Once

Since

3(دلیلی) condition

Until

if

When

in case

دارد چون فعل برای خود یک فاعل دارد (people) اما گزینه سوم درست است زیرا with حرف اضافه می باشد hale telescope مفعول حرف اضافه می شود.

A many human chromosomes , they chromosome is unvsvol most of the chromosome does not participate in meiotic recombination

- A) in B)so c) and * D)in that

دو فرمول جمله واره قیدی :

ارتباط دهنده فعل فاعل

S +v _____ c _____ S+V فرمول 1:

S+v, _____ cc _____ S+V فرمول 2:

در فرمول 1 اگر فعل اول نیاز به مفعول داشت جمله واره بعدی یک جمله واره ی اسمی می باشد که نقش مفعول را بازی می کند بنابراین ارتباط دهنده اضافه شوند ه به این قسمت در جای خالی ارتباط دهنده نوع اسمی می باشد اما اگر فعل اول نیاز به مفعول نداشت بهترین حالت جمله واره قیدی می باشد و ارتباط دهنده اضافه شده از نوع قیدی می باشد.

در فرمول 2 می توانیم علاوه بر ارتباط دهنده هماهنگ کننده از ارتباط دهنده های جمله واره های قیدی هم استفاده کنیم (فقط از جمله واره های قیدی نوع تضادی استفاده می کنیم)

S+v (,) s+v

- A)and C)Becanse
B)when D) although

توضیح: گزینه اول می تواند باشد زیرا and جز ارتباط دهنده های هماهنگ کننده بود و فرمول آن این بود که بعد از , فاعل و فعل می آید و گزینه دوم و سوم به این دلیل غلط می باشد که اگر چه جز جمله واره های قیدی می باشند اما جز جمله واره قیدی از نوع تضادی نمی باشد پس گزینه 4 هم می تواند باشد زیرا جز جمله واره تضادی می باشد

فرمول 3 راجع به جمله واره قیدی :

فرمول 3 در جای خالی می تواند یک ارتباط دهنده قیدی قرار بگیردS+V,S+V

شکل کلی جمله واره های قیدی عبارتند از:

نحوه کاهش دادن جمله واره های قیدی: فعل + فاعل + ارتباط دهنده

1- به ارتباط دهنده دست نمی زنیم

2- همیشه فاعل را حذف می کنیم

3- حذف فعل به دو طریق انجام می شود الف) اگر بعد از فاعل بلافاصله یکی از شکل های فعل To be باشد بایستی تمام زیبایی های فعل را از آن بگیریم (مثلاً s,ed) و شکل اولیه فعل را بدست می آوریم آنگاه به این شکل از فعل ing اضافه می کنیم

نکته: ارتباط دهنده باقی می ماند و حذف نمی شود بخاطر اینکه با وجود ارتباط دهنده هست که باید بدانیم چه نوع جمله واره قیدی داریم (کامل یا ناقص) مثال: اگر غیر از فعل to be باشد و می شود feeling

although he is unwell , he will take part in the seminar.

توضیح: اینکه فاعل حذف شود IS هم که از افعال to be می باشد حذف شود

when you gave your speech , you should...

توضیح: فاعل حذف شود به فعل ing,gave اضافه میشود (تذکر اینکه اول باید افعال را بصورت زمان حال ساده در آورد و سپس ing اضافه کنیم) gaiving

نکته مهم: یک جمله واره قیدی زمانی می تواند کاهش پیدا کند که فاعل جمله واره ی اصلی و جمله واره قیدی یکسان باشد.

after the space probe sent pictures , astronomers examined them.
فاعل اول

توضیح: اینکه دو فاعل یکی نباشد پس نمی توانیم جمله واره را کاهش دهیم

In 1987 a Canadian astronomer , Ian shelton , spotted a supernova.....
looking at some photographs of the stars

A)was B)during C) as of * D) while he was

جمله واره های صفتی adjective clause

جمله واره های صفتی یک اسم را که ماقبل آن آمده را توصیف می کند بلافاصله بعد از اسم آمده و آن را توصیف می کند چون آن اسم می تواند فاعل ، مفعول ، مفعول حرف اضافه باشد و یک جمله واره صفتی ممکن است در هر جای جمله دیده شود.

تذکر : اسم می تواند فاعل یا مفعول و یا مفعول حرف اضافه باشد

جمله واره صفتی + اسم

فعل + جمله واره صفتی + فاعل

جمله واره صفتی + مفعول + فاعل

جمله واره صفتی + مفعول حرف اضافه + حرف اضافه

- بهترین نکته برای تشخیص یک جمله واره صفتی اسم قبل از آن می باشد.

انواع ارتباط دهنده های جمله واره های صفتی :

whom, which, that (s+v) گروه اول (احتیاج به فعل + فاعل)

whom, which, that گروه دوم (احتیاج به فاعل ندارند و فقط فعل می خواهند)

The woman is filling the glass that she put on the table .

glass اسم هستش بنابراین می دانیم که چون قبل از ارتباط دهنده صفتی باید اسم بیاید

- The giftselected for the bride was expensive

A)because B) was C)since *D) which we

توضیح : اینکه در جمله واره ها زمانیکه فاعل هر دو طرف جمله واره یکسان باشد وجودیک فاعل کافیست

.....is on the table has lover section

A)the note book

*B) the note book which

C)Because the notebook

D)In the note book

The factthe most important rating period is about to begin has caused all the net work to shore up their schedules.

A)is that B)of * C) that D)what

توضیح : گزینه اول غلط می باشد زیرا در این حالت سه فعل داریم و باید دو تا ارتباط دهنده داشته باشیم

در صورتی که در گزینه اول فقط یک ارتباط دهنده داریم گزینه آخر نیز غلط است زیرا با وجودی که what

ارتباط دهنده است جز ارتباط دهنده ی جمله واره های صفتی نمی باشد در صورتی که the fact اسم می باشد بنابراین نیاز به جمله واره صفتی داریم

جمله واره های صفتی کاهش یافته : Reduce Adj CL

تنها جمله واره های صفتی را می توان کاهش داد که ارتباط دهنده آنان از نوع ارتباط دهنده هایی باشد که هم نقش ارتباط دهنده را دارند و هم نقش فاعلی نتیجه اینکه هیچ گاه جمله واره های صفتی که دارای ارتباط دهنده whom باشند قابل کاهش نیست پس فقط می توان ارتباط دهنده های who و which و that را می توان کاهش داد

نحوه کاهش دادن جمله واره های صفتی :

1- ارتباط دهنده را حذف می کنیم زیرا نقش صفت را دارد ولی در آنجا (جمله واره های قیدی) می توانست زمانی، مکانی، دلیلی، شرطی داشته باشد

2- نحوه حذف فعل به دو صورت می باشد: الف) اگر اگر بلافاصله بعد از ارتباط دهنده فعل to be داشته باشیم تنها کافیس فعل to be را حذف کنیم ب) اما اگر فعلی به غیر از فعل to be بود تمام زیبایی های فعل را از آن می گیریم و به حالت اولیه فعل ing اضافه می کنیم .

The woman who is waring to us is the tour guide

توضیح: در اینجا به دلیل اینکه who از ارتباط دهنده های صفتی می باشد که می توان آن را کاهش داد و پس از آن نیز فعل کمکی می باشد is را حذف می کنیم بنابراین who هم حذف می کنیم .

I don't understand the article which appears in today's paper

توضیح اینکه: چون بعد از which فعل بعد از آن to be نیست s آن را حذف نموده و ing اضافه می کنیم.
Appearing

The letter which you sent me arrived yesterday.

تذکر: اگر دو فاعل در جمله یکی نباشد نمی توانیم جمله واره را کاهش دهیم بنابراین در کل قابل کاهش دادن نمی باشد .

The man who is playing is my friend .

تذکر: برای ارتباط دهنده ها حتماً باید دوفعل باشد ممکن است در برخی موارد بجای دوفاعل یک فاعل باشد بشرطی که فاعل کلاً در دو جمله وارہ یک چیز باشد بنابراین who و is حذف می شوند

The man whom I met was well known.

تذکر: در پاره ای از موارد در جملات انگلیسی ارتباط دهنده whom را حذف می کنند و خواننده با توجه به مفهوم جمله باید پی به وجود whom در جمله ببرد، بنابراین اگر whom باشد نیز قابل کاهش دادن نیست.

According to Legend , Bet sy Ross was the *womanthe Birst American stars

A) woman she made B)made * C) who made D)and she made .

تذکر: برای جمله وارہ صفتی حتماً باید قبل از ارتباط دهنده یک اسم باشد.

Dragonflies feed on a large variety of insects.....catch in flight.

A) in which they *B)which they C)there are to D)there are a

وارونه سازی : (Inversion)

وارونه سازی یعنی آوردن فعل قبل از فاعل (در صورتی که در جملات انگلیسی اول فاعل می آید و سپس فاعل) در پنج حالت وارونه سازی اتفاق می افتد.

1- با کلمات سوالی مانند : how, why, where, when, what

It is the homework.

What is the homework?

نکته: اما به یاد داشته باشیم که این کلمات (همان پنج کلمه بالا) جزء ارتباط دهنده ها نیز بودند در این حالت وارونه سازی پدید نمی آید چون در این حالت این کلمات دو جمله واه رابه هم ربط می دهند

I don't know what the home work is.

Could you tell me what your name is ?

توضیح: زمانی که کلمات (کلمه بالا) می آیند و نقش ارتباط دهندگی را دارند در این حالت جای فعل و فاعل عوض نمی شود به عبارت دیگر وارونه سازی صورت نمی گیرد.

The lawyer asked the client why.....it.

A) did he do B) did he * C) he did D) did

نکته: در اینجا چون که دو فعل داریم (asked – did) داریم و دو فاعل (he – the lawyer) داریم بنابراین why در نقش یک ارتباط دهنده می باشد بنابراین بعد از why وارونه سازی نیاز نمی باشد.

2- الف) وارونه سازی به واسطه کلمات مکانی تک کلمه ای

There are the keys that I thought I lost.

پس در اینجا وارونه سازی انجام شده

Here is the book that you lent me.

(در اینجا نیز وارونه سازی انجام شده است)

2- ب) وارونه سازی به واسطه عبارت های اضافی که معرف مکانی هستند

بنابراین هرگاه ساختار اسم + حرف اضافه را داشته باشیم وارونه سازی اتفاق می افتد.

Around the corner

Beyond the mountain

On the second level of the parking lot....

A) is empty B) are empty
C) some empty stalls are * D) are some empty stalls

در گزینه A, B ما فاعل نداریم در گزینه C وارونه سازی انجام نشده (فعل + فاعل) اما در گزینه آخر هم فعل و فاعل داریم و هم وارونه سازی انجام شده

3- وارونه سازی برای منفی سازها

Neither, Nor, seldom

No, Not, Never, only

Hardly, barely, scarcely

نکته: بنابراین بعد از منفی سازه های بالا در جمله ابتدا فعل و سپس فاعل می آید (یعنی وارونه سازی انجام می شود)

Never has Ali taken a vacation
Not once I missed a question
Not once did I miss a question.

در جمله بالا به خاطر وجود Not باید وارونه سازی انجام شود در این حالت باید ابتدا فعل و سپس فاعل بیاید اما چون که فعل زمان گذشته (ed) می باشد باید در وارونه سازی فعل کمکی did در ابتدا و سپس فاعل و در نهایت فعل اصلی (miss) بدون ed می آید

Hardly ever he takes time off.
Hardly ever dose he take time off.

Only in extremely dangerous situation...stopped.
A) will be the printing presses
B) the printing presses will be
c) that the printing presses will be
*D) will the printing press be

Does seldom a computer make a mistake.
A B C D

توصیح اینکه Does باید بعد از seldom قرار بگیرد.

4- وارونه سازی بواسطه شرطی ها

در جملات شرطی که فعل کمکی آنها WERE, SHOULD, HAD می باشد و ارتباط دهنده آنان IF است وارونه سازی به شکل زیر انجام می گیرد که بعد از انجام وارونه سازی IF نیز حذف می شود.

If he had taken more time, the results
had he taken more time, the results
would have been better.

.....you see frank at the conference, give him my regard.

*A) Should B) would C) might D) Could

نکته: همانطور که گفتیم در وارونه سازی اول فعل و سپس فاعل می آید حتماً باید توجه کرد که اگر فعل کمکی باشد ابتدا فعل کمکی سپس فاعل و سپس فعل

Only by working three jobsable to support his large family.
A) he was B) he is C) he's being * D) was he

The report would have been accepted.....in checking its accuracy.

- A)if more care
- B)more care had been taken
- C)had taken more care
- *D)had more care been taken

نکته: در تست هایی که مربوط به وارونه سازی می باشند گزینه ای که در آن shoud,had,were دارند
گزینه صحیح است و نه آنکه if دارند.

5- وارونه سازی بواسطه مقایسه

My sister spends more hours than john.
My sister spends more hours than john does.
My sister spends more hours than john does john.

وارونه سازی در مثال 3 انجام شده است یعنی جای فعل و فاعل عوض شده است.

The results of the current experiment appear to be more consistent than....the results of any previous tests.

- A)them
- * B)were
- C)they were
- D) were they

Located behind....the two Lacrimal glands.

- A) each eyelid
- B)is each eyelid
- *C)each eyelid are
- D)each eyelid which is

توضیح: ما به دنبال گزینه ای می گردیم که فعل داشته باشد پس گزینه اول فعل ندارد، در گزینه B IS نباید اول باشد زیرا behind حرف اضافه است و بعد از آن باید مفعول حرف اضافه بیاید و در گزینه c each eyelid مفعول حرف اضافه است برای حرف اضافه behind و کلمه are فعل هستند که قبل از فاعل آمده اما گزینه D بخاطر اینکه فاعل داریم ولی یک فعل نیز داریم پس نیاز به ارتباط دهنده نداریم زیرا یک فعل بیشتر نداریم .

بدل Appositive

ویژگی های بدل :

1- نه فعل دارد و نه فاعل

2- مجموعه کلماتی است که یک توضیح اضافه در مورد یک اسم می دهد و بدون بود آن تاثیری در جمله ندارد

3- بدل می تواند هر اسمی که دارای هر نقشی باشد را توصیف نماید (نقش فاعل دارد - نقش مفعولی دارد ، نقش مفعول حرف اضافه دارد) پس می تواند در هر جای جمله ظاهر شود

4- بدل خود هیچ نقشی در جمله ندارد

5- بدل معمولاً فاعل جمله را توصیف می کند

نکته : جنس بدل و جنس اسمی که بدل آن را توصیف می کند باید یکی باشد مثلاً اگر فاعل شی باشد بدل نیز باید شی باشد

6- بدل می تواند قبل و یا بعد از اسم بکار رود

فرمول کلی برای بدل:

فعل ، بدل ، فاعل

فعل + فاعل ، بدل

Sally , the best student in the class , got an A on the exam.

..... , George , is attending the Lecture.

- A) Right now C) Because of the time
B) Happily * D) my friend

John , the messiest eater at the table,
Spewed mashed potatoes Like an erupting volcano.

..... , Sarah rarely misses her basketball shot.

- *A) an excellent basketball player
B) is
C) Sarah is an excellent basket ball play
D) her excellent basket ball play

ساختار گرامر موازی (parallelism)

بسیاری از جملات ممکن است یکسری اطلاعات را بصورت لیست وار (سری) ارائه کنند این سری ها ممکن است شامل دو یا تعدادی قسمت بیشتری باشند که همه آنها دارای ساختار گرامری یکسان هستند به این تیپ جملات ساختار گرامری موازی می گویند

این ساختارها شامل :

1- اسامی صفتها، قیدها و یا عبارتها هستند

الف) اسامی : it is destroyed by heat ,storage, or exposure to air.

ب) فعل : it prevents heart disease, speeds wound healing and helps gun disease.

ج) قید : it can be prepared naturally and sy the tidally.

د) عبارت : it can be bought in the form of crystals or in the form of grannies.

2- مصدر : they tend to disintegrate and to fall apart.

3- اسم مصدر :

claims for vitamin c such as reducing
Stress and improving Tahiti.....

vitamin c boosts immunity against colds,
.....asthma, and helps Maintau good vision.

A) counteracting

C) will counteract

*B) counteracts

D) it A contere to

در سوال دو فعل وجود دارد که S گرفته و درگزینه ب میز فعل S گرفته است

symptoms of mild vitamin c may be
Weakness, irritability, loosing weight, and apathy.

توضیح: C اشتباه است چون ing گرفته و آن سه تا ندارند.

- some one favor the garage phoned to say
That the car had been fixed and asking
G we would piek it up by 5:00

توضیح: D غلط می باشد زیرا باید ed بگیرد زیرا phoned گرفته است.

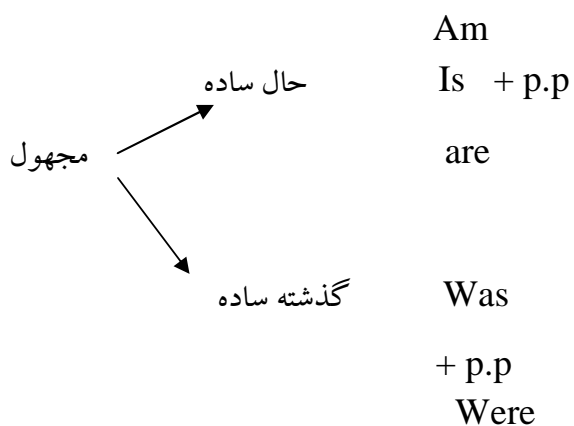
مجهول

جملاتی که از قانون زمانها پیروی می کنند دو حالت دارند معلوم و مجهول
جملات معلوم : جملاتی هستند که دارای فاعل مشخصی می باشند مانند: من ماشین را شستم
جملات مجهول : جملاتی هستند که دارای فاعل مشخصی نیستند مانند: ماشین شسته شد.
در مورد تشخیص جملات مجهول باید گفت که اگر در انتهای فعلی، عملی (شده اند) انجام بگیرد آن جمله مجهول است مانند: گم شد - کشته شد - باید پست شود - دیده شده بود

طرز تبدیل جملات معلوم به مجهول: (زمانهای حال ساده و گذشته ساده)

- 1- فاعل و فعل و مفعول را جدامی کنیم
- 2- مفعول را در ابتدای جمله جدید می نویسیم
- 3- با توجه به زمان فعل از مشتقات to be استفاده می کنیم. (اگر فعل حال ساده باشد از قسمت حال to be و اگر گذشته ساده باشد از گذشته to be استفاده می گردد.)
- 4- اسم مفعول فعل اصلی را می نویسیم.

They clean the house	→	آنها خانه را تمیز می کنند
The house is cleaned		خانه تمیز می شود.
You write the letters	→	The letters are written.
I help the poor boy	→	The poor boy is helped
We closed the door		
The door was closed		
He mailed the cards	→	The cards were mailed

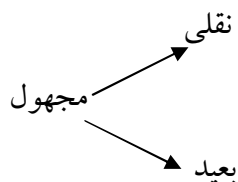


مجهول ماضی نقلی و بعید

They have cleaned the house
House has been cleaned

در مورد زمانهای نقلی و بعید پس از مفعول از کلمات *has, have* یا *had* استفاده کرده، پس از آن کلمه *been* استفاده می کنیم و در انتها اسم مفعول فعل اصلی را می نویسیم.

- | | | |
|---------------------------|---|-------------------------------|
| you have seen him. | → | He has been seen. نقلی |
| she has sold the cars | → | The cars have been sold. نقلی |
| they had washed the car. | → | The car had been washed. بعید |
| my father had punished me | → | I had been punished. بعید |



Have
+been+p.p
Has
Had+been+p.p

مجهول آینده و افعال کمکی

they will clean the house
the house will be cleaned

در مورد آینده و افعال کمکی پس از نوشتن مفعول، هر فعل کمکی که در جمله اصلی وجود داشته باشد نوشته پس از آن از کلمه be استفاده کرده و در انتها اسم مفعول را می نویسیم.

You should help the poor.
We can speak French here

The poor should be helped.
French can be spoken here.

بنابراین :

آینده مجهول → Will + be+p.p

فرمول کلی جملات مجهول

	am		Have	
حال ساده	Is	+pp	نقلی	+been+p.p
	are		Has	
	was		بعید	Had +been+pp
گذشته ساده		+p.p		
	Wer		آینده	Will +be+p.p

اگر دقت کنید متوجه می گردید که در تمامی جملات مجهول فاکتور ثابتی بنام P.P وجود دارد.

1.The walls.....last week.

1.painted *2.were painted 3.will painted 4.will be painted

2-The letterstomorrow

1.posted 2.willpost *3.willbe posted 4.were posted

3-The class...before students came into.

*1.had been cleaned 2.cleaned
3.are cleaned 4.had cleaned

4.we....this refrigerator since last year.

*1.have bought 2.bought

3.have been bought 4.were bought

5-Heyesterday.

1.killed * 2.was killed 3.kills 4.killed

6-This car....a lot of gasoline every day.

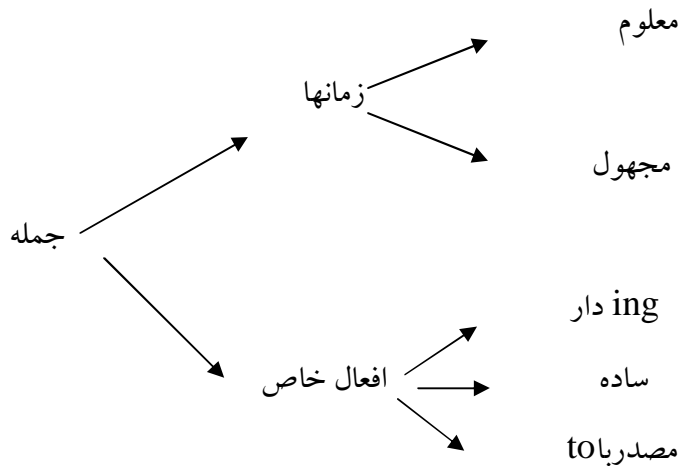
*1.uses 2.used 3.is used 4.was used

7-The contract.....by the president.

1.signed * 2.was signed 3.willsigne 4.has signed

By خودیکی از علائم جملات مجهول است فقط گزینه b مجهول است.

پس به طور کلی می توان گفت :



افعال دو کلمه ای

افعالی را گویند که از دو قسمت تشکیل گردیده اند مانند: put on-look for

این افعال به دو گروه تقسیم می گردند:

- 1- افعال جدا شدنی: افعالی را گویند که بین دو قسمت آنها می تواند ضمیر مفعولی و یا اسم قرار گیرد.
- 2- افعال جدا نشدنی: افعالی را گویند که بین دو قسمت آنها نه ضمیر مفعولی و نه اسم می تواند قرار گیرد . معمولاً اگر فعلی جزء دومش یکی از کلمات زیر باشد آن فعل جدا نشدنی است .

For -of-to-at-in-about- with-after

برای یافتن جواب تستهای این مطلب باید دقت کنیم که آیا مفعول مفرد است یا جمع و پس از تشخیص موضوع به مسئله جدا شدنی با جدا نشدنی افعال پردازیم .

1-does he put on his coat? Yes, he puts.....

1-on it * 2.it on 3.on them 4.them on

2-do you look for the books? Yes, I look.....

1for it 2.it for * 3.for them 4.them for

3-do they take off their shirts? Yes, they take.....

1. off them 2.off it 3.if off * 4. them off

کلمه of با off اشتباه نشود.

جملات شرطی if

هر گاه انجام کاری مشروط به وقوع عمل دیگری باشد به آن جمله شرطی می گویند.

هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شوند.

1- قسمت شرط که با کلمه if شروع می شود.

2- نتیجه شرط

نکته: معمولاً ابتدا قسمت شرط را مینویسند در این صورت وجود , بین دو قسمت ضروری میباشد ولی اگر اول

قسمت نتیجه و بعد قسمت شرط نوشته شود , لازم نمی باشد سه نوع جمله شرطی وجود دارد:

1- Tomorrow آینده ساده/امری , حال ساده

If I Study hard, I will pass the exam tomorrow

2- now /to morrow آینده در گذشته ساده + گذشته ساده

If I studied hard, I would pass the exam.

3- Yesterday آینده در گذشته کامل + گذشته کامل

If I had studied hard, I would hare passed the exam.

نکته 1: در قسمت نتیجه شرط می توان بجای will از افعال کمکی ناقص دیگر مانند May can. و must و غیره
و بجای whould می توان از could و must و غیره استفاده کرد.

نکته 2: در شرطی نوع اول نتیجه شرط میتواند جمله ی امری باشد.
if you are too hot, take your coat off.

نکته 3: در جملات شرطی بجای was بهتر است از wove استفاده کنیم.
I were you, I wouldn't buy that car.

تمرین های کلی

- 1-she saw me while I.....tennis.
1.am playing 2.will play 3.play 4.was playing
- 2-You would accept what he told you if I.....you.
1. asked 2. ask 3. had asked 4. willask
- 3-My brother had finished his home work before...out.
1. went 2. to go 3. going 4 had gone
- 4-why didn,t you let your brother ...you in your work?
1.help 2.to help 3.helping 4.helped
- 5-I wishhim as soon as possible.
1.saw 2.to see 3.had seen 4. Would see
- 6-I knew the girl to....you were talking.
1.who 2.whom 3.whose 4.which
- 7-These days women can work asas men.
1.good 2.well 3.bettter 4.the best
- 8-The letters.....care fully yet.
1. haven,t studied 2.have studied
3haven,t been studied 4.have been studied
- 9-My computer functions...than yours.
1.slower 2.slowly 3.more slowly 4.more slow
- 10-After my travel. I decided.....a good car.
1.buy 2.buying 3.to buy 4.bought
- 11-The books ...next week.
1.buy 2.will buy 3.will be buy 4.can be bought
- 12-My brother never helped me ,....?
1.does he 2.did my brother 3.did he 4.is he
- 13-You don't walk to school anddo I.
1.so 2.neither 3.too 4.eithere
- 14-we can buy a house here and ...you.
1.so do 2.can too 3.so can 4.tooo can
- 15-we wanted to buy the bicycle ,but we had only....money.
1.afew 2.few 3.a little 4. Little
- 16-we hadguests in the house, so we went out.
1.any 2.no 3.not 4.none
- 17-This soup tastes....That is why I can't eat it.
1.good 2.badly 3. Bad 4.well

18-My fatherbefore we could help him.

1.injured 2.had injured 3.injures 4.had been injured

19-I could hear my friends in the room....beautifully.

1.singing 2.to sing 3.sang 4.sung

20-Today I ambetter than yesterday.

1.very 2.too 3.much 4.so

So-such-Too-Enough

very+صفت

قید

مصدر با to+صفت+too

قید

جمله کامل +صفت+that+so

قید

جمله کامل +صفت+that+such

مصدر با to+صفت+enough

قید

Very: پس از این کلمه صفت یا قید قرار می گیرد و معمولاً جمله خاتمه می یابد. در مورد very هیچگاه نتیجه گیری وجود ندارد.

He is very old.

He works very slowly

مصدر با to+صفت+Too

قید

به این مثال توجه کنید:

He is very old

Too می تواند به جای very قرار گیرد ولی نسبت به very شدت بیشتری دارد.

He is too old

اگر پس از کلمه too که صفت قرار گرفته است فعلی به صورت مصدر با to نوشته گردد، در این حالت شدت too آنقدر زیاد می گردد که فعل جمله حالت منفی پیدا می کند.

He is too old to work.

I am too fat to run

اگر به مثال‌ها دقت شود متوجه می‌شویم که در جمله هیچ‌گونه علامت منفی وجود ندارد. اما به خاطر بسپاریم. در مورد too جمله اگرچه ظاهراً مثبت است اما معنای منفی دارد.

ممکن است فرمول به صورت زیر تغییر کند. در این حالت معمولاً جمله باشیئی شروع می‌گردد.

مصدر یا to+مفعول for+صفت to+

قید

This basket is too heavy for me to carry.

جمله کامل that+صفت so+

قید

پس از so صفت یا قید قرار گرفته و بعد از آن that قرار می‌گیرد. البته بعد از that باید از جمله کامل استفاده گردد.

به تبدیل too به so در جمله زیر دقت کنید:

He is too old to work.

He is so old that he can't work.

تفاوت این دو جمله در این است که جمله اول ظاهراً مثبت است اما معنای منفی دارد، اما جمله دوم هم از نظر ظاهری و هم از نظر معنایی منفی است.

He is too tired to play. He is so tired that he can't play

Such
Such a
Such an

} That + اسم + صفت

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد پس از such یک صفت قرار گرفته و بعد از صفت اسم وجود دارد. کلمه that نیز معمولاً در عبارت such موجود است.

سوال: تفاوت so و such در چیست؟

اگر قبل از that یک کلمه قرار گیرد باید از so استفاده کرد. ولی اگر قبل از that دو کلمه قرار گیرد باید از مشتقات such استفاده نمود.

Such خود به سه گروه تقسیم می گردد.

Such –such a-such an

به مثال زیر دقت شود:

It is.....heavy table that we can, lift it.

1.so 2.such 3.such a 4.such an

چون قبل از that دو کلمه وجود دارد بنابراین گزینه a غلط است. زیرا قبل از آن یک کلمه قرار می گیرد. حال به اسم موجود در جمله یعنی table نگاه می کنیم اگر اسم جمع باشد از کلمه such استفاده می کنیم. بنابراین گزینه b غلط است.

سپس به صفت نگاه می کنیم اگر صفت با حروف صدا a-e-i-o-u شروع شده باشد از such an استفاده کرده و اگر شروع نشده باشد such a جواب صحیح است. بنابراین جواب تست بالا گزینه c خواهد بود.

تست:

1- he is.....clever boy that he can memorize this book easily.

1. 2.such * 3.such a 4. such an

2-they arecheap cars that we can buy them all.

1. so *2.such 3.such a 4. such an

3-she is.....excited girl that she can't control herself

1. so 2.such 3.such a * 4. such an

4-saw.....interning films that I never forget them.

1. so *2.such 3.such a 4. such an

5-...is.....honest boy that every body can trust in him.

1.so 2.such 3.such a * 4. such an

به این کلمات دقت کنید.

hour ساعت

honor افتخار

honest صادق - راستگو

این کلمات با حروف صدادار شروع نشده اند اما در این کلمات «h» تلفظ نمی گردد و چون اولین حرف پس از حرف «o» می باشد و این حرف صدادار است بنابراین در این کلمات به جای «a» باید از «an» استفاده کرد.

1-Today we havecold weather that we can't go out.

1.so * 2.such 3.such a 4. such an

اگر اسمی که در جمله وجود دارد غیر قابل شمارش باشد در این حالت نیز باید از کلمه such استفاده کرد.

This road is.....far away that we should take a taxi.

* 1.so 2.such 3.such a 4. such an

We areamused that we like to stay here more.

«far away» یک کلمه است به معنای «دور»

*1.so 2.such 3.such a 4. such an

چون قبل از that یک کلمه قرار گرفته است از گزینه 1 استفاده گردید.

تذکر: به مثال زیر توجه شود.

He has.....much money that he can buy a big house.

1.so 2.such 3.such a 4. such an

اگر قبل از that دو کلمه وجود داشته باشد ولی کلمه اول که نقش صفت را داراست یکی از کلمات a few,

much, many یا little باشد در این حالت دو کلمه را باید یک کلمه فرض نمود که جواب so می شود.

تذکر مهم:

به این مثال توجه شود:

I boughthouse that every one gets surprised while knowing it.

1.so 2.such * 3.such a 4. such an

همانگونه که مشاهده می گردد در جمله فوق قبل از کلمه that فقط یک کلمه قرار گرفته ولی این کلمه اسم

است. اگر کلمه ای که قبل از that نوشته می گردد صفت یا قید باشد جواب so خواهد بود. ولی اگر قبل از that

یک کلمه وجود داشته باشد و این کلمه اسم باشد، در این حالت نیز از یکی از مشتقات such استفاده می گردد.

صفت

She is.....old that she can't walk.

*1.so 2.such 3.such a 4. such an

اسم

She has.....friends that she can trust in them all.

1.so

* 2.such

3.such a

4. such an

مصدر با to+enough+ صفت

قید

پس از enough نیز مصدر با to قرار می گیرد ولی تنها تفاوتش با کلمه too این است که صفت یا قید پس از too ولی قبل از enough نوشته می گردد.

مصدر با to+ صفت+ too

قید

مصدر با to+enough+ صفت

قید

he is.....old to work

*1.too

2.enough

He is oldto work

1.too

* 2.enough

He isn't.....to buy this car.

1.too rich

* 2.rich enough

3.so rich

4.such a rich

چون پس از نقطه چین مصدر با to قرار گرفته گزینه های «C» و «d» غلط هستند.

چون فعل جمله منفی است گزینه a هم غلط است، زیرا در مورد too همیشه باید فعل مثبت باشد.

He is....to buy the car.

1.too rich

* 2.rich enough

گزینه a از نظر معنایی غلط است زیرا به این صورت ترجمه می گردد.

او آنقدر ثروتمند است که نمی تواند ماشین را بخرد» این جمله غیر ممکن است بیاد داشته باشیم در مورد کلمه too باید فعل جمله را منفی کنیم.

گزینه «b» صحیح است. «اوبه حد کافی ثروتمند است که بتواند ماشین را بخرد»
بنابراین :

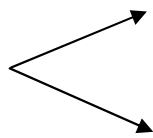
فعل جمله منفی

→ Enough

در این حالت فقط باید جمله را از نظر معنایی تشخیص دهیم.

Too

فعل جمله مثبت



Enough

I amto lift this box.

1.too strong * 2.strong enough

You are.....to work.

*1.too lazy 2.lazly enough

Fetch me the chairs in the yard.

But I am....to work any more.

*1.too sleepy 2-sleepy enough

تذکر: اگر در جمله ای که enough وجود دارد اسمی بخواهد قرار گیرد اسم پس از کلمه enough نوشته می گردد. یعنی:

مصدر با to+ enough+ صفت

قید

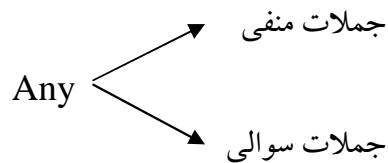
مصدر با to+ اسم+ enough

I have enough money to help you.

Some-any

Some به معنای «تعدادی» یا «مقداری» در جملات مثبت به کار می رود.
Any به معنای «هیچ» یا «هر» به جای کلمه some در جملات منفی یا سوالی بکار می رود.

some → جملات مثبت



There is some sugar in the bowl. مثبت

There isn't any sugar in the bowl. منفی

Is there any sugar in the bowl. سوالی

البته کلمه some در جملات سوالی نیز می تواند بکار رود در صورتی که جواب حتماً مثبت باشد.

Do you drink some more coffee?

No-any

No در جملات با فعل مثبت به کار می رود اما any در جملات با فعل منفی بکار می رود. از نظر معنی هر دو یکسانند.

there aren't any pens here. منفی

There are no pens here. مثبت

I don't see any one .

I see no one.

I didn,t help.....last week.

*1.any body 2.no body 3.some body 4.not body

تمرین مربوط به some-any-No-So-such-Too-Enough

1- I know your father is.....old to walk home.

1.very 2.so * 3.too 4.such an

2-The weather wasfine that we decided to go swimming.

1.so 2.very 3.too 4.such a

3-I haveinteresting films that my friends borrow them every week.

1.so *2.such 3.such an 4.very

4-He was.....fat boy that he could hardly run.

1.so 2.such * 3.such a 4.such an

5- I havemoney to buy this house.

1.too 2.very * 3.such 4.enough

6-she isn't.....to reach the ceiling.

1.too tall * 2.tall enough 3.so tall 4.such a tall

7-My son isto know the reason of my decision.

1.so experienced 2.very experienced
3.too experienced * 4. experienced enough.

8-He is.....happy today that he can't control himself.

1.so *2.such a 3.such 4.too

9-Ihadmuch home work to do that I didn,t know how to finish it.

1.such 2.too * 3.so 4.such a

10-The house was. big one that we had to buy more furniture to fill it.

1.so * 2.such a 3.such an 4.very

11-The room is.....small for us to live in

1.so * 2.too 3.such 4.very

12-The weather wasfine at the beach that we decided to go swimming.

1-Very 2-such a 3- too * 4-so

13-There is.....sugar in my cup.

1.no 2.any * 3.not some 4.none

14-He isto finish his work on time.

*1.too lazy 2.lazy enough 3.so lazy that 4.such as lazy

15-Iamto solve these problems easily.

1.to clever 2.so clever 3.such clever * 4.clever enough

16-The children are playinghappily in the yard that you can hear them very well.

*1.so 2.such as 3.very 4.such

17-I think you havetime to do the job well.

1.many * 2.enough 3.too 4.very

18-stand on the chair and fix the lamp.

But I am ...to reach the ceiling.

1.very tall 2.too tall 3.so tall * 4.tall enough

19-we went to pool instead ofto the cinema.

1.go 2.went 3.gone *4.going

20-The house they wanted was too expensive for them.....

1.to rent 2.rent * 3.renting 4.for renting

Have to. Has to. Had to

این سه کلمه جزء افعال کمکی اند بنابراین پس از آنها فعل به صورت ساده نوشته می شود و به معنی مجبور بودن می باشند.

تنها تفاوتی که این سه کلمه با افعال کمکی دیگر دارد در این است که این سه کلمه رانمی توان در جمله بوسیله خودشان سوالی یا منفی کردن این سه کلمه از کلمات Do, Does, Did استفاده نمود.

They have to come —————> Do they have to come?
He has to come —————> Does he have to come?
We had to come —————> Did you have to come?

1-He has to obey the traffic laws,...?

1-has he 2-hasn, the 3.does to *4.doesn, t he

در این قسمت باید جواب منفی باشد و چون has to وجود دارد آنرا با does سوالی می کنیم .

2-He has to obeyed the traffic laws,...?

1- He has he *2.hasn't he 3.does to 4.doesn't

جواب جمله باید منفی باشد و چون has در این جمله فعل کمکی زمان ماضی نقلی است بنابراین بوسیله خودش منفی می گردد.

used to (سابقاً)

برای بیان عادت یا کار یا حالتی که در گذشته انجام می شد ولی در حال حاضر انجام نمی شود.
نکته: این عبارت همیشه مربوط به گذشته است پس برای سوالی یا منفی کردن آن همیشه از مشتقات فعل کمکی did استفاده می شود. (در این صورت d را از did used to حذف می کنیم).

I used to live in karag.

She didn't use to smoke.

Did you use to work in a bank?

She didn't used to smoke.

Itv a lot , but t don't anymore.

A) was watching B) was used to watch * C) used to watch

Must have p.p - May/Might have p.p - Could have p.p - Should have p.p

به این مثالها دقت شود.

He shouldyou .(to help)

He should.....you yesterday.(to help).

تنها تفاوت مثال 1 و 2 در این است که در جمله شماره 2 یک قید گذشته وجود دارد.
در حالت عادی پس از افعال کمکی فعل به صورت ساده نوشته می گردد (شماره 1) اما اگر در جمله فعل یا قید گذشته ای وجود داشته باشد یا جمله به زمان گذشته دلالت کند فرمول به صورت زیر تغییر می کند

Have+p.p + فعل کمکی

حال باید به معانی مختلف این جملات به خوبی دقت کرد:

Should have P.P: بیانگر کاری است که باید انجام می شده ولی انجام نشده

Shouldn't have P.P: بیانگر کاری است که نباید انجام می شده ولی انجام شده

Could have P.P: بیانگر کاری است که می توانسته انجام گیرد ولی انجام نگرفته

Might have P.P: بیانگر کاری است که احتمال دارد انجام گرفته یا نگرفته باشد.

Must have P.P: بیانگر کاری است که باید انجام می شده و حتماً هم انجام شده است.

Prefer ترجیح دادن

نکته: بعد از I prefer (یا هر فاعل دیگر یا اسم می آید و با فعل ing میگیرد)

{ I prefer chicken to fish
Swimming

I, d rather stand
That's he went with them.

نکته: بعد از rather فاعل، مصدر بودن to می آید

Would you prefer tea or coffee?
To take a taxi or walk?

نکته: بعد از prefer فاعل would+ یا اسم می آید یا مصدر با to می آید.

had better بهتر بودن

You had better (not) go there.
بعد از had better مصدر بدون to می آید .

آشنا بودن Am/is/are familiar with

نکته: همیشه بعد از familiar , with می آید .

روش های مقایسه دو اسم توسط ترکیبات زیر:

توضیح: ترکیبات زیر برای مقایسه یک یا چند اسم بکار می روند و تشابه یا تفاوت آنان را می رسانند

Be + {
- ترکیبات فوق معمولاً وسط جمله می آیند the same as
Similar to /like + اسم
Different from

The chair is the same as that chair.
Your bag is similar to/like my bag.
Your shirt is different from mine.

تذکر: همیشه بعد از different , from می آید .

Be + {
the same
Similar/alike
Different

این ترکیبات معمولاً انتهای جمله می آیند

These chairs are the same.
Our bags are similar /alike.
Our shirts are different.

My new coat ... my old one.
A) similar B) alike C) different * D) similar to

Like , alike , unlike

Unlike ,like : هر دو حرف اضافه هستند پس بعد از آنها نیاز به مفعول حرف اضافه داریم

Like مفهوم تشابه را دارد و unlike مفهوم غیر تشابه را دارد

Unlike می تواند صفت و یا قید باشد که در حالت قید به معنای یکسان یا برابری و در حالت صفت به معنای تشابه می باشد.

باید توجه داشت alike صفتی است که بعد از فعل to be مورد استفاده قرار می گیرد و قبل از اسم بکار نمی رود

(unlike/alike) blue asbestos

بخطرات این که اسم می باشد بنابراین alike قبل از اسم بکار نمی رود

Both blue and brown asbestos are (like/alike)

Radon (like/alike) radium is radioactive.

Other / the other / another

Another: به معنای (یکی بیشتر) می باشد و می تواند قبل از یک اسم مفرد بکار رود

Other: به معنای (بیشتر از یکی) در گروهی می باشد که در مورد آن بحث می کنیم و می تواند قبل از یک اسم جمع بکار رود

The other: به معنای (آخرین مورد) در گروهی می باشد که در مورد آن صحبت می کنیم و می تواند قبل از یک اسم مفرد بکار رود.

مصدر با to+مفعول +for+صفت+to be

It is easy for me to speak French.

تست:

It is necessarywater.

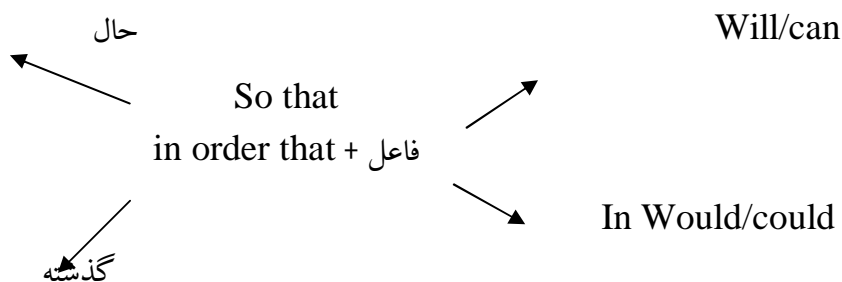
1.drink 2.drinking * 3.to drink 4.drunk

این جملات از قانون افعال خاص نیز می توانند حل گردند.

So that-In order that

پس از عبارات so that و in order that به معنای «تا اینکه» باید جمله کامل قرار گیرد. منظور از جمله کامل جمله ای است که حتماً با فاعل شروع گردد.

جملاتی که در دو طرف عبارات so that یا in order that وجود دارند باید از نظر زمانی یکسان باشند، بدین معنی که اگر طرف اول جمله یکی از زمانهای حال باشد طرف دوم نیز باید از فعل کمکی زمان حال (will/can) استفاده گردد ولی اگر طرف اول گذشته باشد در طرف دوم نیز باید از افعال کمکی گذشته (could/would) استفاده گردد.



I go home so that I can visit him.

I went home so that I could visit him.

In order to
So as to
To

این عبارات به معنای « به منظور اینکه » یا « تا اینکه » بکار می روند و تنها نکته مهم در مورد آنها این است که پس از عبارات فوق همیشه فعل به صورت ساده قرار می گیرد.

پس به طور کلی می توان گفت:

So That

+ فاعل

In Order that

In Order to

to

+ فعل

So as to

1-I need some moneybuy a good car.

1.so that *2.to 3.in order that 4.for

2-I hurried.....I could get the train.

1.in order 2.so as * 3.so that 4.to

3-wear glasses.....see me better.

*1.so as to 2.so that 3.inorder 4.in order that

4-I got an umbrella so that I.....get wet.

1.won,t *2.wouldn,t 3.can,t 4.hadn,t

5-They are taking a taxi so that they.....get there on time.

1.would 2.could * 3.can 4.had to

6-I sent them some money in order.....they could live comfortably.

1.to 2.for 3.as *4.that

7-He exercises every day.....keep. healthy.

*1.so as to 2.so that 3.in order that 4.for

8-she is wearing dark glasses.....the sun won't hurt her eyes.

1.so as to 2.for 3.to * 4.in order that

9-I need some information.....this job.

1.in order that do * 2.to do 3.so that do 4.do

10-I,m just leavingI can get the bus.

1.so as to 2.to * 3.so that 4.in order to

11-.....he is rich, he doesn't enjoy his life.

1.whether 2.since 3.Although 4.when

12-some countries are rich ,.....others are poor.

1.... 2.therefore 3.whereas 4.since

13-.....some people know only their native language others are able to speak many languages.

1.whether 2.since 3.As 4.while

14-.....he wasn't hungry, he ate a big meal.

1.Although 2.Unless 3.Even 4.while

15-He doesn't know the answer....I've told him several times.

1.because 2.as 3.although 4.since

16-some of the students are fat.....others are thin.

1.so 2.unless 3.whereas 4.until

17-They are enjoying the mild weather of that region,.....we live in a very ...place.

1.whereas 2.since 3.because 4.whether

18-.....he was a computer engineer, he didn,t know how to operate on it.

1.since 2.Because 3.Though 4.whether

19-she arrived on timeshe lost her way twice.

1.therefore 2.because 3.though 4.so

20-The first service is free,.....the second costs 100 dollars.

1.therefore 2.since 3.while 4.as

تمرین های کلی

1-she has to leave here, and.....we.

1.so have 2. so do 3. neither do 4.do too

2-There is no money here to spend,.....?

1.is it 2. isn't it 3. is there 4. isn't there

3-she always makes others.....to her boring stories.

1.to listen 2.listening 3.listened 4.listen

4-Did you turn off the radio? Yes, I turned.....

1.off it 2. if off 3.off them 4. them off

5-I asked my parents.....our house.

1.change 2.changing 3.changed 4. to change

6-They left home early so that theyarrive on time.

1.could 2.will 3.can 4.may

7-she made the boys.....early.

1.sleep 2. to sleep 3.sleeping 4.slept

8-The door was open. some onehave forgotten to close it.

1.should 2.could 3.will 4.might

9-He was very hungry. He.....lunch half an hour ago.

1.1.should eat 2. must eat
3. could have eaten 4.must have eaten

10-He had many accidents. Hemore carefully.

1.could drive 2.must drive
3.could have driven 4.must have eaten

11-Idon,t know exactly where Hamid is .He.....have gone to school.

1.should 2. could 3.might 4.must

12-He had a bad cold. He.....have gone out without warm clothes.

1.couldn,t 2.shouldn't 3.mustn't 4.should

13-why is he still at home? He.....have gone to school by now.

1.should 2.must 3.might 4.may

14-Mary didn,t go to school yesterday .she.....have been sick.

1.could 2.should 3. must 4. might

15-I,m not sure why he left here. He have been angry with me.

1.might 2.must 3.could 4.should

16-why didn,t you lock the door when you left home?

Home one ...have come in and stolen every thing.

1.should 2.must 3.could 4. would

17-Ali didn,t go out last night, so he...have had an accident at that time.

1.shouldn,t 2.mustn't 3.can't 4.won't

18-The car wasn't in the yard. Some onehave taken it out.

1.must 2.should 3. could 4.would

150 نکتہ مع

- 1 - اسم مفرد + another اسم جمع + other
- 2 - opposite با حرف تعریف the به کار می رود.
- 3 - قسمت اول فعل + used to be used to + ing
- 4 - برای تکرار یک فعل در زمان حال ساده از فعل کمکی do استفاده می کنیم.
- 5 - بعد از I wish هیچ گاه از ing و زمان حال ساده استفاده نمی شود.
- 6 - that و which هیچ گاه بین دو فعل قرار نمی گیرد ولی what می تواند بین دو فعل قرار بگیرد.
- 7 - اسم جمع + many اسم جمع + so many
 + than (مفرد یا جمع) + much more
- 8 - بعد از should و به طور کلی تمامی افعال کمکی نمی توان از قسمت دوم، سوم، مصدر و ing استفاده نمود فقط باید از قسمت اول فعل استفاده نمود.
- 9 - بعد از افعال زیر، فعل بعدی به صورت مصدر بدون to می آید.
- Let, make, see, hear, smell, watch,
 He lets me go out.
 He made me study English.
- 10 - بعد از I wish نمی توان از will, can یا should استفاده نمود.
- 11 - for از نشانه های حال کامل می باشد.
 طول مدت زمان + for + 3 + have/ has + فاعل
- 12 - بعد از one of اسم جمع می آید.
- 13 - قبل از صفت تفضیلی برای تأکید می توان از much استفاده کرد.
 Than + er + صفت یک سیلابی + much
- 14 - بعد از I wish معمولاً بنا به موارد از سه زمان استفاده می شود: گذشته ساده، گذشته کامل و آینده در گذشته. بعد از I wish هیچ گاه از این زمان ها استفاده نمی شود: حال ساده، حال کامل و آینده ساده. اگر زمان جمله حال باشد بعد از I wish از گذشته ساده و اگر گذشته باشد گذشته کامل و اگر آینده باشد آینده در گذشته.
- 15 - وجود کلمه just نشانه ای برای حال کامل می باشد.
- 16 - بعد از stop و enjoy فعل ing می آید.
- 17 - بعد از would rather قسمت اول فعل می آید.
- 18 - بعد از had better قسمت اول فعل می آید.
- 19 - بعد از این فعل ها کلمه SO به کار می بریم: think, reckon, guess, suppose, imagine, hope
- 20 - فاعل + whom + اسم انسان

فعل + who + اسم انسان

Which + اسم اشياء

21- تفاوت Whole , Entire , All :

هر سه به معنی همه می باشند. با این تفاوت که حرف تعریف The قبل از کلمات Whole , Entire , می آید، اما برای All ، حرف تعریف The بعد از آن می آید.

22- کلماتی که به fe یا f ختم می شوند، در هنگام جمع بسته شدن، fe یا f به ves تبدیل می شود.

Life → lives

Thief → thieves

23- در نقل قول خبری می توان جمله را به دو صورت زیر نوشت. (در صورت اسم بودن فاعل)

Ali said: " I will work"

I will work. said Ali.

24- فعل بعدی افعال زیر یا باید به صورت ing form یا به صورت مصدر (با to) باشند.

Cease- Prefer- Continue- Hate- Love- Like- Began- Start.

25- News اسمی است که ظاهر جمع دارد، اما با فعل مفرد بکار می رود.

اما اگر منظور فقط یک خبر باشد، باید از عبارات a piece of یا an item قبل از آن استفاده کرد.

26- تفاوت fewer , less , less : برای اسامی غیر قابل شمارش بکار می رود. در حالیکه fewer برای اسامی قابل شمارش بکار برده می شود.

27- حرف تعریف The باید قبل از اسامی ملیت ها نیز بکار برده شود.

The Iranian- The Chinese.

28- برای بیان دلیل انجام کار باید از in order to , so as to , to ، به اضافه مصدر (با to) استفاده کرد.

Scientists have taught chimpanzees to speak to people in sign language.

29- بعد از افعال Spend , Find ، مفعول و بعد از مفعول، فعل به صورت Ing خواهد بود.

Spend / Find

+ مفعول + Ing form

I spend more time in Iran trying to find another car.

30 - بعد از فاعل از به کار گیری فاعل دیگر و یا ing و مصدر بلافاصله بعد از آن باید خودداری شود.

31- already از نشانه های گذشته کامل می باشد.

32- حرف ربط both.... and با هم می آیند.

اسم + and + اسم + both

صفت + and + صفت + both

فعل + and + فعل + both

قید + and + قید + both

- 33- زمانی که در اول جمله اسم **ing** باشد بعد از **ing** نیاز به فاعل انسانی می باشد.
- 34- زمانی که بعد از اعداد خط تیره باشد همه اسامی بعد از آن شکل مفرد می آید.
- 35- وقتی دو جمله هر زمان با حرف ربط **and** همراه شوند هر دو دارای ساختار دستوری مشابه هستند و دو فعل باید یکسان باشد.
- 36- بعد از فعل **consist** از حرف اضافه **of** استفاده می شود.
- 37- **like** در ابتدای جمله می آید ولی **a like** در انتهای جمله قرار می گیرد.
- 38- **depend** با حرف اضافه **on** یا **upon** به کار می رود.
- 39- در سوالات چهارگزینه ای که یکی از آن ها غلط می باشد باید به این موارد توجه کرد:
الف) صفت قبل از اسم می آید.
ب) اگر اسمی قبلا از اسم دیگر آمد حکم صفت دارد و اسم اول نباید **S** بگیرد.
ج) توجه شود فعل مفرد با فاعل مفرد باشد.
- 40- در انگلیسی، دو جمله منفی با یک جمله مثبت برابر است. زمانی که در یک جمله از **not** استفاده شود تغییرات زیر حاصل می گردد.

None → any Nothing → anything
No one → any one Nobody → anybody
Neither ... nor → Either ... or
Nowhere → Anywhere
She is not afraid of anybody.

41- بعد از افعال **can , must , may , shall , will , could , should , would , might , have**
to , has to , had to و فعل بعدی به صورت مصدر بدون **to** خواهد بود.
در صورتی که فاعل سوم شخص باشد، نباید فعل را به **s form** تبدیل کرد.

Mary can speak English very well.

42- تاکید **every** در جملات انگلیسی به **any** تبدیل می شود. یعنی برای تأکید می توان **every** به **any** تبدیل کرد.

Scientists agree that any culture must.

Include the use of symbols.

43- در صورتی کلمات **hundred , thousand , million , billion** به صورت جمع نوشته خواهند شد که بعد از آنها **of** بیاید.

Millions of years ago.

44- هر گاه انجام دادن کاری مشروط بر انجام دادن کاری دیگر باشد، از جملات شرطی استفاده می شود.

این گونه جملات دارای دو قسمت می باشند.

الف - قسمت شرط (If clause)

ب - نتیجه شرط (Main clause)

(مثال در نکته بعد)

45- جمله شرطی نوع اول:

آینده ساده + حال ساده + If

حال ساده : مصدر بدون to + فاعل

آینده ساده : مصدر بدون to + will + فاعل

If you study more , you will get a good mark.

اگر بیشتر مطالعه کنی، نمره خوبی خواهی گرفت.

If you study more : If clause

You will get a good mark : Main clause

46- جمله شرطی نوع دوم :

آینده در گذشته ساده + گذشته ساده + If

گذشته ساده : (Simple past tense) گذشته فعل + فاعل

آینده در گذشته ساده:

مصدر بدون to + would + فاعل

If you studied more , you would get good mark.

اگر بیشتر مطالعه می کردی، نمره خوبی می گرفتی.

If you study more : If clause

You will get a good mark : Main clause

47- باید توجه داشت فعل to be در جملات شرطی نوع دوم، برای کلیه ضمایر بصورت were می باشد.

If I were here , he would help us.

48- جملات شرطی نوع سوم :

آینده در گذشته کامل + ماضی بعید + If

ماضی بعید : (اسم مفعول) + had + فاعل

آینده در گذشته کامل:

(اسم مفعول) + would + have + P.P + فاعل

If you had come , you would have seen them.

اگر آمده بودی، آنها را می دیدی.

If you had come : If clause

You would have seen them : Main clause

49- کلیه صفات یک سیلابی (یک بخشی) بوسیله er به صفت تفضیلی تبدیل خواهند شد.

Taller . Faster.

50- بعد از those اسم جمع و بعد از that اسم مفرد می آید .

51- در شرطی نوع دوم از were برای تمام اشخاص استفاده می شود حتی (I, he, she, it) و was جایگاهی ندارند.

52- پس از اسم مکان از where و in which استفاده می شود.

53- (فعل + who + اسم انسان)

(فعل + فاعل + whom + اسم انسان)

(which + اسم اشیاء)

(اسم + whose + اسم انسان)

54- در جمله مثبت : as...as در جمله منفی : so...as

55- اسم مکان + in (جمله معلوم) فعل need + ing + اسم اشیاء

مصدر با need + to + اسم انسان

56- (جمله مجهول) need + to be + 3 + اسم اشیاء

57- and پیوند دهنده دو ساختار یکسان است. قبل و بعد از and باید از ساختار یکسان استفاده شود.

58- but حرف ربط تضادی می باشد که قبل و بعد از آن باید دارای ساختار یکسانی باشد ولی یک جمله

باید منفی و طرف دیگر مثبت باشد.

59- every از نشانه های حال ساده می باشد.

60- در صورتی که صفات دو سیلابی (دوبخشی) به حروف زیر ختم شوند، به وسیله er به صفت تفضیلی

تبدیل خواهند شد.

Le - er - ow - y.

Simpler

در غیر این صورت این صفات بوسیله more به صفت تفضیلی تبدیل خواهند شد.

More useful

61- کلیه صفات سه سیلابی (سه بخشی) بوسیله more به صفت تفضیلی تبدیل خواهند شد.

More important

62- تفاوت between , among :

Between برای بین دو چیز بکار می رود. در حالیکه among برای بیش از دو چیز بکار برده می شود.

between two chairs.

I am among my friend.

63- اگر بعد از حرف C ، حروف I - y - e بیایند، تلفظ /s/C خواهد بود.

Ceramist - Police - Society

64- تفاوت because , because of :

هر دو به معنی زیرا هستند، با این تفاوت که بعد از because جمله بکار می رود. در حالیکه بعد از because

of اسم یا عبارت اسمی بکار برده می شود.

I came here because I wanted to see you .
I came here because of the interesting book.

65- تفاوت when , while :

هر دو به معنی وقتی که می باشند، با این تفاوت که بعد از when باید از جمله ساده استفاده کرد. در حالیکه بعد از while باید جمله استمراری را بکار برد.

I was working when you came here.
You came here while I was working.

66- فعل را به دو صورت می توان به صفت تبدیل کرد.

(interesting) Ing Form (الف)

(interested) (ed) اسم مفعول (ب)

باید توجه داشت که Ing Form برای غیر شخص و اسم مفعول برای شخص بکار می رود.

I was bored last night.
The film was interesting.

67- بعد از حروف اضافه، فعل به صورت Ing Form خواهد بود.

I use internet for sending message.
Raze pssed the test by studying.

68- قیدهای متوالی عبارت اند از:

First → Then → Next → After that
Finally
First, put charcoal.
Then, cut up some meat.
Next, put the meat on the skewer.
After that, put kebabs on the barbecue.
Finally, take the kebabs off.

69- تفاوت as well , too , either , also :

همگی به معنی همچنین می باشند.

با این تفاوت که also قبل فعل اصلی بکار می رود.

as well , too آخر جمله مثبت و either آخر جمله منفی بکار برده می شود.

They also learn their country's customs.
Mary is clever. Ali is too.
Mary is not clever. Ali is not either.

70 – yesterday, last و ago از نشانه های زمان گذشته می باشد.

71 – at present, now از نشانه های حال استمراری می باشد.

72 – گذشته استمراری دارای سه علامت مهم می باشد. As, while, when

در گذشته استمراری معمولاً دو فعل وجود دارد که یکی گذشته ساده و دیگری گذشته استمراری می باشد.

73- گذشته کامل دو علامت دارد: after, before در گذشته کامل معمولاً دو فعل وجود دارد که یکی گذشته ساده و دیگری گذشته کامل می باشد.

74- آینده ساده دارای دو علامت می باشد: tomorrow, next

75- پس از کلمات had better, would rather, make, let فعل مطلقاً ساده می آید.

76- اگر کلمه make (made) مجهول باشد فعل پس از آن به صورت مصدر با to نوشته می شود. برای فهمیدن این که make معلوم است یا مجهول راهی ساده وجود دارد. اگر دو فعل make و فعل دیگری پشت سر هم باشند معلوم است و اگر پس از کلمه make مفعول وجود داشته باشد این فعل معلوم است و باید فعل بعد بدون to بیاید.

77- پس از کلمه help فعل می تواند هم به صورت ساده و هم به صورت مصدر با to بیاید و در امتحان یکی از این دو از ما می خواهند.

78- I wish

الف) اگر جمله بعد از I wish حال ساده باشد یا به تعبیری پس از I wish فاعل بیاید فعل جمله بعد از wish گذشته ساده می شود.

ب) اگر بعد از I wish فعل گذشته باشد (یعنی یا قید یا فعل گذشته باشد) پس از I wish فعل جمله باید به صورت گذشته کامل بیاید.

ج) اگر بعد از I wish فعل آینده ساده باشد (یعنی یا قید یا فعل آینده باشد) پس از I wish فعل جمله باید به صورت آینده در گذشته ساده بیاید.

د) بهتر است به جای was از were استفاده شود.

79- در صفت تفضیلی برای یک سیلاب از er و اگر صفت بیش از یک سیلاب داشته باشد از more استفاده میشود. علامت تشخیص صفت تفضیلی کلمه than می باشد یعنی در یک سیلاب و در دو سیلاب باید than باشد. در صفت تفضیلی به جای کلمه very (که قبل از صفت ساده یا مطلق به کار می رود) از much استفاده می شود.

80- (زمان گذشته فعل) Wish + past tense

برای آرزوهای زمان حال بعد از wish، باید از زمان گذشته فعل استفاده کرد. (برای بیان افسوس و حسرت)

I wish he had some free time.

81- زمانی که جمله ای دارای کلماتی یا عباراتی باشد که بر زمان گذشته دلالت کند، (مثل last night, last week, yesterday ...) باید فعل را به صورت گذشته ساده نوشت. (نه گذشته کامل)

I saw a good film yesterday.

82- برای عقب بودن یا جلو بودن ساعت، باید از کلمات fast, slow استفاده کرد.

My watch is two minutes slow.

ساعت من دو دقیقه عقب است.

My watch is five minutes fast.

ساعت من پنج دقیقه جلو است.

83- بعد از فعل help، فعل بعدی می تواند بصورت مصدر (با to) و یا مصدر بدون to مورد استفاده قرار گیرد.

I help him to learn / learn Persian.

84- بعد از عبارات as if، as though جمله را باید بصورت زمان گذشته نوشت.

85- جملات real:

جملاتی که ساختار مثبت و معنی مثبت و یا ساختار منفی و معنی منفی داشته باشند، جملات real نامیده می شوند.

They must have come from Iran.

در جمله فوق must بیانگر جمله real می باشد.

86- جملات unreal:

جملاتی که ساختار مثبت و معنی منفی و یا ساختار منفی و معنی مثبت داشته باشند، جملات unreal نامیده می شوند.

I ought to have gone there.

من باید به آنجا می رفتم.

در جمله فوق ought to بیانگر جمله unreal می باشد.

87- معمولاً در آخر جملات unreal قید but و جمله کوتاه استفاده می شود.

We could have gone to Tehran but we didn't.

ما باید به تهران می رفتیم، اما نرفتیم.

در جمله فوق could بیانگر جمله unreal می باشد.

88- no one در جملات انگلیسی معادل It، she، he می باشد و فعل را باید به صورت s form نوشت.

No one knows when they will go off.

(Go off = explode)

89- قبل از اسامی قابل شمارش مفرد، باید از حروف the، a، an استفاده کرد.

I have no money to buy a house.

I have no money to buy house. بجای

90- در صفت عالی برای یک سیلاب از est و برای دو سیلاب قبل از آن کلمه most می آوریم. در هر

دو مورد باید قبل از صفت حرف تعریف the وجود داشته باشد.

توجه: صفت برتر دارای چهار علامت مهم می باشد: the، in، of all، ever

توجه: از علائم صفت برتر فقط کلمه the قبل از نقطه چین قرار می گیرد ولی دیگر علائم بعد از نقطه چین

می آیند.

- 91- هر گاه صفتی ساده را بین دو کلمه as... as قرار دهیم آن را صفات تساوی می گویند اگر فعل منفی باشد می توان as اول را به so تبدیل کرد.
- 92- اگر در جمله ای مشتقات to be وجود داشته باشد باید از صفات استفاده کرد ولی اگر در جمله ای فعل اصلی وجود داشته باشد باید از قید استفاده شود.
- 93- اسم + and + اسم
- 94- جمله مثبت + but + جمله منفی جمله منفی + but + جمله مثبت
- 95- فعل + فاعل + اولین فعل کمکی + کلمات منفی
- 96- جمله منفی + because + جمله مثبت
- 97- هر گاه کلمات منفی مانند notonly, only, no sooner, hardly, never برای تأکید در ابتدای جمله به کار می روند فعل جمله باید به حالت سوالی به کار رود.
- 98- وجه وصفی حال علامت آن ing می باشد که می تواند هم صفت باشد و هم بخشی از فعل زمانی که با افعال to be بیاید بخشی از فعل است و زمانی که تنها بیاید و فعل اصلی بعد از آن بیاید صفت است.
- 99- وجه وصفی کامل علامت آن ed می باشد و همانند حالت بالا هم می تواند صفت باشد و هم بخشی از فعل.
- 100- ربط دهنده های هماهنگ : and, but, or, so, yet
- این ربط دهنده ها در وسط جمله می آیند و 2 عبارات را به هم متصل می کنند که هر یک باید یک فعل و یک فاعل داشته باشند.
- نکته : بایستی توجه داشت که زمانی که ربط دهنده سببی یا زمانی اول جمله می آید کاملاً در وسط جمله ضروری است و هر 2 عبارت باید فاعل و فعل داشته باشد.
- 101- ربط دهنده های سببی و زمانی :
- سببی : in as much as, since, because, now that, as
- زمانی : once, as, until, whenever, while, when, before, after, since, by
- 102- ربط دهنده های قیدی : the time, as long as
- مکان : where ever where
- حالت : in that as
- تضاد : where as, while, though, even though, although
- قید شرط : whether, unless, providing, provided, in case, if
- نکته مهم : در همه ربط دهنده های هماهنگ سببی و زمانی و قیدی، هر دو طرف باید یک فعل و یک فاعل داشته باشد.

103- هر گاه فعل کمکی have به هر شکل آن (have, has, had, having) در جمله دیده شد بایستی بعد از آن وجه وصفی کامل استفاده نمود یعنی شکل سوم ed .

104- هر گاه فعل be به هر شکل آن (Am, is, are, was, were, be, been, being) در جمله دیده شد بایستی بعد از آن وجه وصفی حال (ing) یا وجه وصفی کامل (ed) آورد.

105- هر گاه فعل will یا به هر شکل آن (might, must, would, can, could, may) در جمله دیده شود بایستی بعد از آن از فرم اصلی فعل استفاده نمود.

106- صفت همیشه باید قبل از اسم بیاید.

107- قید نباید بین فعل و مفعول بیاید.

108- به یاد داشته باشیم که نباید ضمیر با اسم بیاید .

109- فرمول بدل : فعل + بدل + فاعل ***** فعل + فاعل + بدل

110- برای جمع بستن کلمات زیر نباید از (s)، (es)، (ies) استفاده کرد. چرا که این کلمات برای جمع بسته شدن قاعده ای ندارند. (Irregular plurals)

Max → Men , Woman → Women

Ox → Oxen , Foot → Feet

Child → Children , Mouse → Mice

Goose → Geese , Tooth → Teeth

111- برای مقایسه یک شخص با چند شخص دیگر، یا یک چیز با چند چیز دیگر، باید از else بعد از کلمات anybody , anything , Everybody استفاده کرد.

It is simpler than anything else.

112- حرف تعریف The همراه با اسامی، آسمان، خورشید، زمین، ماه بکار می رود.

The moon- the sun- the earth – the sky.

I saw a bird in the sky.

113- جایگاه قیده‌های زمان، قبل از فعل اصلی است.

(Ever-never-always-often-seldom-soon-sometime)

I always go to school by taxi.

114- زمانی که enough بعنوان صفت بکار برده شود، قبل از اسم قرار می گیرد.

We have enough food for two people.

ما به اندازه کافی غذا برای دو نفر داریم.

در غیر این صورت (صفت نبودن) بعد از صفت بکار برده می شود.

The room is large enough for me.

اتاق به اندازه کافی برای من بزرگ است.

نکاتی در رابطه با Writing :

115- هر گاه بخواهیم به کلمه یک بخشی، که دارای یک مصوت (حرف صدادار) که پس از آن یک صامت (حرف بی صدا) باشد، پسوندی اضافه کنیم، حرف صامت تکرار می شود.

Sad + -est = saddest

Sit + -ing = sitting

116- برای افزودن یک پسوند به کلمه ای که بیش از یک بخش باشد، صامت پایانی بخش آخر باید تکرار شود.

Prefer + -ed = preferred

Begin + -ing = beginning

117- هر گاه بخواهیم پسوندی را که با مصوت شروع می شود به کلمه ای که به e ختم می شود، اضافه کنیم، e را از آخر حذف می کنیم.

Take + -ing = taking

Write + -ing = writing

اما هر گاه قبل از e حروف c , g وجود داشته باشند، برای حفظ صدا نباید e را حذف کرد.

Notice + -able = noticeable

118- کلماتی که به y ختم می شوند و قبل y یک حرف بی صدا وجود داشته باشد، قبل از افزودن پسوند، باید y را به i تبدیل کرد.

Mystery + -ous = mysterious

119- برای جمع بستن اسامی و افزودن s سوم شخص مفرد به فعل زمان حال، را به i تبدیل شده و es نیز به آخر کلمه اضافه می شود.

Cry + -s = cries

Sky + -s = skies

120- در مورد کلماتی که به y ختم می شوند و قبل y یک حرف صدادار وجود دارد، y بعد از افزودن پسوند تغییر نمی کند.

Boy + -ish = boyish

Enjoy + -ing = enjoying

موارد استثنا :

Day + -ly = daily

Pay + -ed = paid

Say + -ed = said

Lay + -ed = laid

121- ربط دهنده های هماهنگ : or, and باید هر دو طرف جمله مثبت یا منفی باشد. اما but و yet اگر یک از طرف مثبت باشد و طرف دیگر منفی می باشد و برعکس و so برای نتیجه گیری می باشد.

- حتماً باید دو جمله باشد که هر دو جمله دارای یک فعل و فاعل باشد و ربط دهنده وسط آن باشد.
 - در جمله واره ها کاما وجود ندارد اما در ربط دهنده های هماهنگ کاما وجود دارد.
- 122- همیشه بعد از make ، a یا an وجود دارد مگر یک مورد استثناء : make use of
- 123- بعد از do ، a ، و an نمی آید مگر در سه حالت :
- do a kindness, do a service, do a assignment
- 124- حواسمان باشد که نباید قبل از اسامی غیر قابل شمارش از a یا an استفاده نمود و هم چنین اسامی غیر قابل شمارش نباید S جمع بگیرد مثل دانش، اطلاعات .
- 125- برخی از اسم ها بی قاعده هستند و در شکل جمع S نمی گیرند باید حفظ شوند.
- 126- کمیت نماهایی که تنها با اسامی جمع قابل شمارش به کار می روند.
- Both, many, a few, several, fewer
- 127- کمیت نماهایی که تنها با اسامی مفرد قابل شمارش به کار می روند.
- Another, each, every
- 128- کمیت نماهایی که با اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش به کار می روند.
- All, a lot of, plenty of, enough, some, any, lots of, most, more
- 129- اگر دو تا اسم کنار هم باشد اسم اول حکم صفت دارد و نباید S بگیرد.
- 130- هرگاه of قبل از اسم باشد S نمی گیرد.
- 131- برای کاهش دادن جمله واره های قیدی باید ابتدا فاعل را حذف کنیم و اگر جمله دارای افعال to be باشد آن را حذف کرده و فعل را به زمان حال ساده در آورد. (ed, s) آن را گرفته و ing به آن اضافه می کنیم. زمانی می توانیم این کار را انجام دهیم که فاعل هر دو جمله یکی باشد.
- 132- جمله واره صفتی بعد از اسم می آید ممکن است آن اسم نقش فاعلی یا مفعول و یا مفعول حرف اضافه باشد.
- whom - which - that گروه اول احتیاج به فاعل دارند :
- who - which - that گروه دوم تنها فعل می خواهد و فاعل نیاز ندارند :
- 133- برای کاهش دادن جمله واره های صفتی اگر دارای ارتباط دهنده whom باشند قابل کاهش نیست پس فقط ارتباط دهنده های who - which - that می توان کاهش داد.
- 134- برای کاهش دادن جمله واره های صفتی باید ارتباط دهند را حذف کنیم و سپس افعال to be و s و ed را حذف کنیم و به آخر فعل ing اضافه کنیم.
- 135- نکاتی در رابطه با وارونه سازی :
- وارونه سازی برای کلمات پرسشی (همان ربط دهنده ها) صورت نمی گیرد (how, why, where,) (when, what)

برای وارونه سازی جای فعل و فاعل عوض می شود یعنی اول فعل می آید. اگر فعل کمکی در جمله باشد ابتدا فعل کمکی سپس فاعل و سپس فعل .

وارونه سازی با عبارات مکان : in, here, there, avoune
وارونه سازی برای منفی سازها :

not, no, nor, never, neither, only, seldom, hardly, barely, scarcely
منفی سازی برای عبارات شرطی : در جملات شرطی که فعل کمکی آن ها were, should, had می باشد و ارتباط دهنده آنان is هست برای وارونه سازی باید if حذف شود.

• در تست هایی که مربوط به وارونه سازی هست گزینه ای که در ان should, were, had وجود دارد گزینه درست می باشد و نه آن که if دارد.

136- بعد از حروف اضافه with از ضمیر مفعولی استفاده می شود.

137- استفاده از حروف the : اگر فقط یک چیز در دنیا باشد- قبل از ابزار موسیقی، حیوان و یا گیاه - قبل از دهه ها و قرن ها- قبل از عبارات زمان و مکان - قبل از جهت ههای اصلی - قبل از اسامی کشورها- شهرهایی که دارای of هستند و اگر of نباشد the نمی آید.

مناطق جغرافیایی the می گیرد اما قاره ها نه- قبل از اسامی جنگ ها the می آید به جز جنگ جهانی.
138-

صفت تفضیلی { اسم + er + then + صفت 1 بخشی + be
اسم + then + صفت 2 و 3 بخشی + be

صفت عالی { قید مکان + in + اسم + est + صفت 1 بخشی + be + the
قید مکان + in + اسم + صفت 2 و 3 بخشی + most + be + the

139- صفات دو بخشی که به er, le, ly, y و ow ختم می شوند 1 بخشی محسوب می شوند. (est, er) اضافه می شود).

140- برای نشان دادن کاهش درجه صفت تفضیلی (er یا more) می توان قبل از صفت تفضیلی از less قبل از صفات یک یا چند بخشی استفاده کرد.

141- برای نشان دادن کاهش درجه صفت عالی (er یا more) می توان قبل از صفت عالی از the less قبل از صفات یک یا چند بخشی استفاده کرد.

142- قبل از صفت تفضیلی کلمه very نمی آید. به جای آن از much استفاده می شود.

- 143- معادل کلمه بیش تر در انگلیسی فقط more هست (هم برای اسامی غیر قابل شمارش و هم برای اسامی جمع) اما معادل کلمه کم تر دو لغت است :
الف) برای اسامی غیر قابل شمارش less
ب) برای اسامی قابل شمارش جمع fewer است.
144- ارتباد دهنده های مقایسه ای :

1. Or enthier : برای نشان دادن یک جایگزینی مثبت به کار می رود.
2. NOr neithe : برای نشان دادن یک جایگزینی منفی به کار می رود.
3. and both : برای نشان دادن یک جمع پذیری یا جمع شدن اطلاعات.
4. But also not only : جنبه تأکیدی دارد.
5. Or whether : معرف شرط است.

نکته : اگر در تست تمام گزینه های بالا (5 مورد) بود گزینه آخر 5 را انتخاب می کنیم.

- 145- ساختار گرامری موازی : اسامی، صفت ها، قیدها، عبارت ها، فعل، مصدر با to, ing
به این معنا که اگر در جمله ای موارد بالا بود قسمت بعدی جمله نیز باید مشابه ساختار اول باشد.
- 146- در شرطی نوع اول نتیجه شرط می تواند جمله امری باشد. می توان به جای will از must, may, can استفاده کرد. در جملات شرطی به جای was بهتر است از were استفاده کنیم.
- 147- بعد از have to از مصدر بدون to استفاده می گردد. برای سوالی یا منفی کردن آن از did, does, do استفاده می شود.
- 148- used to چون مربوط به گذشته است برای سوالی یا منفی کردن آن از did استفاده می شود .
- 149- اگر بعد از فاعل دو فعل پشت سر هم باشند فعل اول تابع قید زمان جمله و زمان می پذیرد و فعل دوم بدون زمان بوده و به شکل سه حالت می باشد با to بدون to و ing . 90 درصد از فعل با to می آیند.
- 150- پس از افعال کمکی ناقص فعل بدون to می آید :
- (will, would)(can, could)(shall, should)(may, might)must

بعد از کلمات زیر نیز فعل بدون to می آید :

Would, rather, had better, have to, used to, let, make, see, watch, notice, feel, have, listen to

درک مطلب

راهکار های درک مطلب

معمولاً سوالاتی که در بخش reading طرح می شوند به چند دسته تقسیم می شوند :

- 1- سوالاتی که در رابطه با ایده و مفهوم اصلی متن سوال می کنند.
- 2- سوالاتی که پاسخ آن ها به طور مستقیم در متن بیان شده است.
- 3- سوالاتی که پاسخ آن ها به صورت غیرمستقیم در متن بیان شده است و برای پاسخگویی به آن ها باید از اطلاعات داخل متن نتیجه گیری کنیم.
- 4- سوالاتی که در رابطه با لغات داخل متن سوال میکنند.
- 5- سوالات کلی در رابطه متن

بنابراین برای پاسخ دادن صحیح به سوالات بخش درک مطلب به موارد زیر توجه گردد:

- 1- قبل از هر چیز سعی کنید خود سوال و گزینه های آن را بدقت بخوانید نه اینکه ابتدا متن و بعد سوالات خوانده شود.
 - 2- بدلیل کم بود وقت نمیتوان دقیقاً متن را خواند و از طرفی بدون مطالعه کامل متن ها نیز می توان کاملاً به سوالات پاسخ داد.
 - 3- سعی کنید به دنبال کلمات کلیدی در سوالات و گزینه ها باشید و نگران نباشید زیرا به اندازه کافی اطلاعات در متن وجود دارد.
 - 4- سوالاتی که دارای گزینه های طولانی میباشند و یا سوالاتی که دارای جواب غیرمستقیم میباشند بنظر بنده اگر جواب را پیدا نمیکنید با حدس گزینه را بزنید زیرا وقت شما گرفته خواهد شد .
 - 5- هیچ سوالی نمره منفی ای ندارد بنابراین در پایان هر سوالی را که پاسخ آن را نمی دانستید به صورت حدسی جواب دهید.
 - 6- متن را به صورت گذرا و سطحی بخوانید تا مفهوم اصلی و نکات مهم آن را متوجه شوید. برای پاسخ دادن درست به سوالات نیازی به فهمیدن همگی جزئیات نیست و نباید به دنبال فهمیدن جزئیات باشیم.
 - 7- نگاهی بر سوالات داشته باشید تا بفهمید که چه مهارت کلامی مورد پرسش قرار خواهد گرفت. سوالات مربوط به مهارت های کلامی مختلف به شیوه های مختلف پاسخ داده می شوند.
 - 8- قسمتی از متن را که به هر سوال مربوط است پیدا کنید.
- مهارت کلامی یا زبانی به شما می گوید که برای پاسخ به هر سوال باید در کجای متن به دنبال جواب آن باشید. بدین صورت که :
- برای پاسخگویی به سوالاتی که در رابطه با معنی و مفهوم اصلی متن پرسش می کنند باید به سطرهای اولیه هر پاراگراف توجه کرد.

- برای پاسخگویی به سوالاتی که پاسخ آن‌ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم در متن آورده شده است باید یک لغت اصلی را در سوال انتخاب کنید و با نگاهی گذرا در متن به دنبال آن لغت یا مشابه آن باشید.
 - برای پاسخگویی به برای پاسخ به سوالاتی که در رابطه با یک ضمیر خاص از شما سوال می‌نماید خود سوال به شما می‌گوید که کجای متن آن ضمیر قرار دارد.
 - برای پاسخگویی به سوالات انتقالی به ابتدا یا انتهای متن توجه کنید.
 - برای پاسخگویی به سوالات که در رابطه با معنای لغات سوال می‌نمایند خود متن به شما خواهد گفت که لغت مورد نظر کجای متن است.
 - برای پاسخگویی به سوالاتی که در رابطه با لحن، آهنگ و موضوع متن پرسش می‌کنند به خط اول پاراگراف توجه نمایید.
 - 9- آن قسمت از متن را که حاوی جواب است به دقت بخوانید. جواب احتمالا در مکانی که به شکل فوق قابل پیش بینی است در متن یافت خواهد شد.
 - 10- بهترین پاسخ را از میان 4 گزینه در برگه پاسخ‌های خود انتخاب کنید.
- شما می‌توانید بهترین پاسخ را بر اساس چیزی که در قسمت مناسب متن داده شده انتخاب نمایید و پاسخ‌های غلط را حذف نمایید.

*** سوالاتی پیرامون ایده‌های متن (سوالاتی در ارتباط با معنی و مفهوم اصلی متن):

یک موضوع اصلی که در سوالات این بخش پرسش می‌شود مفهوم اصلی و کلی متن است. معمولترین سوالات در ارتباط با معنی و مفهوم اصلی، عنوان متن یا هدف از ارائه متن را مورد پرسش قرار می‌دهند. به علاوه ممکن است برخی سوالات راجع به چگونگی شکل‌گیری اطلاعات متن یا درباره نوع اطلاعاتی که در یک پاراگراف یا متن خاص وجود دارد سوال نمایند. در این زمینه توجه به مهارت‌های زیر ضروری است:

این قبیل سوالات معمولا درباره این موضوع سوال می‌نمایند که نویسنده از طریق متن چه مساله و موضوع اصلی‌ای را می‌خواهد بفهماند به عبارت دیگر سوالاتی از قبیل:

1- موضوع و عنوان متن چیست؟

2- ایده اصلی متن چیست؟

3- نقطه نظر اصلی نویسنده در این متن چیست؟

4- بهترین عنوان برای این متن چیست؟

و همگی با توجه دقیق به این مهارت قابل پاسخگویی خواهند بود.

در مسیر پاسخگویی به سوالات فوق باید دانست، از آنجا که کلیه متنهای تافل بر اساس یک شیوه سنتی نوشته می‌شوند همواره با مطالعه جملات ابتدایی (شروع) هر متن می‌توان به مفهوم اصلی آن متن پی برد. بنابراین، در چنین سوالاتی ممکن است خواسته شود تا ایده اصلی، ایده اولیه، موضوع، عنوان یا سوژه متن را پیدا کنید.

نکته اولیه و اصلی که مولف و نویسنده سعی در انتقال و فهماندن آن دارد در جمله موضوع یک پاراگراف پیدا می شود که معمولاً در ابتدا و آغاز یک پاراگراف قرار دارد. بنابراین، برای پیدا کردن نظر اصلی یک پاراگراف، جمله اول لازم است بررسی شود. اگر متن شامل بیش از یک پاراگراف باشد، جملات موضوعی هر پاراگراف بایستی یک به یک بررسی شود.

مثال 1:

Fort Knox, Kentucky, is the site of a U.S. army post, but it is even more renowned for the Fort Knox Bullion Depository, the massive vault that contains the bulk of the U.S. government's gold deposits. Completed in 1936, the vault is housed in a two-story building constructed of granite, steel, and concrete; the vault itself is made of steel and concrete and has a door that weighs more than twenty tons. Naturally, the most up-to-date security devices available are in place at Fort Knox, and the army post nearby provides further protection.

فورت ناکس، کنتاکی، مقر نظامی ارتش ایالات متحده است، اما به هر حال بیشتر به خاطر انبار شمش فورت ناکس معروف می باشد، زیر زمین و طاق وسیعی که قسمت عمده ای از ذخایر طلای دولت آمریکا را در بر دارد. این مکان در سال 1936 تکمیل شد. این خانه گنبدی در ساختمان دو طبقه ساخته شده از گرانیت، فولاد و بتن آرمه قرار دارد خود طاق از فولاد و بتن ساخته شده است و دری دارد که وزن آن بیش از بیست تن است. به طور طبیعی، مدرن ترین وسایل و دستگاه های امنیتی در محل فورت ناکس کنتاکی در دسترس هستند و پایگاه ارتش در آن نزدیکی حفاظت بیشتری را فراهم می سازد.

منبع: تافل readers digest in a flash، ص 65، متن 38

1- which of the following best describes the topic of the passage?

- A. the city of Fort Knox, Kentucky B. the federal gold depository
C. the U.S. army post at Fort Knox D. Gold bullion

1- گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر به درستی موضوع متن را توصیف می کند؟

- الف) شهر فورت ناکس، کنتاکی ب) انبار و مخزن طلای فدرال
ج) پایگاه ارتش ایالات متحده در فورت ناکس د) شمش طلا

2- which of the following would be the best title for this passage?

- A. The massive Concrete Vault
- B. Fort Knox security
- C. where the U.S. keeps its Gold
- D. A visit to Kentucky

2- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: کدامیک از جملات زیر بهترین عنوان برای متن است؟

- الف) طاق بتنی عظیم
- ب) امنیت فورت ناکس
- ج) جایی که امریکا طلایش را نگهداری می کند
- د) دیدار از کنتاکی

مثال 2:

One identifying characteristic of minerals is their relative hardness, which can be determined by scratching one mineral with another. In this type of test, a harder mineral can scratch a softer one, but a softer mineral is unable to scratch the harder one. The Mohs' hardness scale is used to rank minerals according to hardness. Ten minerals are listed in this scale, ranging from talc with a hardness of 1 to diamond with a hardness of 10. On this scale, quartz (number 7) is harder than feldspar (number 6) and is therefore able to scratch it; however, feldspar is unable to make a mark on quartz.

یک مشخصه بارز مواد معدنی، سختی نسبی آنهاست که می توان آن را با خراش دادن یک ماده معدنی بر روی ماده معدنی دیگر تعیین کرد. در این نوع آزمایش یک ماده معدنی سخت تر می تواند یک ماده نرمتر را خراش دهد اما یک ماده معدنی نرمتر قادر نیست یک ماده سخت تر را خراش دهد. مقیاس سختی موهس (Mohs) برای درجه بندی مواد معدنی بر طبق سختی به کار می رود که ماده معدنی در این مقیاس فهرست شده اند که از طلق با درجه سختی یک گرفته تا الماس با درجه سختی ده درجه بندی شده اند. در این مقیاس، کوارتز با شماره هفت سخت تر از فلدسپات (نوعی کانی) با شماره شش است و در نتیجه می تواند آن را خراش دهد اما فلدسپات نمی تواند در کوارتز خراشی ایجاد کند.

منبع: تافل readers digest in a flash، ص 70، متن 48.

3 - Which of the following best states the subject of this passage?

- A. The hardness of diamonds
- B. Identifying minerals by means of a scratch test
- C. Feldspar on the Mohs' scale
- D. Recognizing minerals in their natural state

3 - گزینه «ب» صحیح است.

- الف) سختی الماس ها. (ب) شناسایی مواد معدنی به وسیله آزمایش خراش.
ج) فلدسپات در مقیاس موهس (Mohs). (د) تشخیص مواد معدنی در حالت طبیعی شان.

4- The main idea of this passage is that

- A. The hardness of a mineral can be determined by its ability to make a mark on other minerals
B. Diamonds, with a hardness of 10 on the Mohs' scale, can scratch all other minerals
C. a softer mineral cannot be scratched by a harder mineral
D. talc is the first mineral listed on the Mohs' scale

4 - گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه: ایده اصلی این متن این است که:

- الف) سختی یک ماده معدنی می تواند به واسطه توانایی آن برای خراش روی مواد معدنی دیگر تعیین گردد.
ب) الماس ها، با درجه سختی ده در مقیاس موهس می توانند همه مواد معدنی دیگر را خراش دهند.
ج) یک ماده معدنی نرمتر نمی تواند با یک ماده سخت تر خراش داده شود.
د) تالک اولین ماده معدنی است که در مقیاس موهس فهرست شده است.

*** تشخیص سازمان دهی عقاید و نظریات (تشخیص نحوه و چگونگی ترکیب و شکل گیری مفاهیم)

برخی سوالات از داوطلبان آزمون درباره رابطه نظریات در پاراگراف ها سوال می کند. پاسخ به این سوالات در جملات موضوعی پاراگراف ها قرار دارد. در واقع گاهی اوقات از ما پرسش می شود که چگونه مفهوم یک پاراگراف به مفهوم پاراگراف دیگری ربط داده شده است. به عبارت دیگر سوالاتی از قبیل:

1- اطلاعات چگونه در متن سازمان دهی می شود؟

2- چگونه اطلاعات پاراگراف دوم به اطلاعات پاراگراف اول مربوط شده اند؟

و ... همگی با توجه دقیق به این مهارت قابل پاسخگویی خواهند بود.

در مسیر پاسخگویی به این دسته از سوالات نیز باید دانست که باز هم با مطالعه جملات ابتدایی (شروع) هر متن می توان به نحوه ارتباط پاراگراف های متوالی پی برد. در اغلب متن ها گاه موضوعی بیان شده و بعد رو شده است، گاه موضوعی بیان شده و در ادامه با ذکر دلایلی به اثبات آن پرداخته شده است

مثال 3:

IQ, or intelligence quotient, is defined as the ratio of a patron's mental age to chronological age, with the ratio multiplied by 100 to remove the decimal. Chronological age is easily determined; mental age is generally measured by some kind of standard test and is not so simple to define.

In theory, a standardize IQ test is set up measure an individual's ability to perform intellectual operations such as reasoning and problem solving. These intellectual operations are considered to represent intelligence.

In practice, it has been impossible to arrive at consensus as to which type of intellectual operations demonstrate intelligence. Furthermore, it has been impossible to devise a test without cultural bias, which is to say that any IQ tests so far proposed have been shown to reflect the culture of the test makers. Test takers from that culture would, it follows, score higher on such a test than test takers from a different culture with equal intelligence.

از نظر تئوری آزمون استاندارد بهره هوشی (IQ) برای سنجش توانایی فرد در انجام فعالیت های ذهنی مانند استدلال و حل مسئله مطرح می شود. این عملیات ذهنی بیانگر هوش فرد می باشند. در عمل دست یابی به یک اتفاق نظر در مورد اینکه کدام نوع از عملیات های ذهنی هوش را نشان می دهند، غیر ممکن است افزون بر این ، طراحی آزمون بدون تعصبات فرهنگی غیر ممکن است باید گفته شود که هر آزمون بهره هوشی که تا کنون پیشنهاد شده است بازتابی از فرهنگ طراحان آزمون را نشان داده است. در نتیجه، آزمون دهندگانی از آن فرهنگ مورد نظر نسبت به آزمون دهندگانی از یک فرهنگ متفاوت با ضریب و بهره هوشی یکسان امتیاز بیشتری به دست خواهند آورد.

منبع : تافل readers digest in a flash ، ص 135 ، متن 147.

5- what type of information is included in the first paragraph?

- A. An argument B. A definition C. An opinion D. A theory

5- گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه: چه نوع اطلاعاتی در پاراگراف اول گنجانده شده است ؟

الف) یک استدلال ب) یک تعریف ج) یک نظر د) یک نظریه

6- How does the information in the third paragraph differ from that in the second paragraph?

- A. It presents a contrasting point of view.
B. It follow chronologically from the ideas in the second paragraph.
C. It presents real in formation rather than a premise.
D. It presents an example of the idea in the second paragraph.

6- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: اطلاعات پاراگراف سوم با اطلاعات پاراگراف دوم چه تفاوتی دارد؟

الف: یک دیدگاه و نقطه نظر متضاد را نشان می دهد.

ب) از نظر تاریخی و زمانی از نظریات پاراگراف دوم پیروی می کند.

ج) به جای یک فرضیه، اطلاعات واقعی را نشان می دهد.

د) مثالی از نظریات در پاراگراف دوم را نشان می دهد.

مثال 4:

The largest lake in the western United States great salt lake, an inland saltwater lake in northwestern Utah, just outside the state capital of salt lake city. Rivers and streams feed into the great salt lake, but none drain out of it; this has a major influence on both the salt content and the size of the lake.

Although the great salt lake is fed by freshwater streams, it is actually saltier than the oceans of the world. The salt comes from the more than two million tons of minerals that flow into the lake each year from the rivers and creeks that feed it. Sodium and chloride-the components of salt-comprise the large majority of the lake's mineral content.

The great salt lake can vary tremendously from its normal size of 1,700 square miles, depending on long-term weather conditions. During periods of heavy rains, the size of lake can swell tremendously from the huge amounts of water flowing into the lake from its feeder rivers and streams; in 1980 the lake even reached a size of 2,400 square miles. During periods of dry weather, the size of the lake decreases, sometimes drastically, due to evaporation.

بزرگترین دریاچه در غرب ایالات متحده دریاچه بزرگ نمک است که یک دریاچه آب شور درون کشوری در شمال غربی اوتا، درست خارج از مرکز ایالتی شهر سالت لیک می باشد. رودخانه ها و رودها به درون یک دریاچه بزرگ نمک می ریزند اما هیچ زهکشی فاضلاب به بیرون انجام نمی شود این امر تاثیر مهمی هم روی حجم و مقدار نمک و هم بر اندازه دریاچه دارد.

اگر چه دریاچه بزرگ نمک از طریق رودها و نهرهای آب شیرین تغذیه می شود، در واقع از اقیانوس های دنیا شورتر است. شوری آب از بیش از دو میلیون تن مواد معدنی که هر سال از رودخانه ها و نهرهایی که به درون دریاچه سرازیر می شوند ناشی می شود سدیم و کلرید - اجزای تشکیل دهنده نمک - بخش عمده ای از محتوای آب معدنی دریاچه را تشکیل می دهند.

دریاچه بزرگ نمک می تواند به طور قابل توجهی از اندازه معمولی اش یعنی 1700 مایل مربع بسته به شرایط دراز مدت آب و هوایی تغییر کند. در طول دوره های بارندگی های شدید، اندازه و حجم دریاچه به طور قابل

ملاحظه ای می تواند از طریق جاری شدن مقادیر زیادی آب به داخل دریاچه از طریق رودخانه ها و رودهای تغذیه کننده اش بزرگ شود در سال 1980 این دریاچه حتی به اندازه 2400 مایل مربع رسید. در طول دوره های آب و هوایی خشک ، اندازه دریاچه گاهی اوقات به طرز چشمگیری به دلیل تبخیر کاهش می یابد.

منبع : تافل Reader's Digest In A Flash، ص 152، متن 169 .

7- How is the information in the passage organized?

- A. Two unusual characteristics of the Great Salt Lake are discussed.
- B. Contrasting theories about the Great Salt Lake's Salt levels are presented.
- C. The process by which the Great Salt Lake Gets its Salt is outlined.
- D. The reasons for the variations in the Great Salt Lake's size are given.

7- گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه : اطلاعات در متن چگونه سازمان یافته است؟

- الف) دو ویژگی غیر معمول از دریاچه بزرگ نمک بحث شده است.
- ب) نظریات متضاد در مورد سطوح نمک دریاچه ارائه شده است.
- ج) فرایندی که به واسطه آن دریاچه بزرگ نمک ، نمک خود را از آن گرفته است فهرست می شود.
- د) دلایل تغییرات در اندازه دریاچه بزرگ نمک ارائه شده است.

8- The third paragraph contains information on

- A. How the size of the lake affects weather conditions
- B. The effects of contrasting weather conditions on the size of the lake
- C. The effects of changes in the size of the lake
- D. The causes of the varied weather conditions in the area of the lake.

8- گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه : پاراگراف سوم اطلاعاتی در مورد را در بر دارد.

- الف) چگونه اندازه دریاچه شرایط آب و هوایی را تحت تاثیر قرار می دهد.
- ب) تاثیرات شرایط آب و هوایی متغیر روی اندازه دریاچه
- ج) تاثیرات تغییرات در اندازه دریاچه
- د) دلایل شرایط آب و هوایی متنوع در منطقه ای از دریاچه

***** پاسخ دادن درست به سوالاتی که در ارتباط با جزئیات بیان شده در متن پرسش می کنند.**

چنین سوالاتی در رابطه با بخشی از اطلاعات داخل متن سوال می نماید و پاسخ به آن ها دقیقا در متن آمده است. به نحوی که پاسخ درست بیان مجدد از چیزی است که در داخل متن بدان معناست که پاسخ درست اغلب مفهوم یکسانی را مشابه آنچه در متن بیان شده بیان می کند اما به شکل و ظاهری دیگر. به عبارتی دیگر سوالاتی از قبیل :

- بر اساس آنچه در متن گفته شد؟

- این متن دلالت بر آن دارد که؟

- کدامیک از جملات زیر در رابطه با متن صحیح است ؟

- طبق متن

- در متن بیان شده است

- متن بیان می کند که

- نویسنده بیان می دارد که

- کدامیک از جملات زیر صحیح است ؟.....؟

همگی با توجه دقیق به این مهارت قابل پاسخگویی خواهند بود.

در مسیر پاسخگویی به سوالات فوق باید دانست که این قبیل سوالات همواره با انتخاب یک لغت کلیدی در متن سوال و سپس یافتن لغت مورد نظر در متن پاسخگویی خواهند بود.

مثال 5:

Ice ages, those periods when ice covered extensive areas of the Earth, are known to have occurred at least six times. Past ice ages can be recognized from rock strata that show evidence of foreign materials deposited by moving walls of ice or melting glaciers. Ice ages can also be recognized from land formations that have been produced from moving walls of ice, such as U-shaped valleys, sculptured landscapes, and polished rock faces.

عصر یخبندان، دوره هایی است که یخ مناطق وسیعی از زمین را پوشانیده بود که تا کنون حداقل شش بار اتفاق افتاده است. عصر یخبندان در گذشته را می توان از لایه های صخره ای شناسایی کرد که شواهد، از رسوب مواد خارجی با دیواره های متحرک یخ یا توده های یخ در حال ذوب شدن را نشان می دهد. عصر یخبندان همچنین می تواند از پیدایش زمین هایی که از دیوارهای یخی متحرک مانند دره های یو (U) مانند، مناظر و دور نماهای کنده کاری و سطوح صاف صخره ای ایجاد شده اند تشخیص داده شود.

- 1-According to the passage, what happens during an ice age?
- A. Rock strata are recognized by geologists.
 - B. Evidence of foreign materials is found.
 - C. Ice covers a portion of the Earth's surface.
 - D. Ice melts six times.

1 - گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه : طبق متن ، در طی عصر یخبندان چه اتفاقی می افتد؟

الف) لایه های صخره ای توسط زمین شناسان تشخیص داده می شوند.

ب) شواهدی از مواد خارجی یافت می شود.

ج) یخ بخش وسیعی از سطح زمین را می پوشاند.

د) یخ شش بار ذوب می شود.

2 - The passage covers how many different methods of recognizing past ice ages?

- A. One
- B. Two
- C. Three
- D. Four

2 - گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه : متن چند روش متفاوت شناسایی عصر یخبندان در گذشته را در بر می گیرد؟

الف) یک (ب) دو (ج) سه (د) چهار

مثال 6:

The human heart is divided into four chambers, each of which serves its own function in the cycle of pumping blood. The atria are the thin-walled upper chambers that gather blood as it flows from the veins between heartbeats. The ventricles are the thick-waled lower chambers that receive blood from the atria and push it into the arteries with each contraction of the heart. The left atrium and ventricle work separately from those on the right. The role of the chambers on the right side of the heart is to receive the oxygen-depleted blood from the body tissues and send it on to the lungs; the chambers on the left side of the heart then receive the oxygen-enriched blood from the lungs and send it back out to the body tissues.

قلب انسان به چهار حفره تقسیم می شود هر کدام از آن وظیفه خود را در چرخه گردش و پمپاژ خون ایفا می کند. دهلیزها حفره های فوقانی با جداره نازک هستند که خون جاری در رگ ها را بین ضربان قلب جمع می کند. بطن ها حفره های پایینی با جداره ضخیم هستند که خون را از سیاهرگ دریافت می کنند و آن را با فشار به درون سرخرگ ها با انقباض قلب می فرستند دهلیز و بطن چپ جدا از دهلیز و بطن راست کار می کند. نقش حفره ها در سمت راست قلب دریافت خون دارای اکسیژن کمتر از بافت های بدن و انتقال آن به شش ها می باشد؛ حفره های سمت چپ آنگاه خون غنی شده از ششها را دریافت و آن را به بافت های بدن باز می گردانند.

منبع : تافل Reader's Digest In A Flash، ص 227، متن 13 .

3- the passage indicates that the ventricles

- A. Have relative thin walls
- B. Send blood to the atria
- C. Are above the atria
- D. Force blood into the arteries

3 - گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه : متن نشان می دهد که بطن ها

- الف) دیواره های نسبتاً نازک دارند. ب) خون را به دهلیز می فرستند.
ج) بالای دهلیز هستند. د) خون را با فشار به درون سرخرگ ها می فرستند.

4 - According to the passage, when is blood pushed into the arteries from the ventricles?

- A. As the heart beats
- B. Between heartbeats
- C. Before each contraction of the heart
- D. Before it is received by the atria

4 - گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه : طبق متن ، چه زمانی خون از بطن ها به درون سرخرگ ها با فشار رانده می شود؟

- الف) وقتی قلب می زند ب) بین ضربان قلب
ج) قبل از هر انقباض قلب د) قبل از اینکه توسط دهلیز دریافت شود

5 – According to the passage, which part of the heart gets blood from the body tissues and passage it on to the lungs?

- A. The atria
- B. The ventricles
- C. The right atrium and ventricle
- D. The left atrium and ventricle

5 - گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: طبق متن، کدام بخش و قسمت از قلب خون را از بافت های بدن می گیرد و آن را به شش ها انتقال می دهد؟

الف) دهلیز (ب) بطن ها (ج) دهلیز و بطن راست (د) دهلیز و بطن چپ

*** یافتن جزئیات بیان نشده در متن.

در واقع در این قبیل سوالات باید به دنبال موردی باشیم که در متن ذکر نشده و متن به آن اشاره نداشته است. این نوع سوالات بدین معنا هستند که 3 گزینه از 4 گزینه در متن بیان شده و یا درست هستند ولی یک مورد اینگونه نیست.

این نوع سوالات به 2 بخش تقسیم می شوند:

1- سه جواب درست وجود دارد و یک جواب که بر اساس متن غلط است.

2- سه جواب وجود دارد و یک جواب که در متن به آن اشاره نشده است.

به عبارت دیگر سوالاتی از قبیل:

- در داخل متن به کدامیک از موارد زیر اشاره نشده است؟

- کدامیک از موارد زیر در داخل متن مورد اشاره قرار نگرفته اند؟

- تمام موارد زیر درست است به غیر از ...؟ کدام یک از موارد زیر بیان نشده است ...؟

- کدام یک از موارد ذکر نشده است ... ؟

- کدام یک از موارد زیر بحث نشده است ...؟

- همه موارد زیر صحیح است به جز ...؟

همگی با توجه دقیق به این مهارت قابل پاسخگویی خواهند بود.

در مسیر پاسخگویی به این دسته از سوالات باید دانست که این قبیل سوالات همواره با انتخاب یک لغت کلیدی

در متن سوال و سپس یافتن لغت مورد نظر در متن پاسخگویی خواهند بود

مثال 7:

Elizabeth Cochrane Seaman was an American journalist at the turn of the century who wrote for the newspaper New York World under the pen name Nellie Bly, a name which was taken from the Stephen Foster song Nelly Bly. She achieved fame for her exposes and in particular for the bold and adventuresome way that she obtained her stories.

She felt that the best way to get the real story was from the inside rather than as an outside observer who could be treated to a prettified version of reality. On one occasion she pretended to be a thief so that she would get arrested and see for herself how female prisoners were really treated. On another occasion she faked mental illness in order to be admitted to a mental hospital to get the real picture on the treatment of mental patients.

الیزابت کچران سیمین یک روزنامه نگار آمریکایی در اوایل این قرن بود که برای روزنامه دنیای نیویورک تحت نام مستعار نلی بلائی (nellie bly) نامی که از ترانه استفان گرافته شد، مقاله می نوشت. او به خاطر نمایش ها و به ویژه به خاطر جسارت ها و ماجراجویی هایش در نوشتن داستان معروف و مشهور شد.

او احساس می کرد که بهترین روش برای به دست آوردن داستان واقعی مشاهده از درون است نه به عنوان یک ناظر خارجی که می توانست به طور زیبایی از واقعیت منجر شود. یک بار وانمود کرد که دزد است تا اینکه دستگیر شد و خودش دید که چطور واقعا با زندانیان زن رفتار می شده است. بار دیگر او وانمود کرد که دچار بیماری روانی شده است تا اینکه در یک تیمارستان پذیرفته شود و تصویری واقعی از نحوه درمان بیماران روانی را به دست بیاورد.

منبع: تافل Reader's Digest In A Flash، ص 231، متن 19.

1 – which of the following is NOT true about Nellie Bly?

- A. Nellie Bly's real name was Elizabeth Cochrane Seaman.
- B. Nellie Bly was mentally ill.
- C. The name Nellie Bly came from a song.
- D. The name Nellie Bly was used on articles that Seaman wrote.

1 – گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر در مورد نلی بلائی (nellie bly) درست نیست؟

الف) نام واقعی نلی بلائی الیزابت کچران سیمین بود.

ب) نلی بلائی از نظر روانی بیمار بود.

ج) نام نلی بلائی از یک ترانه می آید.

د) از نام نلی بلائی در مقالاتی که سیمین نوشت، استفاده شد.

2- which of the following is NOT mentioned as something that Nellie Bly did to get a good story?

- A. She acted like theif.
- B. She got arrested by the police.
- C. She pretended to be ill.
- D. She worked as a doctor in a mental hospital.

2 - گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر به عنوان کاری که نلی بلائی انجام داد تا به یک داستان خوب برسد، ذکر نشده است؟

- الف) او مانند دزد عمل کرد.
- ب) او توسط پلیس دستگیر شد.
- ج) او وانمود کرد بیمار است.
- د) او به عنوان یک دکتر در یک تیمارستان کار کرد.

مثال 8:

Dekanawida's role as a superme lawgiver in the Iroquois tribe has given him the status of demigod within the Indian nation. Born into the Huron tribe, dekanawida caused great fear in his parents, who tried to drown him in his youth after a prophecy was made indicating that he would bring great sorrow to the Huron nation. Dekanawida was to survive this attempted drowning but later left his parents' home and tribe to live among the Iroquois.

One of his achievements with the Iroquois was the institution of a law among the Iroquois that virtually ended blood feuds among the nation's families. Wampum, strings of beads made of polished shells, was a valued commodity in the Iroquois culture; according to policies established by dekanawida, wampum had to be paid to the family of a murder victim by the family of the killer. Since the killer was also put to death, the family of the killer had to pay the victim's family in wampum for two deaths, the death of the murder victim and the death of the killer. These strict policies implemented by Dekanawida helped to establish him as a wise lawgiver and leader of the Iroquois nation.

نقش دکاناویدا (Dekanawida) به عنوان یک قانون گذار عالی و برجسته در قبیله ایروکوایس (iroquois) به او مقام نیمه خدایی در میان سرخپوستان داده است. او در قبیله هورون متولد شد، دکاناویدا موجب ترس زیادی در والدینش شد، که سعی کردند او را در جوانی بعد از اینکه یک پیشگویی نشان داد که غم و اندوه فراوان و زیادی برای قبیله و ملت هورون به بار خواهد آورد، غرق کنند. دکاناویدا از این غرق شدگی نافرجام جان سالم به در برد اما بعد از آن خانه والدین و قبیله اش را برای زندگی میان قبیله ایروکوایس ترک کرد. یکی از دستاوردهایش در قبیله ایروکوایس ایجاد قانون در میان ایروکوایسی ها بود که در حقیقت به جنگ و خونریزی در میان قبیله های خویشاوند خاتمه داد. و امپوم، رشته های مهره ساخته شده از صدف های صیقل داده

شده، یک کالای با ارزش در فرهنگ ایروکوایس بود؛ طبق سیاست های ایجاد شده توسط دکاناویدا ، وامپوم، می بایستی توسط خانواده قاتل به خانواده مقتول پرداخت می شد. از آنجایی که قاتل نیز به مرگ محکوم می شد، خانواده قاتل می بایستی به خانواده مقتول ، وامپوم به ازای دو قتل یعنی مرگ مقتول و مرگ قاتل پرداخت می کردند. این سیاست های سخت تکمیل شده توسط دکاناویدا به او کمک کرد تا به عنوان یک قانونگذار خردمند و رهبر ملت ایروکوایس شهرت یابد.

منبع : تافل Reader's Digest In A Flash، ص 249، متن 44 .

- 3- According to the passage, Dekanawida was NOT
A. a lawmaker B. a Huron by birth
C. a near deity D. drowned when he was young

3- گزینه «د» صحیح است.

ترجمه : طبق متن، دکاناویدانیود.

الف) قانونگذار (ب) مادرزادی هورونی (ج) نزدیک به خدا (د) وقتی جوان بود، غرق نشد

- 4- which of the following is NOT mentioned in the passage about wampum?
A. It was used extensively by the Huron.
B. It was used a high value to the Iroquis.
C. It was given to a murder victim's family
D. It was made of polished shells. Skill

4 - گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه : کدام یک از موارد زیر در متن در مورد وامپوم ذکر نشده است ؟

الف) به شدت توسط هورون استفاده می شد.

ب) ارزش زیادی در قبیله ایروکوایس داشت.

ج) به خانواده مقتول داده می شد.

د) از صدف های صیقل داده شده ساخته می شد.

***** یافتن مرجع ضمیرها**

در واقع در این سوالات اسمی را که مربوط به یک ضمیر مورد نظر است را بیابیم. در سوالاتی از این دست باید بدانیم که ابتدا یک اسم در متن می آید و سپس ضمیر مربوط به آن در جمله قرار می گیرد. زمانیکه به دنبال مرجع یک ضمیر می گردیم باید در مطلب و جملات قبل از آن ضمیر جستجو نماییم.

سوالاتی مشابه با :

1 - ضمیر ... در خط ... به کدامیک از موارد زیر بر می گردد؟

مثال 9:

The full moon that occurs nearest the equinox of the Sun has become known as the Harvest Moon. It is a bright moon which allows farmers to work late into the night for several nights: they can work when the moon is at its brightest to bring in the fall harvest. The Harvest Moon of course occurs at different times of the year in the Northern and Southern Hemispheres. In the Northern Hemispheres, the Harvest Moon occurs in September at the time of the autumnal equinox. In the Southern Hemisphere, the Harvest Moon occurs in March at the time of the vernal equinox.

ماه کامل که نزدیک به اعتدال خورشیدی اتفاق می افتد به ماه برداشت محصول معروف شده است. این ماه ، ماه ، روشنی است که به کشاورزان اجازه می دهد تا دیر وقت در شب به مدت چندین شب کار کنند آن ها می توانند زمانی که ماه در روشن ترین حالتش قرار دارد برای برداشت محصول پاییزی کار کنند. البته ماه برداشت محصول در زمان های مختلفی از سال در نیمکره های شمالی و جنوبی رخ می دهد. در نیمکره شمالی، ماه برداشت محصول در سپتامبر در زمان اعتدال پاییزی به وقوع می پیوندد. در نیمکره جنوبی ماه برداشت محصول در مارس در زمان اعتدال بهاری اتفاق می افتد.

منبع : تافل Reader's Digest In A Flash، ص 72، متن 51 .

1- The pronoun "It" in line 2 refers to

- A. The equinox B. The Sun C. The Harvest Moon D. The night

1 - گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه : ضمیر (آن = it) در خط دوم به اشاره می کند.

الف) اعتدال ب) خورشید ج) ماه برداشت محصول د) شب

2- The pronoun "they" in line 2 refers to

- A. farmers B. nights C. times of the year D. Northern and Southern Hemispheres

2 - گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه : ضمیر (آن ها = They) در خط دوم به اشاره می کند؟

الف) کشاورزان ب) شب ها ج) زمان های سال د) نیمکره های شمالی و جنوبی

Mardi Gras, which means "Fat tuesday", was introduced to America by French colonists in the early eighteenth century. From that time it has grown in popularity, particularly in New Orleans, and today it is actually a legal holiday in several southern states. The Mardi Gras celebration in New Orleans begins well before the actual Mardi Gras Day. Parades, parties, balls, and numerous festivities take place throughout the week before Mardi Gras Day tourists from various countries throughout the world flock to New Orleans for the celebration, where they take part in a week of nonstop activities before returning home for some much-needed rest.

ماردی گراس (Mardi Gras) که به معنی سه شنبه سوران (سه شنبه اعتراف «شب پیش از ایام روزه») در زبان فرانسه می باشد در اوایل قرن هجدهم توسط مهاجرین و مستعمره نشین های فرانسوی به آمریکا معرفی شد. از آن زمان در میان مردم، به ویژه در نیو اورلنز (New Orleans) رواج یافت و امروزه در حقیقت در چندین ایالت جنوبی یک تعطیلی رسمی است. جشن سه شنبه سوران در نیو اورلنز در حقیقت قبل از روز واقعی سه شنبه سوران شروع می شود. رژه های نمایشی، جشن ها، مجالس رقص و جشن های متعدد در طول هفته قبل از اینکه جهانگردان روز سه شنبه سوران از کشورهای مختلف و از سرتاسر دنیا به نیو اورلنز برای جشن و سرور بیابند، اتفاق می افتد جایی که پس از یک هفته فعالیت بدون وقفه قبل از بازگشت به وطن نیاز به استراحت دارند.

منبع: تافل Reader's Digest In A Flash، ص 81، متن 67.

3 - The pronoun "it" in line 2 refers to

- A. Mardi Gras B. French C. that time D. New Orleans

3 - گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه: ضمیر "آن = It" در خط دوم به اشاره می کند.

الف) سه شنبه سوران (ب) فرانسه (ج) آن زمان (د) نیو اورلنز

4 - The pronoun "they" in line 6 refers to

- A. numerous festivities B. tourists
C. various countries D. nonstop activities

4 - گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه: ضمیر "آنها = they" در خط ششم به اشاره می کند.

الف) فستیوال ها و جشن های متعدد (ب) جهانگردان و توریست ها
ج) کشورهای مختلف (د) فعالیت های بی وقفه

***** پاسخ صحیح به سوالات مربوط به جزئیات اشاره شده (جواب دادن صحیح به سوالات استنباطی جزئی)**

برخی سوالات در امتحان تافل هستند که جواب آن‌ها مستقیماً در متن ذکر نشده است و برای پاسخ به آن‌ها باید اطلاعات ارائه شده در متن نتیجه‌گیری کرد. در این زمینه توجه به مهارت‌های زیر ضروری است:

سوالاتی از این دست شامل لغاتی از قبیل: **probably – likely-inferred-implied** و ... هستند تا به شما یادآور شوند که معنای آن‌ها مستقیماً در متن ذکر نشده است و باید به نوعی از اطلاعات داخل متن نتیجه‌گیری و استنباط نمود. در واقع این اطلاعات داخل متن هستند که راهنمای ما در پاسخ به این قبیل سوالات می‌باشند. یابه عبارتی، از داوطلب گاهی اوقات خواسته می‌شود که با نتیجه‌گیری از جزئیات خاص متن به سوال پاسخ دهد. برای اینکه خواننده بداند پاسخ به این سوالات به طور مستقیم بیان نمی‌شوند، سوالاتی از این نوع شامل لغاتی نظیر ضمنی، استنباطی، احتمالاً می‌باشد.

مثال 11:

Eskimos need efficient and adequate means to travel across water in that the areas where they live are surrounded by oceans, bays, and inlets and dotted with lakes and seas. Two different types of boats have been developed by the Eskimos, each constructed to meet specific needs.

The kayak is something like a canoe that has been covered by a deck. A kayak is generally constructed with one opening in the deck for one rider; however, some kayaks are made for two because the deck of a kayak is covered over except for the hole (or holes) for its rider (or riders), a kayak can tip over in the water and roll back up without filling with water and sinking. One of the primary uses of the kayak is for hunting.

The umiak is not closed over, as is the kayak. Instead, it is an open boat that is built to hold ten to twelve passengers.

Eskimos have numerous uses for the umiak which reflect the size of the boat; e.g. the umiak is used to haul belongings from campsite to campsite, and it is used for hunting larger animals that are too big to be hunted in a kayak.

اسکیموها برای سفر بر روی آب در مکان‌هایی که زندگی می‌کنند و توسط اقیانوس‌ها، خلیج‌ها و خورها محصور شده و از دریاچه‌ها و دریاها پر شده است، نیاز به تجهیزات کافی و مناسب دارند. دو نوع مختلف از قایق توسط اسکیموها ساخته شده که هر کدام برای نیازهای خاص ایجاد شده‌اند.

کایاک شبیه به یک کانو (= قایق پارویی) است که یک عرشه دارد. کایاک عموماً با یک فضای خالی روی عرشه برای یک نفر ساخته شده است، با این وجود برخی کایاک‌ها برای دو نفر ساخته شدند، چون عرشه کایاک ممکن است بیش از یک یا چند حفره برای سوار شونده داشته باشد، کایاک می‌تواند در آب وارونه

شود و به جلو و عقب برود بدون اینکه از آب پر شده و غرق شود. یکی از استفاده های اولیه از کایاک در شکار است.

اومیاک مانند کایاک رویه پوشیده ندارد. در عوض یک قایق باز است که برای جابه جایی 10-12 مسافر ساخته شده است. اسکیموها استفاده های گوناگونی از اومیاک دارند که به اندازه قایق بستگی دارد به عنوان مثال از اومیاک برای حمل مسافر از یک اردوگاه تفریحی به اردوگاه تفریحی دیگر استفاده می شود و برای شکار حیوانات بزرگتری که برای شکار با کایاک بسیار بزرگ هستند، استفاده می شود.

منبع : تافل Reader's Digest In A Flash، ص 138، متن 151 .

It is implied in the passage that if a kayak has two hole, then

- A. It accommodates two riders
- B. it is less stable than a kayak with one hole
- C. it is as large as an umiak
- D. it cannot be used on the ocean

1- گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه : از متن استنباط می شود که اگر یک کایاک دارای دو سوراخ باشد، بنابراین ،

- الف) دو سوراخ را جا می دهد (ب) از یک کایاک با یک سوراخ محکمتر نیست.
- ج) به بزرگی اومیاک است. (د) در روی اقیانوس نمی تواند استفاده شود.

2- It can be inferred from the passage that an example of the animal mentioned in lines 11-12 might be

- A. a kangaroo
- B. a snake
- C. a whale
- D. a salmon

2- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه : از متن استنباط می شود که یک نمونه از حیوان ذکر شده در خطوط 11-12 ممکن است باشد.

- الف) کانگورو (ب) مار
- ج) یک وال، یک نهنگ (د) یک ماهی آزاد، یک قزل آلا

مثال 12:

Two types of trees from the same family of trees share honors in certain respects as the most impressive of trees. Both evergreen conifers, the California redwood (*Sequoia sempervirens*) and the giant sequoia (*Sequoiadendron giganteum*) are found growing natively only in the state of California. The California redwood is found along the northern coast of the state, while the giant sequoia is found inland and at higher elevations, along the western slopes of the Sierra Nevadas. The California redwood is the tallest living tree and is in fact the tallest living thing on the face of the earth; the height of the tallest redwood on record is 385 feet (120 meters). Though not quite as tall as the California redwood, with a height of 320 feet (100 meters), the giant sequoia is nonetheless the largest and most massive of living things; giant sequoias have been measured at more than 100 feet (30 meters) around the base, with weights of more than 6,000 tons.

دو نوع درخت هم خانواده از جهات معنی به عنوان با عظمت ترین درختان قابل احترامند. هر دو درخت مخروطی همیشه سبز، سرخ چوب کالیفرنیا (سکویا سمپروارینس) و سکویای تنومند (سکویاندرون گیگانتیوم) هستند که به طور طبیعی فقط در ایالت کالیفرنیا رشد و نمو می یابند. سرخ چوب کالیفرنیا در طول ساحل شمالی این ایالت پیدا می شود در حالی که سکویای تنومند در داخل کشور و در ارتفاعات بلند در امتداد شیب های غربی رشته کوه نوادا می روید.

سرخ چوب کالیفرنیا بلندترین درخت زنده و در حقیقت بلندترین موجود زنده بر روی کره زمین است ارتفاع بلندترین سرخ چوب ثبت شده 385 پا (120 متر) است. سکویاهای تنومند از بیخ و بن با ارتفاع بیش از 100 پا (30 متر) و با وزنی بیش از 6 هزار تن اندازه گیری شده اند.

منبع: تافل Reader's Digest In A Flash، ص 127، متن 136.

3 – It is implied in the passage that

- A. the leaves of only the California redwood turn brown in the autumn
- B. the leaves of only the giant sequoia turn brown in the winter
- C. the leaves of both types of trees in the passage turn brown in the winter
- D. the leaves of neither type of tree in the passage turn brown in the winter.

3 – گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: از متن این طور استنباط می شود که

الف) فقط برگ های سرخ چوب کالیفرنیا در فصل پاییز قهوه ای می شود.

ب) فقط برگ های سکویای غول پیکر در زمستان قهوه ای می شود.

- ج) برگ های هر دو نوع درخت موجود در متن در زمستان قهوه ای می شود.
د) برگ های هیچ نوع درخت موجود در متن در زمستان قهوه ای نمی شود.

- 4- It can be inferred from the passage that the Sierra Nevadas are
A. a type of giant redwood
B. a coastal community
C. a group of lakes
D. a mountain range

4 - گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: از متن می توان استنباط نمود که رشته کوه نوادا هستند.

- الف) یک نوع درخت سرخ چوب گول پیکر (ب) یک گروه ساحلی
ج) یک گروه از دریاچه ها (د) یک رشته کوه

- 5- which of the following is implied in the passage?
A. The giant sequoia is taller than the California redwood.
B. The California redwood is not as big around as the giant sequia.
C. The California redwood weighs more than the giant sequoia.
D. Other living things are larger than the giant sequoia.

5- گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر به طور ضمنی از متن فهمیده می شود؟

- الف) سکویای گول پیکر از سرخ چوب کالیفرنیا بلندتر است.
ب) سرخ چوب کالیفرنیا به بزرگی سکویای گول پیکر نیست.
ج) سرخ چوب کالیفرنیا بیش تر از سکویای گول پیکر وزن دارد.
د) موجودات زنده دیگری بزرگ تر از سکویای گول پیکر هستند.

*** پاسخ صحیح به سوالات انقالی

گاهی اوقات در سوالات تافل دیده می شود که در رابطه با موضوعی که قبل از متن حاضر آمده (موضوع پاراگراف قبل) و یا موضوعی که بعد از متن حاضر خواهد آمد (پاراگراف بعد) از ما سوال می شود. البته موضوع پاراگراف قبلی و بعدی مستقیماً ذکر نمی شود و باید از متن حاضر برای تعیین موضوع آن ها نتیجه گیری نماییم.

این قبیل سوالات انتقالی (transition) می باشند. یک پاراگراف ممکن است با ایده و مفهوم پاراگراف قبلی به عنوان روشی برای ربط دادن شروع گردد تا معنا و مفهوم دو پاراگراف را به هم مرتبط سازد و گاه ممکن است یک پاراگراف با ایده و مفهومی پایان یابد که در پاراگراف بعدی به شکل مبسوط تر ارائه خواهد گردید.

مثال 13:

Another program instrumental in the popularization of science was Cosmos. This series, broadcast on public television, dealt with topics and issues from varied fields of science. The principal writer and narrator of the program was Carl Sagan, a noted astronomer and Pulitzer Prize winning author.

برنامه کاربردی دیگر در همگانی کردن و تعمیم علم، کیهان شناسی بود. این سریال و مجموعه که از تلویزیون دولتی و عمومی پخش می شود با موضوعات رشته های متنوع علمی سرو کار داشت. نویسنده اصلی و گوینده برنامه یک ستاره شناس معروف و برنده جایزه پولیتزر، کارل ساگان بود.

منبع : تافل Reader's Digest In A Flash، ص 51، متن 8.

- 1- The paragraph preceding this passage most probably discusses
- A. A different scientific television series
 - B. Carl Sagan's scientific achievements
 - C. The Pulitzer Prize won by Carl Sagan
 - D. Public television

1- گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه : پاراگراف قبلی این متن احتمالاً بیش تر بحث می کند.

الف) یک مجموعه تلویزیونی متفاوت علمی ب) موفقیت ها و دستاوردهای علمی کارل ساگان
ج) جایزه پولیتزر که کارل ساگان برد. د) تلویزیون دولتی

- 2- The paragraph following this passage most likely contains information on what?
- A. The popularity of science
 - B. The program Cosmos
 - C. Topics and issues from various fields of science

2- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: پاراگراف بعدی و زیرین این متن احتمالاً شامل چه اطلاعاتی است؟
الف) معروفیت علمی ب) برنامه کیهان شناسی ج) موضوعات و مباحث رشته های متنوع علمی

مثال 14:

When a strong earthquake occurs on the ocean floor rather than on land, a tremendous force is exerted on the seawater and one or more large, destructive waves called tsunamis can be formed. Tsunamis are commonly called tidal waves in the United States, but this is really an inappropriate name in that the cause of the tsunami is and underground earthquake rather than the ocean's tides. Far from land, a tsunami can move through the wide open vastness of the ocean at a speed on 600 miles (900 kilometers) per hour and often can travel tremendous distances without losing height and strength. When a tsunami reaches shallow coastal water, it can reach a height of 100 feet (30 meters) or more and can cause tremendous flooding and damage to coastal areas.

وقتی یک زمین لرزه شدید در بستر اقیانوس و نه خشکی اتفاق می افتد، نیروی عظیمی را بر آب دریا وارد می سازد و یک یا چندین موج بزرگ ویرانگر به نام سونامی می تواند شکل بگیرد. سونامی عموماً در ایالات متحده امواج جزر و مدی نامیده می شوند. اما این در حقیقت یک نام نامناسب است چرا که علت سونامی یک زمین لرزه زیرزمینی است نه امواج جزر و مدی اقیانوسی.

دور از خشکی، یک سونامی می تواند تمام پهنای اقیانوس را با سرعت 600 مایل (900 کیلومتر) در ساعت بپیماید و اغلب می تواند مسافت ها و فواصل طولانی و زیادی را بدون از دست دادن ارتفاع و قدرت طی کند. وقتی یک سونامی به آب کم عمق ساحلی می رسد، می تواند به ارتفاع 100 پا (300 متر) یا بیشتر برسد و

موجب سیل و خسارت سهمگینی به مناطق ساحلی شود.

منبع: تافل Reader's Digest In A Flash، ص 101، متن 98.

- 3- The paragraph preceding the passage most probably discusses
- A. Tsunamis in various parts of the world
 - B. The negative effects of tsunamis
 - C. Land-based earthquakes
 - D. The effect of tides on tsunamis

3- گزینه « الف » صحیح است.

ترجمه : اولین پاراگراف متن احتمالا بیشتر از بحث می کند.

الف) سونامی ها در قسمت های مختلف دنیا

ب) تاثیرات منفی سونامی ها

ج) زمین لرزه های با سر منشاء زمینی

د) تاثیر جزر و مدها بر سونامی ها

4- Which of the following is most likely the topic of the paragraph following the passage?

- A. The causes of tsunamis
 - B. The destructive effects of tsunamis on the coast
 - C. The differences between tsunamis and tidal waves
 - D. The distances covered by tsunamis
- Vocabulary questions

4- گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه : کدام یک از موارد زیر احتمالا بیشتر موضوع پاراگراف بعدی متن است ؟

الف) علل سونامی ها.

ب) اثرات مخرب و ویرانگر سونامی ها بر ساحل

ج) تفاوت های بین سونامی ها و امواج جزر و مدی.

د) فواصلی که به وسیله سونامی ها در بر گرفته می شود.

*** سوالات مربوط به لغات

تعاریف را از نشانه های ساختاری پیدا کنید :

وقتی از شما خواسته می شود که معنی واژه ها را تعیین کنید، امکان دارد که (1) متن ، اطلاعاتی در مورد معنی

کلمات را فراهم سازد و (2) اینکه راهنماهای ساختاری وجود دارند که به خواننده می گویند تعریف کلمه در

متن گنجانده شده است. انواع نشانه ها عبارتند از :

نقطه گذاری : کاما، پرانتزها، خطوط تیره

بیان مجدد : یا ، که هست، به عبارت دیگر، یعنی

مثال ها، نظیر، به عنوان مثال، مثلا

اطلاعاتی که به شما کمک می کند تا معنی چیزی را تعیین کنید، معمولاً بعد از این نشانه ها یافت می شوند. به عبارتی دیگر، زمانی که از ما خواسته می شود تا معنی لغتی را در بخش (reading) مشخص کنیم ممکن است :

1- متن اطلاعاتی در رابطه با معنای آن لغت ارائه نماید.

2- نشانه ها و یا سرخ های ساختاری ای وجود داشته باشند که به ما می گویند تعریف یک لغت در متن وجود دارد. به عبارت دیگر سوالاتی از قبیل :

1- معنای لغت X در سطر Y چیست ؟

2- لغت X در سطر Y با کدامیک از گزینه های زیر قابل جایگزینی است ؟

3- لغت X در سطر Y با کدامیک از گزینه های زیر نزدیک ترین رابطه معنایی را دارد؟

مثال 15:

A supernova occurs when all of the hydrogen in the core of a huge star is transformed to iron and –explodes. All stars die after their nuclear fuel has been exhausted. Stars with little mass die gradually, but those with relatively large mass die in a sudden explosion, a supernova. The sudden flash of light can then be followed by several weeks of extremely bright light, perhaps as much light as twenty million stars.

Supernovae are not very common; they occur about once every hundred years in any galaxy, and in 1987 a supernovae that could be seen by the naked eye occurred in the Magellan Cloud, a galaxy close to the Milky Way. Scientists periodically detect supernovae in other galaxies; however, no supernovae have occurred in the Milky Way (the galaxy that includes the Earth) since 1604. One very impressive supernova occurred in the Milky Way on July 4, 1054. There was a great explosion following by three months of lighted skies, and historical chronicles of the time were full of accounts and unusual explanations for the misunderstood phenomenon- many people believed that it meant that the world was coming to an end.

یک سوپرنوا (ابرنور) زمانی اتفاق می افتد که تمام هیدروژن موجود در هسته و مرکز یک ستاره بزرگ به آهن تبدیل و منفجر شود. همه ستارگان بعد از اینکه سوخت هسته ای شان تمام شد رو به افول می روند. ستارگان با جرم کمتر تدریجاً می میرند، اما ستارگان با جرم نسبتاً زیاد در یک انفجار ناگهانی، ابرنور از بین می روند. تشعشع و درخشش ناگهانی نور آنگاه می تواند تا چندین هفته با نور بی نهایت روشن، شاید به اندازه نور بیست میلیون ستاره همراه باشد.

ابرنورها خیلی رایج نیستند؛ تقریباً هر صد سال در هر کهکشانی یک بار اتفاق می افتد و در سال 1987 یک ابرنور که با چشم غیر مسلح دیده می شد در ابرماژلان، کهکشانی نزدیک به راه شیری رخ داد. دانشمندان متناوباً ابرنورها را در کهکشان های دیگری کشف نمودند اما، هیچ ابرنوری در راه شیری (کهکشانی که شامل زمین

هم می شود) از سال 1604 تا کنون اتفاق نیفتاده است. یک ابرنور خیلی عظیمی در کهکشان راه شیری در 4 جولای 1054 رخ داد. انفجار مهیبی به وجود آمد که تا سه ماه آسمان همواره روشن بود و وقایع تاریخی دوره مذکور پر از گزارشات غیر معمول از این پدیده ناشناخته بود- بسیاری از مردم اعتقاد داشتند که این بدین معنی است که دنیا به پایان رسیده است.

منبع: تافل Reader's Digest In A Flash، ص 146، متن 161.

5- A "supernova" in line 1 is which of the following?

- A. The iron component of a star
- B. The core of a star
- C. The hydrogen in a star
- D. The explosion of a star

5- گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: ابرنور در خط 1 کدام یک از موارد زیر است؟

- الف) قسمت آهنی و گداخته یک ستاره.
- ب) هسته و مرکز یک ستاره.
- ج) هیدروژن در یک ستاره.
- د) انفجار یک ستاره.

6- According to the passage, which of the following best describes the "Magellan Cloud" in line 4?

- A. A galaxy inside the Milky Way
- B. A cloud composed of hydrogen
- C. A galaxy near the Earth's galaxy
- D. A cloud in the sky above the Earth

6- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: بر طبق متن، کدام یک از موارد زیر به بهترین وجه «ابر ماژلان» در خط 4 را توصیف می کند؟

- الف) کهکشانی در داخل راه شیری.
- ب) ابر متشکل از هیدروژن.
- ج) کهکشانی نزدیک کهکشان کره زمین.
- د) ابری در آسمان بالای زمین.

7- The "Milky Way" in line 6 is.....

- A. Part of the Earth
- B. A galaxy close to the Earth
- C. The galaxy that is home to the Earth
- D. A creamy – colored cloud in the sky

7- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: «راه شیری» در خط 6 است.

- الف) بخشی از زمین
ب) کهکشانی نزدیک به زمین
ج) کهکشانی که کانون و مرکز زمین
د) ابری کرم رنگ در آسمان

8- Which of the following is closest in meaning to "phenomenon" in line 9?

- A. Everyday occurrence
B. Misunderstood event
C. Common belief
D. Unusual occurrence

8- گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر از نظر معنا به واژه «پدیده» در خط 9 نزدیک تر است؟

- الف) اتفاق روزانه
ب) رویداد ناشناخته
ج) اعتقاد رایج
د) رویداد غیر عادی

***** معانی را از اجزا و بخش های کلمه تعیین کنید:**

زمانی که از ما خواسته می شود تا معنای لغتی را که تا حدودی طولانی است را بیابیم گاهی اوقات ممکن است که معنا از طریق اجزاء لغت مشخص گردد:

Part	Meaning	Example
Contra	Against	Contrast
Mal	Bad	Malcontent
Mis	Error	Mistake
Sub	Under	Subway
Dec	Ten	Decade
Multi	Many	Multiple
Sol	One	Solo
Tri	Three	Triple
Dic	Say	Dictate
Domin	Master	Dominant
Jud	Judge	Judgement
Mor	Death	Mortal
Spec	See	Spectator
Terr	Earth	Territory
Ver	Turn	Divert
viv	live	revive

مثال 16:

Juan Rodriguez Cabrillo was a Portuguese-born explorer who is credited with the exploration of the coast of what is today the state of California. Sketchy military records from the period show that early in his career he served with the Spanish army from 1520 to 1524 in Spain's quest for subjugation of the people in what are today Cuba, Mexico, and Guatemala. Little is known of his activities over the next decades, but apparently he succeeded in rising up through the ranks of the military, in 1541, he was ordered by Antonio de Mendoza, the Spanish ruler of Mexico, to explore the western coast of North America. Cabrillo set out in June of 1542 in command of two ships the San Salvador and the Victoria; he reached San Diego Bay on September 28, 1542, and claimed the terrain for Spain. The peninsula where he landed is today named Cabrillo Point in his honor; the area has been established as a national monument and park, and local residents each year hold a celebration and reenactment of Cabrillo's landing.

From San Diego, Cabrillo continued northward for further exploration of the spectacular California coastline. By November 1542, he had reached far north as San Francisco Bay, although he missed the entrance of the bay due to a huge storm. Soon after, with the approach of winter, he veered south and headed back to Mexico. He made it as far south as the Channel Islands off the coast of what is today Santa Barbara. Cabrillo, who died on San Miguel Island in the Channel Islands, never made it back to Mexico.

جوان رودریگز کابریلو یک کاشف متولد پرتغال بود که با کشف ساحلی که امروز ایالت کالیفرنیا نامیده می شود، معروف شد. اسناد نظامی ناقص از دوره مذکور نشان می دهد که در اوایل کارش، از سال 1520 تا 1524 در ارتش اسپانیا به منظور تلاش در جهت مطیع سازی مردم کشورهای کوبا، مکزیک و گواتمالا نامیده می شوند، خدمت کرده است. از فعالیت های او در دهه های بعد سوابق کمی بر جای مانده است اما ظاهراً وی در ارتقاء نظامی موفق شد در سال 1541، او به دستور آنتونیو د مندوزا، فرمانده اسپانیایی مکزیک، ساحل غربی آمریکای شمالی را کشف کرد. در ژوئن سال 1542 کابریلو با فرماندهی دو کشتی به نام های سان سالوادور و ویکتوریا عازم شد در 28 سپتامبر سال 1542 او به خلیج سان دیاگو رسید و آن را به عنوان قلمرو اسپانیا تصاحب کرد. شبه جزیره ای که او در آن فرود آمد امروزه به افتخار او به نام مکان کابریلو نامیده شده است؛ در این منطقه یک یادبود و پارک ملی نامیده شده است و ساکنان محلی هر ساله به مناسبت یادبود فرود کابریلو جشن برپا می کنند.

کابریلو از سان دیاگو جهت اکتشاف بیشتر خطوط ساحلی زیبا و دیدنی کالیفرنیا راه شمال را در پیش گرفت. تا نوامبر سال 1542 وی به دورترین نقطه شمالی خلیج سان فرانسیسکو رسیده بود، اگر چه او راه ورودی خلیج را به دلیل طوفان عظیم و بزرگی گم کرد. با فرارسیدن فصل زمستان به زودی به سمت جنوب تغییر جهت داد و به

مکزیک برگشت. وی تا دورترین نقطه جنوبی جزایر کانال دور از ساحل که امروزه جزیره سانتا باربارا نامیده می شود، پیش رفت. کابریلو که در جزیره سان میگل در جزایر کانال در گذشت هرگز به مکزیک برگردانده نشد.

منبع: نافل Reader's Digest In A Flash، ص 303، متن 107 .

1-The word "subjugation" in line 3 is closest in meaning to

- A. Religion
- B. Flag
- C. Control
- D. Agreement

1- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: واژه «اطاعت» از نظر معنایی به نزدیک تر است.

الف) مذهب (ب) پرچم (ج) کنترل (د) موافقت

1- In line 5 the word "decades" is closest in meaning to

- A. Months
- B. centuries
- C. lang epoch
- D. ten- year priods

2- گزینه (د) صحیح است.

ترجمه: واژه «دهه ها» در خط 5 از نظر معنایی به ... نزدیک تر است.

الف) ماه ها (ب) قرون (ج) دوره زمانی طولانی (د) دوره زمانی ده ساله

2- In line 8, the word "terraion" is closest in meaning to

- A. Land
- B. population
- C. minerals
- D. prosperity

3- گزینه (الف) صحیح است.

ترجمه: واژه «قلمرو، زمین» در خط 8 از نظر معنایی به نزدیک تر است.

الف) زمین (ب) جمعیت (ج) مواد معدنی (د) خوشبختی

3- The word "spectacular" in line 12 is closest in meaning to which of the following ?

- A. Ruggedly handsome
- B. visually exciting
- C. completely uneven
- D. Unendingly

4- گزینه (ب) صحیح است.

ترجمه: واژه «تماشایی» در خط 12 از نظر معنایی به کدام یک از موارد زیر نزدیک تر است ؟

الف) دلپذیر (ب) جالب توجه (ج) کاملاً ناهموار (د) بی نهایت ملال آور

4- The word "veered" in line boring 15 is closest in meaning to
A. Arrived B. ran C. turned D. cooled

5- گزینه (ج) صحیح است.

ترجمه: واژه «تغییر مسیرداد» در خط 15 از نظر معنایی به نزدیک تر است.

الف) رسید ب) دوید ج) برگشت د) خنک شد

مثال 17:

Checks and balances are an important concept in the formation of the U.S. system of government as presented in the Constitution of the United States. Under this conception of government, each branch of government has built-in checks and limitations placed on it by one or more different branches of government in order to ensure that any one branch is not able to usurp total dominance over the government. Under the Constitution, the United States has a tripartite government, with power divided equally among the branches: the presidency, the legislature, and the judiciary. Each branch is given some authority over the other two branches to balance the power among the three branches. An example of these checks and balances is seen in the steps needed to pass law. Congress can pass a law with a simple majority, but the president can veto such a law. Congress can then counteract the veto with a two – thirds majority. However, even if Congress passed a law with a simple majority or overrides a presidential veto, the Supreme Court can still declare the law unconstitutional if it finds that the law is contradictory to the guidelines presented in the Constitution.

تنظیم اختیارات دولت ها یک بداشت مهم در تشکیل نظام دولتی ایالات متحده آنگونه که در قانون اساسی ایالات متحده آمده است، می باشند. طبق این برداشت هر قوه دولتی محدودیت های اعمال شده روی آن را به واسطه یک یا چند قوای دولتی متفاوت به وجود آورده است تا این امر را تضمین کند که هیچ قوه ای قادر نیست تسلط کامل بر دولت داشته باشد. طبق قانون اساسی ایالات متحده دارای یک دولت سه بخشی با قدرتی که برابر بین قوا تقسیم شده است، می باشد ریاست جمهوری (قوه مجریه) قوه مقننه و قوه قضاییه. به هر قوه ای برخی اختیارات و قدرت نسبت به دو قوه دیگر داده می شود تا قدرت بین سه قوه تعدیل گردد. نمونه ای از این کنترل ها و توازن ها در اقدامات لازم جهت تصویب قانون دیده می شود مجلس می تواند قانونی را با یک اکثریت مطلق تصویب کند، اما رئیس جمهور می تواند چنین قانونی را وتو کند. مجلس آنگاه می تواند وتو را با دو سوم اکثریت باطل کند. با این حال، حتی اگر مجلس قانونی را با حداقل اکثریت تصویب یا وتو ریاست جمهوری را باطل و نقض کند، دیوان عالی هنوز هم می تواند در صورتی که تشخیص دهد این قانون مغایر با

اصول کلی قانون اساسی است آن را مغایر با قانون اساسی اعلام کند.

منبع : تافل Reader's Digest In A Flash، ص 256، متن 53 .

5- The expression "dominance over" in line 4 is closest in meaning to....
A. Understanding of B. dispute over C. authority over D. rejection of

6- گزینه (ج) صحیح است.

ترجمه : عبارت « تسلط و حاکم بر » در خط 4 از نظر معنایی به نزدیک تر است.

الف) درک و فهم از (ب) بحث و مشاجره کردن بر روی

ج) قدرت و اختیار داشتن بر (د) رد و نقض

6- The word "tripartite" in line 5 suggests that something is...
A. Divided into three B. totally democratic C. powerfully constructed
D. evenly matched

7- گزینه (الف) صحیح است.

ترجمه : واژه « سه جانبه ، سه قوه » در خط 5 این طور فرض می شود که چیزی است.

الف) به سه قسمت تقسیم شده (ب) کاملاً دموکراتیک و آزادیخواه

ج) به طور قدرتمند ساخته شده (د) کاملاً هماهنگ

7- The "judiciary" in line 6 is.....
A. The electorate B. the authority C. the legal system D. the government

8- گزینه (ج) صحیح است.

ترجمه : واژه « قوه قضاییه » در خط 6 است.

الف) خبرگان (ب) اختیار (ج) نظام حقوقی (د) دولت

8- The word "counteract" in line 8 is closest in meaning to....
A. Vote for B. debate C. surpass D. work against

9- گزینه (ج) صحیح است.

ترجمه : واژه « کم اثر کردن » در خط 8 از نظر معنایی به نزدیک تر است.

الف) رای دادن برای (ب) مشاجره کردن (ج) تخطی کردن از (د) کار کردن علیه

10 - " Contradictory to" in line 10 is closest in meaning to which of the following expressions?

In agreement with B. Opposite to C. Supported by D. Similar to .A

10 - گزینه (ب) صحیح است.

الف) یک نوع زهر و سم
ج) انسان قربانی عنکبوت
ب) عنکبوت نر مرده
د) ماده ای که جفتش مرده است

2- Which of the following is closest in meaning to the word "globular" in line 4 ?

A. Earthen B. Luminescent C. Green in color D. Round

2- گزینه (د) صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر از نظر معنایی به واژه «کروی» در خط 4 نزدیک تر است؟
الف) خاکی ب) درخشان ج) سبزرنگ د) گرد

3- The word "ample" in line 5 indicates that the spider is ...

A. Feminine B. large in size C. dotted with colors D. normal

3- گزینه (ب) صحیح است.

ترجمه: واژه «وسیع، پهناور» در خط نشان می دهد که عنکبوت است.

الف) ماده ب) از نظر اندازه بزرگ ج) دارای خال های رنگی د) معمولی

4 – which of the following has the same meaning as the word "mortal" in line 8?

A. Deadly B. Painful C. Poisonous D. Sickening

4 – گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر همان معنی را دارد که واژه کشنده در خط 8 دارد؟

الف) مهلک ب) دردناک ج) سمی د) تهوع آور

*** استفاده از متن برای مشخص کردن معنی لغات ساده

گاهی اوقات در بخش reading معنای یک لغت ساده مورد سوال قرار می گیرد که ما با آن لغت به طور روزمره مواجه هستیم، در این موارد باید دانست که ما نباید معنای معمول، عادی و روزمره لغت مورد نظر را انتخاب کنیم. در عوض یک معنای ثانوی مد نظر است و باید معنای لغت را با توجه به جایگاه آن در جمله مشخص نمود.

یا به عبارتی دیگر، هر گاه از خواننده در مورد معنای یک واژه ساده ای که اغلب در انگلیسی روزمره دیده می شود، سوالی پرسیده شود، نایستی معنای متداول و روزمره آن واژه را بیان کند، در عوض آزمون تافل درصدی پی بردن به معنای واژه در این موقعیت است.

The "piece of eight" was the nickname of the Spanish "peso" which was the rough equivalent of the American dollar in early America; the peso was accepted coin in much of the Americas, particularly during the period when the stores of Spanish ships were regularly stripped by pirates on the waters off the Americas and "redistributed" throughout coastal towns. The nickname "piece of eight" derived from the fact that the peso was equal to eight "reals" and therefore had the numeral 8 stamped on it. The "piece of eight" was sometimes actually cut into pieces, or bits, and one popular size was one-quarter of a "piece of eight" or two bits. As a consequence, the U.S. quarter of a dollar is sometimes referred to today as two-bits, particularly in the western part of the country. A visitor to that area, if told "It'll be two – bits," should take it that the price of an item is being given.

«قطعه 8» نام مستعار «پزو» اسپانیا بود که معادل تقریبی دلار آمریکایی در اوایل کشف قاره آمریکا بود. پزو سکه پذیرفته شده در بیش تر قاره آمریکا بود، به ویژه طی زمانی که ذخایر کشتی های اسپانیایی پیوسته توسط دزدان دریایی در آب های خارج آمریکا ربوده می شد و در سرتاسر شهرهای ساحلی «مجدداً توزیع می شد». نام متداول «قطعه 8» از این حقیقت ناشی می شد که پزو معادل هشت «تکه» بود و بنابراین عدد هشت را حک شده روی خود داشت. «قطعه هشت» گاهی اوقات در واقع به قطعاتی تقسیم می شده و یک اندازه رایج یک چهارم یک «قطعه هشت» یا دو تکه بود. در نتیجه به یک چهارم یک دلار آمریکایی گاهی اوقات، امروزه به عنوان دو تکه به ویژه در بخش غربی کشور اشاره می شود. یک بازدید کننده از آن ناحیه، اگر چنانچه به او گفته شود که «آن دو تکه خواهد بود» ممکن است این طور برداشت کند که بها و قیمت یک کالا داده می شود.

منبع: تافل Reader's Digest In A Flash، ص 235، متن 26.

- 1- The word "rough" in line I is closest in meaning to
A. Unsmooth B. mean C. approximate D. heavy

1- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: واژه «تقریبی» در خط 1 از نظر معنایی به نزدیک تر است.

الف) ناهموار ب) میانگین ج) تقریبی د) سنگین

- 2- "Stores" in line 3 are probably
A. Departments B. markets C. shops D. supplies

2 - گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: «انبارها» در خط 3 احتمالاً هستند.

الف) بخش ها ب) بازارها ج) فروشگاه ها د) انبارها

3- The word "take" in line 8 could best be replaced by

A. Hole B. understand C. possess D. grab

3 - گزینه «ب» صحیح است.

ترجمه: واژه «درک کردن» در خط 8 می توانست به بهترین نحو با واژه جایگزین و عوض شود:

الف) نگه داشتن ب) دریافتن ج) داشتن د) ربودن

***** تعیین محلی که اطلاعات خاصی در آن یافت می شود.**

گاهی اوقات در سوالات reading از ما خواسته می شود تا محل عبارت خاصی را در داخل یک پاراگراف تعیین نماییم. در این حالت خود سوال 4 محل را برای اطلاعات مذکور مشخص می کند به عبارت دیگر سوالاتی همانند:

1 - از کدام قسمت متن می توان فهمید که ...؟

با توجه دقیق به این مهارت قابل پاسخگویی خواهند بود.

مثال 20:

Beavers generally live in family clusters consisting of six to ten members. One cluster would probably consist of two adults, one male and one female, and four to eight young beavers, or kits. A female beaver gives birth each spring to two to four babies at a time. These baby beavers live with their parents until they are two years old. In the springtime of their second year they are forced out of the family group to make room for the new babies. These two-year-old beavers then proceed to start new family clusters of their own.

سگ های آبی عموماً در دسته های خانوادگی متشکل از 6 تا 10 عضو زندگی می کنند. یک گروه احتمالاً شامل دو بزرگسال، یک نر و یک ماده و 4 تا 8 سگ آبی توله خواهد بود. یک سگ آبی ماده هر بهار در یک زمان دو تا چهار بچه به دنیا می آورد. این توله سگ های آبی با والدینشان تا 2 سالگی زندگی می کنند. در بهار دومین سال زندگی شان مجبور می شوند از گروه خانواده به منظور ساخت خانه برای نوزادان جدا شوند. این سگ های آبی دو ساله آن گاه به نوبه خودشان اقدام به تشکیل گروه های خانوادگی جدید می کنند.

1- Where in the passage does the author give the name of a baby beaver?

A. Line 1 B. Line 2 C. Line 3 D. Line 4-5

1- گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: در کجای متن نویسنده از بچه سگ آبی نام می برد؟

الف) خط 1 ب) خط 2 ج) خط 3 د) خطوط 4 تا 5

2- Where in the passage does the author mention the time of year when new baby beavers are born?

A. Line 1 B. Line 2 C. Line 3 D. Line 4-5

2- گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: در کجای متن نویسنده زمانی از سال را که در آن بچه سگ های آبی متولد می شوند، ذکر می کند؟

الف) خط 1 ب) خط 2 ج) خط 3 د) خطوط 4 تا 5

3- Where in the passage does the author state the age at which beavers must go out on their own?

A. Line 1 B. Line 2 C. Line 3 D. Line 4-5

3- گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: در کجای متن نویسنده سنی را که در آن سگ های آبی می بایستی به نوبه خودشان برای شروع یک

زندگی جدید بیرون بروند، بیان می کند؟

الف) خط 1 ب) خط 2 ج) خط 3 د) خطوط 4 تا 5

4- Where in the passage does the author indicate why the young beavers must leave their parents' home?

B. Line 1 B. Line 2 C. Line 3 D. Line 4-5

4- گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: در کجای متن نویسنده نشان می دهد که چرا سگ های آبی جوان می بایستی خانه والدینشان را ترک

کنند؟

الف) خط 1 ب) خط 2 ج) خط 3 د) خطوط 4 تا 5

*** تعیین آهنگ ، هدف و موضوع علمی

سوالات این قسمت اساساً موارد زیر را مورد پرسش قرار می دهند:

(۱) آهنگ و لحن متن (tone)

(۲) هدف نویسنده از نوشتن متن (purpose)

(۳) موضوع و رشته علمی که متن در آن استفاده می شود (course)

سوالات مربوط به آهنگ متن می پرسند که آیا نویسنده در متن خود احساسات و عواطفی را نشان می دهد. اکثر متنهای تافل واقعی و حقیقی هستند و نه احساسی و بنابراین حالت و آهنگ شان می تواند: اطلاعاتی (informational) و توضیحی (explanatory) و یا واقعی (factual) باشند. گاهی اوقات هم نویسنده احساس خویش را نمایش می دهد و ما باید قادر باشیم تا آن احساس را برای پاسخ به سوال تشخیص دهیم. اگر نویسنده از نوعی طنز در کار خود استفاده کرده باشد حالت متن نگاهی (humorous) است، اگر نویسنده چیزی را مورد تمسخر قرار داده باشد در این صورت حالت متن طعنه آمیز (sarcastic) است و در نهایت اگر نویسنده شدیداً احساس کند که چیزی به درست یا غلط است حالت متن برانگیخته شده (impassioned) خواهد بود.

مثال 21:

Truman capote's *In Cold Blood* (1966) is a well – known example of the "nonfiction novel", a popular type of writing based upon factual events in which the author attempts to describe the underlying forces, thoughts, and emotions that lead to actual events. In Capote's book, the author describes the sadistic murder of a family on a Kansas farm, often showing the point of view of the Killers. To research the book, Capote interviewed the murderers, and he maintains that his book presents a faithful reconstruction of the incident.

کتاب «خونسرد» ترومن کاپوت در سال 1966 نمونه مشهوری از «رمان غیر خیالی (واقع گرا)» می باشد، یک نوع نوشتار مردمی بر پایه وقایع واقعی است که در آن نویسنده سعی می کند نیروهای درونی، افکار، عواطف و هیجاناتی را که منجر به رویدادهای واقعی می شوند، توصیف نماید. در کتاب کاپوت، نویسنده قاتل سنگدل خانواده ای را در مزرعه گانزاس توصیف می کند و اغلب نقطه نظر قاتلان را به نمایش می گذارد. برای تحقیق و نوشتن این کتاب کاپوت با قاتلین مصاحبه کرد و مدعی است کتابش بازسازی و مدل واقعی و قابل اعتمادی از حادثه را ارائه می نماید.

منبع: تافل Reader's Digest In A Flash، ص 66، متن 39.

- 1- The purpose of this passage is to ...
- A. Discuss and example of a particular literary genre
 B. Tell the story of In Cold Blood
 C. Explain Truman Capote's reasons for writing In Cold Blood
 D. Describe how Truman Capote researched his nonfiction novel

1 - گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه: منظور از این متن عبارت است از:

- (الف) بحث و نمونه ای از یک سبک ادبی مخصوص
 (ب) بیان داستان «خونسرد»
 (ج) توضیح دلایل ترومن کاپوت برای نوشتن کتاب «خونسرد»
 (د) تشریح این که ترومن کاپوت چگونه درباره رمان غیر خیالی تحقیق کرد.

- 2- Which of the following best describes the tone of the passage?
 A. Cold B. Sadistic C. Emotional D. Descriptive

2 - گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: کدام یک از موارد زیر به بهترین لحن، آهنگ و نوع بیان متن را توصیف می کند؟
 (الف) سرد (ب) سنگدل (ج) عاطفی (د) تشریحی

- 3- This passage would probably be assigned reading in which of the following courses?
 A. Criminal Law B. American History
 C. Modern American Novelse D. Literary Research

3 - گزینه «ج» صحیح است.

ترجمه: این متن احتمالاً در کدام یک از رشته های مطالعاتی زیر قرار خواهد گرفت؟
 (الف) حقوق جنایی (ب) تاریخ آمریکایی (ج) رمان های معاصر آمریکایی (د) پژوهش ادبی

مثال 22:

Up to now, confessions that have been obtained from defendants in a hypnotic state have not been admitted into evidence by courts in the United States. Experts in the field of hypnosis have found that such confessions are not completely reliable. Subjects in a hypnotic state may confess crimes they did not

commit for one or two reasons. Either they fantasize that they committed the crimes or they believe that others want them to confess.

A landmark case concerning a confession obtained under hypnosis went all the way to the U.S. Supreme Court. In the case of *Layra v. Denno*, a suspect was hypnotized by a psychiatrist for the district attorney; in a posthypnotic state the suspect signed three separate confessions to a murder. The Supreme Court ruled that the confessions were invalid because the confessions had been the only evidence against him.

تاکنون، اعترافات که از متهمین در حالت خواب گرفته شده است در دادگاه های ایالات متحده به عنوان دلیل مورد پذیرش قرار نگرفته است. دانشمندان در رشته هیپنوتیزم دریافتند که چنین اعترافات کاملاً قابل اعتماد نیستند. اشخاص در حالت هیپنوتیزم ممکن است جنایاتی را اعتراف کنند که به یک یا دو دلیل مرتکب نشده اند. خواه آن ها خیال بافی کنند که (بدین صورت) مرتکب جنایت شوند یا این که باور داشته باشند که دیگران از آن ها می خواهند اعتراف کنند.

یک دعوی مهم و ویژه راجع به اعترافات اخذ شده به موجب هیپنوتیزم به دیوان عالی ایالات متحده فرستاده شد. در دعوی لیرا علیه دنو (*Layra V.deno*) یک مظنون توسط یک روانکاو به جای دادستان بخش، هیپنوتیزم شد. در حالت پس از هیپنوتیزم، مظنون سه اعتراف جداگانه از قتل را اعتراف کرد. دیوان عالی رأی داد که اعترافات معتبر نیستند. زیرا که اعترافات تنها شاهد علیه وی بودند.

منبع : تافل *Reader's Digest In A Flash*، ص 236، متن 27 .

- 4- Which of the following best describes the author's purpose in this passage?
- A. To explain the details of a specific court case
 - B. To demonstrate why confessions made under hypnosis are not reliable
 - C. To clarify the role of the Supreme Court in invalidating confessions from hypnotized subjects
 - D. To explain the legal status of hypnotically induced confessions

4 - گزینه «د» صحیح است.

ترجمه : کدام یک از موارد زیر به بهترین نحو، هدف نویسنده در این متن را شرح می دهد؟

الف) توضیح و تشریح جزئیات یک پرونده ویژه در دادگاه

ب) ارائه این که چرا اعترافات اخذ شده به موجب هیپنوتیزم معتبر نیستند.

ج) روشن ساختن نقش دیوان عالی در بی اعتبار خواندن اعترافات اخذ شده از افراد هیپنوتیزم شده

د) تشریح وضعیت قانونی اعترافات اخذ شده در حالت هیپنوتیزم

- 5- The tone of this passage could best be described as....
A. Outraged B. judicial C. hypnotic D. informative

5- گزینه «د» صحیح است.

ترجمه: لحن، آهنگ و بیان این متن به بهترین نحو می تواند به عنوان توصیف شود.
الف) ظالمانه ب) قضایی ج) هیپنوتیزی د) آموزنده

- 6- This passage would probably be assigned reading in a course on....
A. American law B. psychiatric healing C. parapsychology
B. D. philosophy

6- گزینه «الف» صحیح است.

ترجمه: این متن احتمالاً در کدام یک از رشته های مطالعاتی زیر قرار خواهد گرفت؟
الف) حقوق آمریکا ب) درمان روانشناسانه ج) فراروانشناسی د) فلسفه

واژگان

Abroad	overseas	خارج، خارجه
Abrupt	sudden	ناگهانی، غیر منتظره
Absorb	take in; interest greatly	جذب کردن، مجذوب کردن
Absurd	foolish; ridiculous	احمقانه، بی معنی
Abundant	very plentiful	فراوان، بسیار
Abuse	bad or wrong use	استفاده نادرست، سوء استفاده
Accelerate	hasten	تند کردن، شتاب دادن
Accentuate	emphasize	تاکید کردن
Acceptable	permissible	قابل قبول، مجاز
Acclaim	praise	تحسین
Account	story	گزارش، توصیف
Accurate	precise	درست، دقیق
Acknoeledge	admit to be true	اعتراف کردن، تصدیق کردن
Acquire	obtain	کسب کردن، به دست آوردن
Actually	truly	حقیقتاً، واقعا
Addict	unable to break a habit	معتاد
Adequate	fully sufficient; enough	کافی، مناسب
Adolescent	youthful	جوان، دوره جوان
Advanced	progressive	پیشرفته، مترقی
Advantage	benefit	مزیت، امتیاز
Advent	arrival	ورود، ظهور
Adverse	unfavorabe	نامساعد، مخالف
Advice	suggestion	پیشنهاد، نصیحت
Affordable	economical	مقرون به صرف، اقتصادی
Aggravating	irritating	تحریک کننده، عصبانی کننده
Agile	nimble	زرنگ، چابک
Agitate	disturb	بهم زدن، نگران کردن
Albeit	although	اگر چه

Allocation	distribution	تخصیص ، توزیع
Allow	permit	اجازه داد
Alter	modify; vary	تغییر دادن
Amateur	not professional	آماتور ، غیر حرفه ای
Amaze	astonish	متعجب ساختن ، سر در گم کردن
Ambiguous	vague	مبهم ، نامعلوم
Ambush	surprising attack	حمله کردن از کمینگاه ، کمینگاه
Amend	correct; change	تغییر دادن ، بهبود بخشیدن
Amenity	convenience	راحتی ، آسایش
Ample	sufficient	کافی ، مناسب
Amusement	diversion	سرگرمی ، تفریح
Analogous	similar to	مشابه ، همانند
Analyze	examine	بررسی کردن ، تحلیل کردن
Ancient	old	قدیمی ، کهن
Annoying	bothersome	ناراحت کننده ، عصبانی کننده
Annual	yearly	سالانه ، سالیانه
Anticipate	expect; predict	پیش بینی کردن ، انتظار داشتن
Antiquated	old-fashioned	آنتیک ، از مد افتاده
Apologize	say sorry for a fault	عذرخواهی کردن
Apparent	visible	واضح ، آشکار
Appeal	attraction; interest	جذب کردن ، جذابیت
Appealing	alluring	جذاب
Appoint	decide on	تعیین کردن ، منصوب کردن
Approach	come near	نزدیک شدن به ، روش ، نگرش
Appropriate	fit; proper	مناسب
Approximately	around	تقریباً
Aptly	appropriately; likely	به موقع ، به طور شایسته
Arbitrary	haphazard	اتفاقی ، تصادفی

Archaic	ancient	قدیمی ، کهن
Architect	a creator; a maker	معمار ، سازنده
Arid	dry	خشک ، بی لطافت
Assemble	bring together	گردآوری کردن ، گرد آمدن
Assert	declare	دفاع کردن ، ادعا کردن
Assimilate	incorporate	جذب کردن ، همانند کردن
Assortment	selection	مجموعه
Astounding	astonishing	حیرت آور ، متعجب کننده
Astute	perceptive	زیرک ، هوشیار
Attract	draw to oneself	جذب کردن
Attractive	appealing	جذاب
Audible	able to be heard	قابل شنیدن ، رسا
Authority	power to command	قدرت ، اجازه
Authorize	empower	قادر ساختن ، اجازه دادن
Autonomous	independent	مستقل
Avoid	avert	دوری کردن از ، اجتناب کردن از
B		
Bait	food used to attract fish	طعمه دادن ، طعمه
Balanced	equalized	متوازن ، متعادل
Ballot	to vote	ورقه رای ، رای گیری کردن
Ban	prohibit; forbid	منع کردن ، تحریم کردن
Bear	yield	تولید کردن ، تحمل کردن
Beckon	attract	علامت دادن ، جلب کردن
Beneficiary	receiver of a benefit	بهره بردار ، ذینفع
Benefit	assist	منفعت ، فایده
Betray	be unfaithful; mislead	فاش کردن ، خیانت کردن
Bewildered	confused; puzzled	گیج ، سردرگم
Bigamy	having two wives	دو همسری
Biography	written account of	بیوگرافی ، تاریخچه زندگی

	someone's life	
Blend	mix together completely	ترکیب کردن ، ترکیب
Blind	unaware	نابینا ، نادان
Block	obstruct	مسدود کردن ، مانع شدن
Blunder	stupid mistake; stumble	اشتباه کردن ، اشتباه احمقانه ، گاف
Blur	cloud	تیره و تار کردن ، لکه تیره
Brawl	a noisy quarrel or fight	دعوی کردن ، دعوی
Briefly	concisely	بطور خلاصه
Brilliant	radiant	تابان ، درخشان ، باهوش
Broaden	enlarge	توسعه دادن ، وسیع کردن
Brutal	coarse and savage; cruel	بیرحم ، بیرحمانه
Budget	plan one's spending	بودجه ، بودجه ریزی کردن
C		
Campus	ground of a university	محوطه دانشگاه یا دانشکده ، پردیس
Cancel	cross out; call off	باطل کردن ، لغو کردن
Candidate	person to be chosen for an election	داوطلب ، کاندیدا
Capacity	amount that something can hold	ظرفیت
Capsule	a small case or covering	کپسول ، پوشش
Captive	prisoner	اسیر ، زندانی
Casual	happening by chance	اتفاقی ، غیر مهم
Caution	warn	هشدار دادن ، آگاه کردن
Cautious	very careful	مواظب ، هوشیار
Cease	stop	متوقف کردن ، پایان دادن
Celebrated	renowned	مشهور
Censor	official examiners	مامور سانسور ، سانسور کردن
Century	100 year	سده ، قرن

Challenge	call to a fight	به مبارزه طلبیدن ، رقابت کردن
Chaotic	disorganized	بی نظم ، آشفته
Characteristic	typical	ویژگی ، مشخصه
Charisma	appeal	جذبہ روحانی
Charity	generous giving to the poor	دستگیری ، صدقه
Chiefly	mostly	به طور عمدہ ، عمدتاً
Chiropractor	doctor who treats illness by preessing on bones	متخصص ، کایروپراکتور
Cinema	moving picture	سینما
Circulate	distribute	پخش کردن ، جریان پیدا کردن
Clarify	explain	توضیح دادن ، روشن کردن
Classify	arrange	طبقہ بندی کردن ، مرتب کردن
Clergy	priests	روحانی ، مرد خدا
Clever	intelligent; astute	زیرک ، دانا
Client	costumer	مشتری ، موکل
Coarse	rough; not delicate	زبر ، خشن
Coeducational	education of boys and girls together	مختلط ، پسرانہ و دخترانہ
Coherent	logical	مستدل ، منطقی
Coincide	occupy in the same place or same time	هم زمان بودن ، منطبق شدن
Collapse	a breakdown; to fall in	از کار افتادن ، بی نتیجه بودن
Colleague	fellow worker	همکار
Collide	come to gether with force	تصادف کردن ، به هم خوردن
Commence	begin; start	آغاز کردن ، شروع کردن
Commend	praise	ستودن ، ستایش کردن
Commonplace	frequent; ordinary	متداول ، معمولی
Commute	travel regularly between home and work	مسافرت کوتاه و منظم
Comparatively	relatively	نسبتاً ، به طور مقایسه ای

Compel	force; obliged	مجبور کردن ، وادار کردن
Compete	try to win in a competition	رقابت کردن، تلاش و جدیت کردن
Complacent	self-satisfied	از خود راضی ، خودخواه
Complex	complicated	پیچیده ، بغرنج
Comprehend	understand	درک کردن ، فهمیدن
Comprehensive	thorough	جامع ، فراگیر
Conceal	hide	پنهان کردن ، نهان کردن
Conceivably	possibly	احتمالاً، به طور امکان پذیر
Conclude	end; finish	به پایان رساندن، نتیجه گیری کردن
Condense	summarize	خلاصه کردن
Confident	certain, sure	مطمئن ، دلگرم
Confidential	secret	محرمانه
Confine	keep in; hold in	محدود کردن
Confirm	prove	تایید کردن ، تصدیق کردن
Conflict	disagreement	مخالف ، متضاد
Conform	adapt	وفق دادن ، تطبیق دادن
Conscientious	meticulous	وجدان ، وظیفه شناس
Consent	give permission	موافقت کردن، رضایت دادن
Conservation	preservation	نگهداری ، حفاظت
Consider	think about	ملاحظه کردن ، در نظر گرفتن
Consistently	dependably	به طور پیوسته ، به طور به اثبات
Conspicuously	noticeably	به طور قابل ملاحظه ، به طور قابل توجه
Constantly	continually	دائماً ، به طور مداوم
Contagious	spreading by contact	واگیردار، مسری
Contaminate	pollute	آلوده کردن ، فاسد کردن
Contemporary	current	معاصر، همزمان
Contradictory	inconsistent	متناقض ، ضد و نقیض

Controversial	debatable	قابل بحث ، بحث انگیز
Convenient	practical	راحت ، مناسب
Conventional	traditional	متداول ، مرسوم
Convert	alter	تبدیل کردن ، تغییر دادن
Convey	communicate	منتقل کردن ، رساندن
Convince	persuade	متقاعد کردن ، قانع کردن
Core	chief	هسته ، مرکز
Corpse	a dead body	نعلش ، لاشه
Crack	fracture	شکاف ، ترک
Crafty	tricky	حیله گر ، حقه باز
Create	produce	ساختن ، خلق کردن
Creep	crawl	خزیدن ، سینه خیز رفتن
Critical	dangerous	مهم ، حیاتی
Crucial	critical	حیاتی ، ضروری
Crush	grind	خرد کردن ، له کردن
Culprit	offender	مجرم ، مقصر
D		
Decade	10 years	دهه
Deceive	mislead	فریب دادن ، اغفال کردن
Deceptively	misleadingly	بطور فریب آمیز
Decline	decrease	کاهش دادن ، کم آوردن
Decrease	become less	کاهش یافتن ، کم شدن
Deep	thorough	عمیق
Defect	fault, that which is wrong	عیب ، نقص
Defiant	openly resisting	سرسخت ، ستیزه جو
Defraud	deceive to get something	فریب دادن ، گول زدن
Defy	resist	مقاومت کردن ، بی اعتنایی کردن
Dejected	sad; in low spirits	افسرده ، غمگین

Deliberate	slow and careful	با تامل ، عمدی
Delicate	fragile	حساس ، ظریف
Delighted	: elated; well satisfied	خوشحال ، راضی
Delinquent	an offender; criminal	مجرم ، مقصر
Demand	insist	تقاضا کردن ، خواستن
Demonstration	display	نمایش ، نمایشگاه
Denounce	condemn in public	متهم کردن ، محکوم کردن
Dense	thick	ضخیم ، غلیظ
Depart	leave; go away	حرکت کردن از ، دست کشیدن از
Depend on	trust	وابسته بودن به ، مربوط بودن به
Depict	describe	شرح دادن ، نشان دادن
Deplete	consume	خالی کردن ، صرف کردن
Deprive	take away from by force	بی بهره کردن ، محروم کردن
Descend	go or come down	پایین آمدن ، فرود آمدن
Despite	in spite of	علیرغم ، با وجود
Destroy	ruin	خراب کردن ، نابود کردن
Detect	find out; discover; notice	پیدا کردن ، کشف کردن
Determined	resolute	مصمم ، معین
Detest	hate, dislike very much	نفرت داشتن از
Detour	a roundabout way	بیراهه ، راه فرعی
Develop	to grow; to evolve	توسعه دادن ، تکامل یافتن
Devise	plan; invent	طرح ریزی کردن ، ساختن
Devour	absorb completely	بلعیدن ، فرو بردن
Dictate	impose	دیکته کردن ، تحمیل کردن
Dilemma	a difficult choice	انتخاب دشوار ، مساله غامض
Dignitary	notable	شخص بزرگ ، عالی مقام
Dim	faint	تیره و تار ، تیره و تار کردن
Diminish	become smaller	کم شدن ، نقصان یافتن
disapproval	objection	عدم رضایت ، مخالفت

Disaster	a great misfortune	فاجعه ، بلا
Discard	throw aside	دور انداختن ، ترک کردن
Discernible	detectable	قابل توجه ، قابل ملاحظه
Disclose	uncover	آشکار کردن ، فاش کردن
Discreetly	cautiously	محتاطانه ، از روی بصیرت
Disguise	conceal	تغییر قیافه دادن ، پنهان کردن
Dismal	dark and depressing	دل‌تنگ کننده ، دلگیر
Disperse	circulate	پراکنده کردن ، متفرق ساختن
Display	exhibit	نمایش دادن ، نشان دادن
Dispute	disagree; oppose	مخالفت ، مشاجره
Disregard	ignore; to pay no attention	نادیده گرفتن ، توجه نکردن
Disrupt	cause to break down	مختل کردن ، بر هم زدن
Disruptive	causing confusion	مختل کننده ، مزاحم
Distinct	Definite, different	مشخص ، متمایز
Distinguish	discriminate	تشخیص دادن
Distort	deform	تغییر کردن ، تغییر شکل دادن
Distress	great pain or sorrow	پریشانی ، اندوه
Distribute	dispense	توزیع کردن ، پخش کردن
Diverse	different; various	مختلف ، متفاوت
Document	paper giving proof	مدرک ، سند
Documented	proven with written evidence	مستدل ، مستند
Dominant	primary or principal	مسلط ، حاکم
Dormant	inactive; asleep	راکد ، بی فعالیت
Doubt	not believe; not be sure of	شک ، شک داشتن
Drab	colorless; boring	بدون رنگ ، خسته کننده
Dramatic	emotional	نمایشی ، مهیج
Drastic	acting with force	شدید ، حاد
Dread	fear greatly	ترس ، ترس داشتن از

Drench	soak; wet thoroughly	خیس کردن
Drought	dryness; lack of rain	کم آبی ، خشکسالی
E		
Element	component	پیچیده ، پرکار
Elementary	primary	عنصر ، جزء
Elevate	rise; life up	اولیه ، ابتدایی
Elicit	extract, to get the fact	ارتقا دادن ، بلند کردن
Eliminate	remove; omit	زدودن ، حذف کردن
Elude	to escape in a tricky way	طفره زدن از ، فرار کردن از
Embrace	hug one another	در آغوش گرفتن ، بغل کردن
Emerge	come out; come up	پدیدار شدن ، ظاهر شدن
Emphasize	highlight	اهمیت دادن به ، تاکید کردن
Employee	employed person	کارمند ، کارگر
Enact	legislate; to pass a law	وضع کردن ، تصویب کردن
Encircle	surround	احاطه کردن ، دور گرفتن
Encompass	include	شامل بودن ، حلقه زدن
Encourage	give courage to	تشویق کردن ، دلگرم کردن
Endorse	to express	تصدیق کردن ، تایید کردن
Endure	last; keep on	تحمل کردن ، بردباری کردن
Energetic	vigorous	فعال ، جدی
Enhance	strengthen	تقویت کردن ، افزایش دادن
Enormous	huge; extremely large	عظیم ، خیلی زیاد
Enrich	enhance; to make rich	غنی کردن ، تقویت کردن
Entirely	thoroughly; completely	کاملاً ، به کلی
Envy	jealousy	حسادت ، حسادت کردن
Epidemic	widespread	مسری ، واگیر دار
Erode	to wear away	کاهش یافتن ، فرسایش یافتن

Erratic	not regular	نامنظم ، بی هدف
Essential	very important	ضروری ، بسیار مهم
Estimate	guess; calculate	برآورده کردن ، تخمین زدن
Evade	escape from	طفره زدن از ، فرار کردن از
Evaporate	disappear; vanish	ناپدید شدن ، تبخیر شدن
Even	equitable; smooth	یکنواخت ، هموار
Event	: important happening	واقعه ، اتفاق
Evidence	proof	دلیل ، مدرک
Evident	apparent; easy to seen	واضح ، آشکار
Exaggerate	overstate	اغراق کردن
Exceedingly	extremely; very	خیلی زیاد
Excel	be or do better than	برتر بودن
Excessive	extreme; too much	مفرط ، بیش از حد
Exceptional	phenomenal	استثنایی ، متفاوت
Exclusively	not shared; only	به طور انحصاری ، به طور خصوصی
Exemplify	symbolize	نشان دادن ، با مثال فهماندن
Exempt	make free from	معاف کردن ، معاف
Exhaust	tire out; use up	تخلیه کردن ، خسته کردن
Exhibit	display; show	نمایش دادن ، نشان دادن
Expand	enlarge; swell	بسط دادن ، توسعه دادن
Expansion	growth	توسعه ، بسط
Expensive	costly	گران ، پر خرج
Explore	examine carefully	کشف کردن ، کاوش کردن
F		
Feasible	possible	شدنی ، امکان پذیر
Feeble	weak	ضعیف ، ناتوان
Feign	simulate; pretend	وانمود کردن ، تظاهر کردن
Feminine	of women or girl	جنس زن ، زنانه

Fertile	producing much of anything	حاصلخیز ، پر ثمر
Fiction	untrue story	افسانه ، قصه
Fierce	savage; wild	درنده ، وحشی
Final	coming last	پایانی ، نهایی
Finance	to provide money for	تامین مالی کردن ، موضوعات مالی
Finite	limited; having an end	محدود ، کران دار
Flaw	defect	عیب ، نقص
Flee	run away	گریختن ، فرار کردن
Flexible	easily bent	انعطاف پذیر
Flourishing	thriving	در حال رشد ، در حال پیشرفت
Forbid	ban	ممنوع کردن ، منع کردن
Forfeit	relinquish; to give up	از دست دادن ، جریمه ، تاوان
Formidable	overwhelming	ترسناک ، سخت
Fortunate	lucky	خوش شانس ، خوب
Found	establish; start up	تاسیس کردن ، راه اندازی کردن
Fragile	delicate	شکستنده ، نازک
Frail	fragile	ضعیف ، کم زور
Frank	open and honest	رک ، بی پرده بگو
Frequent	occurring repeatedly	مکرر ، پیاپی

G

Generate	create; produce	گرد آمدن ، جمع شدن
Gigantic	enormous; very larg	تولید کردن ، ایجاد کردن
Glance	to look at quickly	بسیار بزرگ ، عظیم الجثه
Gleam	a flash or beam of light	نگاه اجمالی کردن
Glimpse	a short quick view	افسرده ، دلتنگ
Gloomy	dark; dim	به تدریج ، رفته رفته
Gradually	steadily	سپاسگزار ، ممنون

Grateful	thankful	رضایت بخش ، لذت بخش
Gratifying	satisfying	راهنمایی کردن ، راهنما
H		
Harbor	to give protection	حمایت کردن ، پناه بردن
Hardship	difficulty	سختی ، محنت
Harmful	unhealthy	مضر ، پرگزند
Harmony	peaceful agreement	یکدلی ، هماهنگی
Harsh	sharp	تند ، تیز
Harvest	gathering the crops	برداشت محصول ، درو
Hasten	accelerate	تعجیل کردن ، شتاب کردن
Hasty	quick; hurried	با عجله ، شتابان
Hazardous	dangerous	پر خطر ، خطرناک
Hazy	misty; smoky; unclear	مه آلود ، مبهم
Heed	give attention to	توجه کردن ، اعتنا کردن
Heighten	intensify	ارتقا دادن ، افزایش دادن
Heir	person who inherits anything	وراث ، میراث بر
Hero	idol	قهرمان ، دلاور
Hesitate	fail to act quickly	تامل کردن ، تردید داشتن
Highlight	emphasize	تاکید کردن
Hinder	hold back	مانع شدن ، ممانعت کردن
Homicide	murder	آدم کشی ، قتل
Horrid	terrible; frightful	ترسناک ، مهیب
I		
Idol	some one greatly admired	بت ، صنم
Ignite	set on fire	آتش زدن ، روشن کردن
Ignore	pay no attention to	توجه نکردن ، نادیده گرفتن
Illegal	against the law	غیر قانونی ، نامشروع
Illustrate	explain by example	توضیح دادن ، نشان دادن

Illustration	a visual image	مثال ، تصویر
Immense	extremely large	پهناور ، بی اندازه
Impressive	imposing	موثر ، برانگیزنده احساسات
Improperly	inappropriately	به طور ناصحیح ، به طور غلط
Impulsively	capriciously	به طور بی اختیار
Inaccessible	remote	دور از دسترس ، ارتباط ناپذیر
Inactive	idle; not moving	بی حرکت ، بیکار
Inadvertently	by accident	سهوا ، تصادفا
Indeed	truly; certainly	براستی ، حقیقتاً
Indifference	lack of interest	بی علاقهگی ، بی تفاوتی
Indiscriminate	not chosen carefully; arbitrary	نامشخص ، در هم برهم
Inevitable	unavoidable	حتمی ، اجتناب ناپذیر
Infancy	beginning	مراحل ابتدایی ، طفولیت
Influence	affect	تاثیر گذاشتن ، نفوذ کردن
Infrequently	almost never	کم ، بندرت
Ingenious	clever	زیرکانه ، هوشمند
Ingredients	elements	محتویات ، اجزاء
Inhabit	live in	ساکن شدن در ، زندگی کردن در
Initiate	launch; to begin	شروع کردن ، به راه انداختن
Innovative	creative	نو ، ابتکاری
Inordinate	excessive	مفرط ، بیش از اندازه
Insignificant	meaningless	جزیی ، کم اهمیت
Insist	declare firmly	پافشاری کردن ، اصرار کردن
Instantly	immediately	فورا ، بی درنگ
Intensify	heighten	افزودن ، تشدید کردن
Intentionally	deliberately	دانسته ، عمدا
Interpret	clarify	تفسیر کردن ، ترجمه کردن
Intolerable	unbearable	تحمل ناپذیر ، سخت
Intricate	complex	بغرنج ، پیچیده

Intrigue	to interest greatly	فریب دادن ، فریفتن
Intrinsic	inherent	ذاتی ، اصلی
Intrusive	the state of being inside when not wanted	ناخوانده ، مزاحم
Inundate	overwhelm	پوشاندن ، پر کردن
Investigation	probe	تحقیق ، بررسی
J		
Jagged	unevenly cut or torn	دندانه دار، ناهموار
Jealous	very envious	حسود ، رشک مند
Jeopardize	risk; endanger	به خطر انداختن
Jest	joke; mockery	شوخی ، شوخی کردن
Jolly	merry; full of fun	سرکیف ، خوشحال
Justice	just conduct; fair dealing	عدالت ، برابری
Juvenile	young; youthful	جوان ، جوان نما
L		
Lecture	speech or planned talk	سخنرانی ، سخنرانی کردن ، سرزنش کردن
Legend	old story which may not be true	افسانه ، داستان
Legible	plain and clear	خوانا ، روشن
Legitimate	authentic; reasonable	درست ، منطقی
Limber	flexible	انعطاف پذیر
Linger	stay on	درنگ کردن ، تاخیر کردن
Logical	reasonable	منطقی ، استدلالی
Lottery	A scheme for distributing Prizes by lot or chance	قرعه کشی ، بخت آزمایی لاتاری
Loyalty	being loyal	وفاداری ، صداقت
Lubricate	make work without running	روغن زدن ، روان کردن
Lunatic	insane; crazy person	دیوانه ، مجنون
M		
Magnify	cause to look or seem larger	درشت کردن ، بزرگ کردن
Magnitude	dimension	حجم ، اندازه

Maim	cripple; disable	فلج کردن ، چلاق کردن
Maintain	keep; preserve	نگهداشتن ، نگهداری کردن
Majestic	noble; grand	با شکوه ، با عظمت
Majority	the larger number	اکثریت
Manipulate	handle skillfully	به کار بردن ، انجام دادن
Marvel	wonder	شگفت انگیز ، حیرت انگیز
Masculine	male; of man	مردانه
Massive	bulky; big and heavy	بزرگ ، سنگین
Matrimony	married life	زناشویی ، ازدواج
Mature	fully grown or developed	بالغ ، کامل
Maximum	greatest amount	بیشترین
Means	methods; ways	وسیله ، روش
Measurable	assessable	قابل ارزیابی ، قابل اندازه گیری
Mediocre	average: ordinary	حد وسط ، متوسط
Menace	threat	تهدید ، مخاطره
Mention	remark; to say	اشاره کردن ، ذکر کردن
Merit	goodness; worth	شایستگی ، سزاواری
Migrate	move from one place to another	مهاجرت کردن ، کوچ کردن
Miniature	represented on small scale	مینیا تور ، ماکت
Minimum	the lowest amount	کمترین
Minority	smaller number or part	اقلیت
Minuscule	tiny; very small	کم ، کوچک
Miraculously	astonishingly	حیرت انگیز ، شگفت آور
Mirror	reflect; to show	نشان دادن ، آینه
Miserly	stingy; like a miser	خسیس ، چشم تنگ
Misfortune	bad luck	بد شانسی ، بخت بد
Moderate	medium	معمولی ، متوسط
Molest	interfere with and trouble	مزاحم شدن ، اذیت کردن

Monarch	ruler; king or queen	سلطان ، پادشاه
Morality	virtue; a set of rules or principles of action	اخلاقیات ، اصول اخلاقی
Morgue	place where dead bodies are kept until funeral	سردخانه ، مرده خانه ، آرشیو روزنامه
Morsel	a small bite; tiny amount	تکه کوچک ، مقدار کم
Mortal	deadly	فانی ، مردنی ، کشنده
Motion	movement	حرکت ، جنبش
Mount	get up on	بالا رفتن از
Mourn	feel or show sorrow for	سوگواری کردن ، ماتم گرفتن
Multitude	a great number	مقدار زیاد ، تعداد زیاد
Mumble	soak indistinctly	زیر لب سخن گفتن ، من من کردن
Municipal	of a city or state	وابسته به شهر داری ، شهری
N		
Narrow	thin; limited	باریک ، محدود
Negative	saying no; minus	منفی
Neglect	give too little attention to	بی توجهی کردن ، غفلت کردن
Negligible	insignificant	ناچیز ، جزئی
Neutral	on neither side of a quarrel or war	بیطرف ، خنثی
Nevertheless	in spite of that	علیرغم این موضوع ، با این حال
Nimble	quick in movement	چابک ، فرز
Nominal	in form, but not in substance	اسمی (نه واقعی) ، ظاهری
Nominate	appoint to an office	کاندید کردن ، معرفی کردن
Normally	typically; usually	معمولا ، به طور عادی
Notice	observe; to sense	ملاحظه کردن ، مشاهده کردن
Notion	concept	مفهوم ، فکر
Nourish	keep alive and healthy by giving food	غذا دادن ، تغذیه کردن
O		
Obesity	extreme fatness	مرض چاقی ، فربهی
Oblige	to have to do something	مجبور کردن

Observant	watchful	مراقبت ، شاهد
Observe	notice; to examine	ملاحظه کردن
Obstacle	impediment	سد ، مانع
Obtain	get; gain	به دست آوردن ، کسب کردن
Obvious	plain; not to be doubted	آشکار ، واضح
Obviously	evidently	به طور آشکار و معلوم
Occasionally	sometimes	گاهی اوقات ، بعضی مواقع
Occupant	person in possession of a house, office or position	ساکن ، مالک
Odd	strange; unusual	عجیب و غریب
Omit	neglect; to leave out	انداختن ، حذف کردن
Ongoing	current; continuing	در جریان ، مداوم
Opponent	person who oppose someone or something	مخالف ، ضد
Opposition	resistance	مخالفت ، مقاومت
Opt	select; choose or favor	انتخاب کردن ، ترجیح دادن
Oral	spoken; using speech	کلامی ، شفاهی
Outlandish	bizarre	عجیب و غریب
Outlaw	an exile; an outcast	غیرقانونی اعلام کردن، قانون شکن، یاغی
Overcome	conquer; to defeat	پیروزی یافتن بر، غلبه یافتن بر

P

Parole	word of honor	قول مردانه ، آزادی مشروط
Partial	not complete; not total	جزئی ، محدود
Partially	incompletely	تا حدی ، تا اندازه ای
Particle	fragment	خرده ، ذره
Particular	specific; unusual	مخصوص ، ویژه
Partisan	biased	طرفدار ، حامی
Pass	approve	تصویب کردن ، موافقت کردن

Patriotic	loving one's country	وطن پرست ، میهن دوست
Pattern	a regular, repeated arrangement or action	الگو ، نقشه
Pauper	a very poor person	فقیر ، بی چیز
Peculiar	strange; uncommon	عجیب و غریب
Pedestrian	walker	عابر ، پیاده
Penalize	set a penalty for	جریمه کردن
Penetrate	pierce	سوراخ کردن ، نفوذ کردن
Pension	regular payment that is not wages	حقوق بازنشستگی
Perceive	observe; to sense	درک کردن ، مشاهده کردن
Peril	danger	خطر
Perilous	dangerous; harmful	خطرناک
Periodically	sometimes	گاهی اوقات
Perish	die, be destroyed	از بین رفتن ، هلاک شدن
Persist	continue firmly	ادامه داشتن ، اصرار کردن
Persistent	constant; continuous	پایدار ، همیشگی ، دائمی
Persuade	convince	متقاعد کردن ، وادار کردن
Petition	appeal	درخواست ، درخواست کردن
Phenomena	events	پدیده ، اتفاق
Philanthropic	humanitarian	بشر دوستانه
Pier	dock	اسکله ، پایه پل
Pierce	penetrate	سوراخ کردن ، نفوذ کردن
Pioneer	one who goes first or prepare a way for others	پیشگام ، پیشقدم
Placard	poster	پلاکارد ، اعلامیه رسمی
Placid	calm; quiet	آرام ، راحت
Plea	request; appeal	دادخواست ، تقاضا
Pledge	promise	قول ، عهد ، پیمان
Plentiful	abundant	فراوان ، بسیار
Poll	survey; questionnaire	بررسی ، نظر سنجی

Pollute	make dirty	کثیف کردن ، آلوده کردن
Ponder	consider carefully	اندیشیدن ، فکر کردن
Popular	liked by most people	محبوب ، مشهور
Population	people of a city or country	جمعیت
Portray	depict; to act	به تصویر کشیدن ، مجسم کردن
Position	location; job	موقعیت ، شغل
Possible	able to be done	شدنی ، ممکن
Postpone	delay	به تاخیر انداختن
Potent	powerful; very strong	نیرومند ، قدرتمند
Potential	that may become so	توان ، استعداد ، بالقوه
Practical	functional	کاربردی ، عملی
Precarious	hazardous; not safe	خطرناک
Precaution	foresight	احتیاط ، پیش بینی
Precede	go before; come before	مقدم بودن بر ..قبل از... بودن
Precious	cherished; beautiful	نفیس ، پرارزش
Preconception	opinion formed in advance without knowledge	تصور ، تعصب
Predict	tell before hand	پیشگویی کردن
Predictable	expected	قابل پیش بینی
Predominant	principal	غالب ، اصلی
Prejudice	unfair feeling	تعصب ، غرض ، آسیب
Preoccupied	took up all the attention	مشغول کردن ، مجذوب کردن
Preserve	protect; keep safe	نگهداشتن ، حفظ کردن
Prophetic	correctly telling about future events	پیشگویانه ، آینده نگرانه
Proportions	dimensions	تناسب ، نسبت ، بعد ، اندازه
Propose	suggest	پیشنهاد کردن
Prosecute	follow up; carry on	ادامه دادن ، تعقیب کردن
Prosper	be successful	کامیاب شدن ، موفق
R		

Rapid	swift; very quick	خیلی سریع ، تند
Rarely	seldom; not often	به ندرت
Rash	red spot on the skin caused by illness	جوش ، تند ، نسنجیده
Rave	talk wildly	هزیان گفتن ، چرند گفتن
Reaction	response	واکنش ، پاسخ
Readily	freely; easily	به آسانی ، با میل
Recede	withdraw; move back	کنار کشیدن ، عقب کشیدن
Recent	occurring not long ago	تازه ، جدید
Reckless	heedless; careless	بی دقت ، بی ملاحظه
Recline	stretch down; lean back	دراز کشیدن ، لم دادن
Record	register; to copy	ثبت کردن ، ضبط کردن
Recover	retrieve; to get back	باز یافتن ، دوباره به دست آوردن
Redeem	pay off; buy back	پس گرفتن ، باز خریدن
Refer	hand over	ارجاع دادن ، اشاره کردن
Refine	to perfect; to make pure	تصفیه کردن ، خالص کردن
Reflection	image	انعکاس ، تصویر
Reform	improve	احیاء ، بازسازی
Refrain	hold back	خودداری کردن
Rehabilitate	restore to good condition	بازسازی کردن ، احیاء کردن
Reject	refuse to accept	رد کردن ، نپذیرفتن
Relate	tell; give an account	شرح دادن ، ربط داشتن
Release	free; to give freedom	رها کردن ، آزاد کردن
Reliably	dependably	به طور قابل اعتماد
Relieve	make less; make easier	تسکین دادن ، آسوده کردن
Relinquish	abdicate	از دست دادن ، ترک کردن
Reluctant	unwilling	بی میل
Reluctantly	unwillingly	با بی میلی ، از روی اکره
Remarkable	worthy of mention	قابل توجه ، عالی
Renown	prominence; fame	آوازه ، شهرت

Repetition	repeating	تکرار
Replace	substitute	جایگزین کردن ، جابه جا کردن
Reportedly	to know by report	ظاهراً ، بر اساس شایعات
Reptile	animal such as a snake, with blood that changes temperature	خزنده
Requisite	demand	مورد نیاز ، لازم
Resent	feel injured and angered	رنجیدن از ، خشمگین شدن از
Resign	yield; give up	کناره رفتن ، استعفا دادن از
Resilient	tenacious	محکم ، مقاوم
Resist	oppose; act against	مخالفت کردن ، مقاومت کردن
Respond	answer; react	پاسخ ، واکنش ، پاسخ دادن
Restore	revitalize	برگرداندن ، تقویت کردن
Resume	go on; begin again	خلاصه ، خلاصه کردن ، دوباره آغاز کردن
Retain	keep; remember	نگهداشتن ، حفظ کردن ، به خاطر آوردن
Retrieve	recover	دوباره به دست آوردن ، بازیافتن
Reveal	disclose; make known	آشکار کردن ، فاش کردن
Revise	alter; change	تجدید نظر نمودن ، اصلاح کردن
Revive	bring back to life	به هوش آمدن ، احیاء کردن
Rival	person with whom one compete	رقیب ، حریف
Rhythm	a regular pattern usually in music	وزن ، آهنگ
Ridge	crest	برآمدگی ، مرز
Rigid	stiff; firm	سفت و سخت ، محکم
Roam	wander	پرسه زدن ، گردش کردن
Robust	energetic; in good shape	قدرتمند ، قوی
S		
Scarce	rare; hard to get	نادر ، کمیاب
Scarcely	hardly; almost not	به ندرت ، به سختی

Scattered	spread out widely	پراکنده کردن ، پخش کردن
Scenic	picturesque	صحنه ای ، نمایشی
Scorch	burn slightly; dry up	سوزاندن ، شدیداً انتقاد کردن
Scowl	frown	اخم کردن
Security	state of being secure	ایمنی ، امنیت
Selective	carefully chosen	به گزین ، برگزیده
Sensitive	easily hurt or offended	حساس ، ضربه پذیر
Settle	colonize	ساکن شدن ، اقامت گزیدن
Severe	intense; harmful	سخت ، شدید
Severity	harshness; violence	شدت عمل ، خشونت
Shallow	superficial	کم عمق ، آب سطحی
Sharply	quickly	به سرعت ، سریعاً
Shed	discard; to give out	ریختن ، انداختن
Sheltered	protected from harmful element	مطمئن ، ایمن
Shift	switch	انتقال ، تغییر جهت
Shriek	scream	جیغ ، جیغ زدن
Shrill	having a high pitch	تیز ، صدای تیز
Signify	mean; be a sign of	دلالت کردن بر ، معنی دادن
Sinister	wicked; evil	شوم ، شیطانی
Site	position or place	جا ، محل
Situated	located	واقع ، قرار داشته در
Skim	remove from the surface of a liquid	کف یا سرشیر گرفتن ، سطحی خواندن
Slender	long and thin	باریک و بلند ، قلمی
Sneer	a scornful look or remark	نیش خند ، تمسخر ، مسخره کردن
Snub	cold treatment	حال کسی را گرفتن
Soar	aspire	بلند پروازی کردن ، بالا رفتن
Solid	steady; firm	جامد ، سفت
Solitary	alone; single	تنها ، مجرد ، منزوی

Solve	resolve	حل کردن ، رفع کردن
Somewhat	slight; a little	مقدار کمی ، تا اندازه ای
Sooth	quiet; calm; comfort	آرام کردن ، تسکین دادن
Source	where something comes from	منبع ، منشاء
Spacious	expansive	وسیع ، جادار
Span	cover; to cross	محدوده ، گستره
Spontaneous	unplanned	خود به خود ، خود جوش
Sporadic	erratic; irregular	مقطعی ، دوره ای
Spouse	husband or wife	همسر ، شوهر
Squander	waste; spend foolishly	به باد دادن ، تلف کردن
Stationary	having affixed station	ثابت ، غیر متحرک
Steady	constant	پایدار ، ثابت
Stream	river; a pouring out	جویبار ، نهر
Striking	remarkable	برجسته ، قابل توجه
Submit	propose; to turn in	تحویل دادن ، پیشنهاد کردن
Subsequent	later; following	بعدی ، بعد
Subsequently	afterwards	در ادامه ، سپس
Subside	sink to a lower level	نشست کردن ، فروکش کردن
Substantial	significant	مهم ، اساسی
Suffer	endure; to experience pain	رنج بردن ، تحمل کردن
Sufficiently	adequately; enough	به قدر کافی
Suitable	appropriate; convenient	در خور ، مناسب
Summit	top; highest point	قله ، اوج
Superficial	shallow; simple	ساده ، سطحی
Superior	exceptional	عالی ، فوق العاده
Supposedly	according to reports	ظاهراً ، از قرار معلوم
Surpass	excel; be better than	پیش افتادن از ، بهتر بودن از
Surplus	excess; extra	اضافه ، مازاد
Survive	live longer than	زنده ماندن ، دوام آوردن

Suspect	speculate	تردید داشتن ، شک کردن
Sustained	consistent	دائمی ، پایدار
Swarm	crowd or great number	گروه ، ازدحام کردن ، شلوغ شدن
Swift	fast; quick	سریع ، چابک
T		
Tempest	violent storm	توفان ، تند باد
Tempt	persuade to do sth wrong	وسوسه کردن ، اغوا کردن
Tendency	leaning	گرایش تمایل
Terrifying:	frightening	ترسناک ، وحشتناک
Theoretically	hypothetically	از نظر تئوری
Theory	statement intended to explain a fact or event	تئوری ، فرض علمی
Thorough	complete	کامل ، جامع
Threat	sth regarde as a danger	تهدید ، ترساندن
Thrifty	saving; thriving	صرفه جو ، مقتصد ، خانه دار
Thrust	push with force	فرو کردن ، چپاندن
Tightly	being fixed in place	به طور محکم ، به طور سفت
Toil	hard work	تلاش ، تلاش کردن
Topic	subject for something	عنوان ، موضوع
Torment	very great pain	زحمت ، عذاب ، عذاب دادن
Torrent	violent rushing stream	سیل ، سیلاب
Toxic	poisonous; harmful	زهری ، سمی
Tradition	opinion, custom, ect, passed down from the past to the present	رسم ، سنت
Tragedy	serious play that ends sadly	تراژدی ، مصیبت
Traitor	someone disloyal especially to his country	خائن ، وطن فروش
Tranquility	peacefulness; calm	آرامش ، آسودگی
Transmit	sent over; pass on	فرستادن ، پراکندن
Transparent	clear and certain	شفاف ، پیدا

Transport	carry	ترابری کردن ، حمل کردن
Trap	retain, deceive	به دام افتادن ، فریب خوردن
Treasury	a collection of valued things	خزانه داری ، گنجینه
Trifle	something of little value	بی اهمیت ، خیلی کم ، جزئی
Triumph	achievement; victory	موفقیت ، پیروزی
U		
Unbiased	objective	بی غرض ، بدون تعصب
Undeniable	not to be denied	غیر قابل انکار ، مسلم
Undeniably	clearly true	به طور مسلم ، به طور غیر قابل انکار
Underdog	person having the worst of any struggle	توسری خور ، مظلوم
Underestimate	set to low value	ناچیز پنداشتن ، دست کم گرفتن
Undernourished	not sufficiently fed	سوء تغذیه ، دچار سوء تغذیه
Undoubtedly	certainly	یقیناً ، بدون شک
Unearth	dig up; discover	کشف کردن ، از زیر خاک در آوردن
Uneasy	anxious; disturbed	ناراحت ، مضطرب
Uneventful:	without important or striking happenings	عادی ، یکنواخت
Unforeseen	unexpected	پیش بینی نشده
Uniform	consistent	یکنواخت ، یکسان
Unify	unite; make or from into on	هم شکل کردن ، متحد کردن
Unique	rare; special	بی نظیر ، ویژه
Unite	join together	متحد شدن ، یکی شدن
Unlikely	doubtful; not probable	مورد تردید ، غیر محتمل
Unmistakable	indisputable	مسلم ، اشتباه نشدنی
Unravel	to organize; to make clear	حل کردن ، تفکیک شدن
Unruly	hard to rule and control	سرکش ، یاغی
Unstable	not firmly fixed	نا استوار ، بی ثبات

Untidy	not neat; in order	نا مرتب ، نامنظم
Unwarranted	unjustified	غیر قابل توجیہ ، نامناسب
Upholstery	covering and cushions for furniture	پردہ ، مبل ، پردہ فروشی ، رویہ مبل
Urban	of towns	شہری
Urgent	that must be dealt with at once	فوری ، ضروری
V		
Vain	admiring oneself too much	خود بین ، بیهوده ، عبث
Valiant	brave; courageous	دلاور ، شجاع
Valid	that can legally be used	معتبر ، با ارزش
Valor	bravery; courage	دلیری ، شجاعت
Vandal	person who destroys Beautiful or useful things	خرابکار ، ویرانگر
Vanish	disappear	ناپدید شدن ، غیب شدن
Vanishing	disappearing	ناپدید شدن ، از بین رفتن
Vapor	fog; mist	بخار ، مه بخار دادن
Varied	diverse	گوناگون ، متنوع
Variety	lack of sameness	گوناگونی ، تنوع ، تعداد
Vast	enormous; huge	پہناور ، عظیم
Vein	mood; tube carrying blood back to the heart	حالت ، سیاهرگ ، ورید
Ventilate	change the air in	پاک کردن ، تصفیہ کردن
Venture	to expose to risk	به خطر انداختن ، ریسک کردن ، ریسک
Verdict	decision of a jury	رای ، نظر
Verify	confirm; prove to be true	رسیدگی کردن ، اثبات کردن
Vermin	animals that do damage	حشرات و جانوران موذی
Verse:	writing in the form of poetry	شعر ، نظم ، آیه
Vertical	straight up and down with reference to the horizon	عمودی ، قائم

Vessel	a ship; a hollow container	کشتی ، مجرا
Vibrant	lively; powerful	سرزنده ، پر جنب و جوش
Vicinity	neighborhood	نزدیکی ، مجاورت
Vicious	wicked; evil	شرور ، بدکار
Victorious	conquering	پیروز ، فاتح
Vigor	active strength or force	قدرت ، نیرومندی
Vigorous	strong; powerful	نیرومند ، پر زور
Villain	a very wicked person	بد ذات ، آدم پست
Violent	acting or done with strong, rough force	خشن ، خشونت آمیز
Visible	able to be seen	مرئی ، پیدا
Visibly	noticeably	به طور مرئی ، به طور قابل ملاحظه
Vision	power of seeing	قدرت بینایی ، بینایی
Vital	lively; indispensable	حیاتی ، وابسته به زندگی
Vocation	occupation; business	کار ، شغل
W		
Wanton	done without thought	کنترل ناپذیر ، بی بند و بار
Warden	keeper; guard	سرپرست ، نگهبان
Wary	cautious	بسیار محتاط ، مراقب
Wasp	black and yellow bee-	زنبور
Weak	ineffective; not strong	ضعیف ، غیر موثر
Weary	tired	بیزار ، خسته
Weird	mysterious; unearthly	غیر طبیعی ، موموز
Wharf	place where ships are tied up to unload and load goods	اسکله ، بارانداز
Whirling	spinning	چرخیدن ، چرخاندن
Wholesale	in large quantity	عمده فروشی
Wide	broad	وسیع ، گسترده
Widespread	extensive	گسترده ، همه جانبه
Wisdom	insight	دانش ، بصیرت

Withstand	survive; to persist	مقاومت کردن ، تحمل کردن
Witticism	humor; to joke	لطیفه ، شوخی
Witty	cleverly amusing	بذله گو ، بامزه
Wobble	move unsteadily from side to side	تلو تلو خوردن ، لرزان بودن ، مردد بودن
Woo	try to gain something	به دست آوردن ، کسب کردن
Worthwhile	rewarding	ارزشمند ، با ارزش

نمونه سوالات آزمون EPT

In each of the questions 1-447 four words or phrases are underlined and marked A,B,C,D. identify the one underlined word or phrase that must be changed or written in order for the sentence to be correct.then,mark the corresponding letter in your answer sheets.

در هریک از جملات 1-447 زیر چهار لغت یا عبارت خط کشیده شده است و با الف، ب، ج، د مشخص شده است. کلمه یا عبارت خط کشیده را که باید تغییر یابد یا دوباره نوشته شود تا جمله صحیح گردد را مشخص نماید و سپس حرف مربوطه را در پاسخنامه تان علامت بزنید.

1- Industrialist Henry Ford introduced assembly-line techniques

A B
into the manufacturer of motor vehicles.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم + of + اسم + the

در این جمله بجای اسم فاعل (manufacturer = سازنده) باید از اسم (manufacturing = ساخت) استفاده کرد.

2- A manifest is an itemizing list of the goods or passengers a vessel is carrying.

A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

بجای itemizing باید از صفت آن یعنی itemized استفاده شود، زیرا:

اسم + صفت + an → an itemized list

3- Linoleum is a trade name for the waterproof floors covering

A B
most often used in kitchens.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Floors باید تبدیل به Floor شود زیرا فاعل و فعل یعنی linoleum is مفرد است.

4- The computer exhibition in Southampton was well worth a visit, and I would recommend it to anyone interesting in computers.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

Interesting (جالب توجه) صفت مبتنی بر وجه وصفی معلوم باید تبدیل به interested (علاقه مند) صفت مبتنی بر وجه وصفی مجهول گردد.

5-The citizens of a democracy take part in government either directly as of government and indirectly by voting in elections.

A

B

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

بجای either...and باید از either...or استفاده شود.

6-Margaret Fuller was not active in the women's-rights movement,but she asking for a fair chance for women in her book, woman in the Nineteen Century.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

She asking → اسم مصدر+فاعل → غلط

She asked for → فعل+فاعل → صحیح

7-Most cities major the United States have at least one daily newspaper.

A

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

Cities major → صفت+اسم → غلط

Major cities → اسم+صفت → صحیح

8-The survival of a forest depends not only amount of annual rainfall it receives,

A B
and also on the seasonal distribution of the rain.
C D

گزینه (C) غلط است.
توضیح:

غلط → Not only....and also

صحیح → Not only....but also

9-James Farmer, an American civil rights leader, he helped establish the

A B
Congress of Racial Equality, an organization that is dedicated to the principle of
nonviolence. C D

گزینه (B) غلط است.
توضیح:

غلط → فعل + فاعل + فاعل → James Farmer.....he helped

صحیح → فعل + فاعل → James Farmer.....helped

10-A merger is a combination of two or more businesses down below a single
A B C D
management.

گزینه (C) غلط است.
توضیح:

غلط → Down below

صحیح → Down or below

آوردن دو کلمه مترادف پشت سرهم اشتباه است بلکه باید یکی از آن دو را انتخاب کرد.

11-In its simplest form, a transformer is composed of two coils of wire placed
A B
together without no wires actually in contact.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Without no

صحیح → With no

12-The greatest natural resource of the state of North Dakota is their fertile
A B C
farmland.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

باید بین فاعل و ضمائر فاعلی و صفات ملکی مربوط به آنها مطابقت وجود داشته باشد:

Its → resource(it)

Their → resources(they)

13- The doctrine of eminent domain is based on legal tradition that all real
A B
property is subject to the control of the state.
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

غلط → Is based

صحیح → Is based on

14-In a controversial eating guide entitled Are you Hungry? Jane Hirschmann
A B
and Lela Zaphiropolous argue that children instively know what foods are good
for selves.
C D

گزینه (D) غلط است.

غلط → Selves

صحیح → Themselves

15-Bats rely to their hearing to navigate and to find food at night.
A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

غلط → Rely to

صحیح → Rely on/upon

16-Once an important port of entry for immigrants to the United States, Ellis

A

B

Island recent reopened its great hall as a museum of immigration.

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Recent reopened → فعل + صفت → غلط

Recent reopened → فعل + قید → صحیح

17-Eve year Coloorado is visited by millions of tourists who come for a varie of

A

B

C

reason.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اصطلاح for a variety of reasons یعنی به دلایل مختلف.

اسم اشياء مفرد + variety of → غلط

اسم اشياء جمع + variety of → صحیح

He resigned for a variety of reasons.

18-The energy needed for animal grow is derived primarily from

A

B

C

D

carbohydrates and fats.

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

animal grow فعل + (نقش صفت) اسم → غلط

animal growth → اسم + (نقش صفت) اسم → صحیح

19-Countries tend to specialize in the production and export of those

A

B

goods and services that it can produce relatively cheap.

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

It → ضمیر مفرد + اسم جمع → غلط

They → ضمیر جمع + اسم جمع → صحیح

20-Antique auctions have become popular in the United states because

A B
a steadily increasing awareness of the investment value of antiques.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

because+ (جمله کامل +فاعل +فعل...)
because of+ فعل/اسم/عبارت اسمی

21-Alike an insect ,the crustacean in an arthropod, an animal with

A
jointed legs and an exoskeleton,a supportive covering for its body.
B C

گزینه (A) « غلط است.

توضیح:

اسم + like

اسم مفرد + like + فعل مفرد + اسم مفرد

Alike + to be /افعال ربطی

Alike + افعال ربطی جمع / are + اسم جمع

22-Bricks are made from clay that is processed into a workable

A
consistency,form to standard sizes,and then fired in a kiln.
B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

طبق توالی زمانها و and که پیوند دهنده دوزمان یکسان است یعنی:

غلط → Is processed...form and fired

صحیح → Is processed...form and fired

(بافعل کمکی محذوف)

23-Her speech at the world s Columbian Exposition in Chicago in

A B
1893 brought Fannie Barrier William local and nation recognition.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

Nation recognition → اسم + اسم + and + صفت → غلط

National recognition → اسم + صفت + and + صفت → صحیح

24- A paragraph is a portion of a text B consists of one or more C sentences

D related to the same idea.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

غلط → Consists of

صحیح → Consists of

25- A A deficient of folic acid is B rarely found in humans C because the vitamin is

contained D in a wide variety of foods.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

غلط → A + صفت A deficient

صحیح → A + اسم → A deficiency

اسم + (صفت) + OF + اسم + (صفت) + A

26- Industry A utilize the gaseous B element xenon when C developing specialized

flashlights and other D powerful lamps.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

تطابق فعل با فاعل:

فعل باید از نظر جمع و مفرد بودن با فاعل خود مطابقت داشته باشد.

Industry utilize فعل جمع + مفرد → غلط

Industry utilizes فعل مفرد + فاعل مفرد → صحیح

27- some A types of ferns B resemble trees and some are C too small that they

D look like moss.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

That + صفت + too → غلط

That + صفت + so → صحیح

(فعل + to + 1) مصدر + صفت + too

28- Made of sealskin stretched over a framework of whalebone or

A

driftwood, an Eskimo kayak is complete enclosed except for the

B

C

opening in which the paddler sits.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Completed → صفت + صفت + be → غلط

Completely → صفت + قید + be → صحیح

29- Our urge to classify different life forms and give us names seems

A

B

C

to be as old as the human race.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Us names → اسم + ضمیر مفعولی → غلط

Their names → اسم + صفت → صحیح

30- For a long time cotton ranked first between Alabama's crops, but

A

B

today it accounts for only a fraction of the agricultural production.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح: production: باید تبدیل به جمع یعنی productions شود.

31- Coconut oil produces a soap whom will lather in salt water as well as fresh.

A

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح :

Whom + اسم اشياء → غلط

Which + اسم اشياء → صحيح

32-A tornado traveled usually in a north easterly direction ,at a speed
A B
in the range of 35 to45 miles an hour, and is preceded by heavy rain.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح :

North easterly → غلط

North eastern → صحيح

33-Charles Darwin was the first to maintain that all animal and plant life on
A B
earth had evolved and was descent from a few, simple forms of the past.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح :

All animal and plant lifewas → غلط

All animal and plant lifewere → صحيح

34-some gestures, such as methods of counting nor insulting vary
A B
from society to society and are clearly learned.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح :

Nor insulting → غلط

And insulting → صحيح

برای بیان وربط دادن دوجمله به هم از and استفاده می شود.

35-The well-known architect, believed that a home should be useable both as a
A B C
beautiful structure.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Both باید حذف شود چون بعد از آن یک جمله موازی با خودش باید بیاید.

36-Shark can maneuver considerably faster than other fish because they have no
A B C D
bones.

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

Shark باید جمع بسته شود زیرا مقایسه بین حرکات کوسه ها و ماهی ها می باشد.

37-Dinosaurs are classified as reptiles, although some appear to have
A B C
been warms-blooded.
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Warm blooded

صحیح → Warm blooded

38-Dreaming, like all other mental processes, it is a product of the brain
A B C
and its activity.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Dreaming.....itis → فعل + فاعل +.....+ فاعل → غلط

Dreaming.....is → فعل → فاعل +.....+ فاعل → صحیح

39-pelicans have a long straight bill with a flexble pouch makes of
A B C
skin on the underside.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

غلط → Makes

صحیح → Made

40-Homes that have cable television get their programs from a local television station throw a cable connected with the set.
A B
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Connected with

صحیح → Connected to

41-Frogs get much of their oxygen by means blood capillaries in the surface of the skin.
A B C
D

گزینه (B) « غلط است.

توضیح:

By means همیشه با حرف اضافه of همراه می باشد.

by means of = بوسیله

42-The alcohol acts as a narcotic on the nervous system and the brain.
A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

با کلمه alcohol حرف تعریف the بکار نمی رود.

43-Thermo graphs are special pictures that show the variation in heat emitted by different areas of body.
A B C
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Different ...of

صحیح → Different.....from

44-The sahara Desert in Africa is by far the most large desert in the world, covering an area nearly as big as the United states.
A B
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

صفت عالی یک سیلابی = اسم + in + est + صفت + the
صفت عالی چندسیلابی = اسم + in + صفت + the most

غلط → The most large

صحیح → The largest

45-The central core of the earth is made of both very hot or dense material.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

غلط → Both.....or

صحیح → both.....and

46-Insufficient protein in the diet may cause a lack of energy student

A

B

growth, and lowering resistance to disease.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Resistance to

صحیح → Resistance of

47-The keyboard with alphabet keys is enough easy to use to give program

A

B

C

D

instructions to the computer.

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Easy enough to use = مصدر + enough + صفت

48-Lichens can survive extremes of heat, cold, and dry.

A

B

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + and + اسم + of + اسم

غلط → dry (صفت)

صحيح → dryness (اسم)

49-Herman Melville's work, which is complexity, philosophical, and humorous, is recognized as one of the most astonishing achievements in all American literature.

A

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

And پیوند دهنده دو کلمه یکسان است. در این جمله پیوند دهنده سه صفت است.

صفت + and + صفت +، + صفت

غلط → complexity (اسم)

صحيح → complex (صفت)

50-when actively hunting, a dolphin sends out transmitting about five signals every second.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

استفاده از دو کلمه مترادف پشت سرهم در یک جمله زائد است و باید transmitting حذف شود.

51-Certain bacteria can capture light energy and used it to make food.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

And پیوند دهنده دو کلمه یکسان می باشد که اگر این دو کلمه فعل باشند باید از لحاظ زمان هم یکسان باشند.

غلط → Can...and used

صحيح → Can...and use

52-The earth is the only planet with a large number of oxygen in its atmosphere.

A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

چون در اینجا مقدار را می خواهد و اکسیژن قابل شمارش نیست به جای number باید amount بیاید.

53-Birds have a poor sense of smell but very good hearings end eyesight.

A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

And اگر بیونددهنده دو اسم باشد آن دو اسم از لحاظ مفرد و جمع بودن باید با هم مطابقت داشته باشند یعنی یا هر دو مفرد باشند یا هر دو جمع.

غلط → Hearings and eyesight

صحیح → Hearing and eyesight

54-Most species of pigeons live in flocks, and many of the flocks consist more

A B C

than one species.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

کلمه consist همیشه همراه حرف اضافه of می آید.

55-During the 1850s many people began to experiment with the artist

A B C D

possibilities of photography.

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

غلط → possibilities (اسم) artist (اسم)

صحیح → artistic (صفت) possibilities (اسم)

56-Parachuting is the art of jumping successfully out of airplanes with the aid of

A

a special canopy, and began as a dangerously wartime service for which

B C

volunteer soldiers received special training and rewards.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Jumping successfully → قید + اسم → غلط
Successful jumping → اسم + صفت → صحیح
قید + فعل

57-The company management was genuine sorry that it had to turn down one of the scientist's best ideas, but unfortunately there just was not enough money to develop it properly.

A B
C
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

قید + فعل

Be genuinely

58-The council made a declaration to the effect that the town center would be beautified so to serve in future as a local attraction.

A B
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

so to باید تبدیل به so as to (تا) شود.

59-The letter to my mother which I posted it over a week ago has not yet reached her.

A B C
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح: در اینجا it به letter برمی گردد و لزومی ندارد دوباره آن را برای اشاره به اسم در جمله ذکر کنیم بنابراین می توان آن را حذف نمود.

60-Geologists know that earthquakes happen because of changes in the earth's crust and also that the majority of earthquakes are tiny movement with no noticeable effect.

A
B
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح: بخاطر فعل جمع movements, are باید تبدیل به movements شود.

61-If you wanting to come with me, you better hurry because I have got to
A B C
be leaving in the next minute or two.
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

قسمت اول فعل + have(got)to+ فاعل+.....+زمان حال ساده +فاعل +if

Wanting → غلط

Want → صحیح

62-Our schedule schedule consists of there hours of history lectures
A B
,followed by some other activities in the football's stadium.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

Football's stadium → غلط

Football stadium → صحیح

S مالکیت برای جاندار بکارمی رود درحالیکه football بی جان می باشد.

63-You should remember that you fly to Tehran on Monday and from
A B
here you have to go on to shiraz.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

باتوجه به معنا، here باید تبدیل به there شود.

64-After the social science lecture all students are invited to take parts
A B
in a discussion of the issues which were raised in the talk.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

قسمت اول فعل invite+ to+

غلط → Take parts in

صحیح → Take part in

65-Scientists can detect when someone is dreaming by using an

A

B

electroencephalograph, a machine that registers difference brain waves in a sleeping individual.

D

C

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

غلط → Difference brain waves

صحیح → Different brain waves

66-students are expected to attend classes regularly, make their home

A

B

work conscientiously, and dress appropriately for classes.

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

فعل مخصوص به do, homework است نه make.

غلط → Make homework

صحیح → do homework (تکالیف را انجام دادن)

67-The boiled point of any liquid is determined by the pressure of the

A

B

C

surrounding gases.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم + اسم

غلط → boiled (جوشیده) Point

صحیح → boiling (جوش) Point

68-The plan had been to go either walking or swimming but the weather
A B
was so bad that they did not go some where.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

جمله منفی (did not)+somewhere → غلط

جمله منفی (did not)+anywhere → صحیح

69-Farm animals have been regardless by nearly all societies as a
A B
valuable economic resource.
C D

گزینه (B) غلط است

توضیح: چون فاعل مجهول است فعل باید بصورت مجهول باشد یعنی regarded و نه صفت یعنی
regardless.

70-clocks not only measure and tell time but also serve as decorated in
A B C
homes and other buildings.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح: decorated صفت است. در اینجا ساعت برای تزئین بکاررفته و به اسم نیاز است یعنی decoration.

71-Although Phil and Joe did their best. The team still lost the city wide
A B C
championship.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

در اینجا still یکی از نشانه های حال کامل می باشد.

Still: (هنوز، با این حال)

1- در جملات مثبت و سوالی بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی قرار می گیرد.

2- در جملات منفی قبل از فعل کمکی و اصلی قرار می گیرد.

Still lost → غلط

Hast still lost → صحیح

72-why did he did it no one knew?

A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

قسمت اول فعل + did

غلط → Did...did

صحیح → Did.....do

73-During the current year, I bought a new book every month.

A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

قیدزمان + every + فعل زمان حال ساده + فاعل

غلط → Bought

صحیح → Buy

74-when we returned home, it was most dark.

A B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Most باید تبدیل به very شود. زیرا most صفت است و احتیاج به اسم دارد.

اسم + most

صفت + very

75-Clearly a malfunction of a nuclear reactor is more serious than a steam engin

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

قبل از malfunction حرف تعریف a لازم نیست.

76-All member of the animal kingdom require oxygen ,water and to eat food

A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

And پیونددهنده دو کلمه یکسان است و چون ماقبل آن اسم آمده بنابراین بعد از آن هم باید اسم بیایدنه فعل.

اسم + and + اسم

غلط → Water and to eat food

صحیح → Water and food

77-The modern steam engine was first use to facilitate the mining of coal.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Use to باید تبدیل به used to شود.

78-A primary color is it which cannot be made by mixing other colors.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

It باید تبدیل به one (ضمیر) شود. در اینجا one جایگزین color است.

نقش فاعلی و مفعولی → ضمیر/فعل + which + اسم غیر انسان

79-How many people living today are enough old to remember the

A

B

C

appearance of Halley's comet in 1910?

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Enough + صفت

غلط → Enough old

صحیح → Old enough

80-Among pure pharmaceuticals, the earliest to be isolated from

A

B

natural sources they were the alkaloids.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح: جمله دارای فاعل می باشد و احتیاجی به ضمیر فاعلی they نیست.

81-Linseed all exposed to airs forms a rubbery film.

A

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

air اسم غیر قابل شمارش بوده و جمع بسته نمی شود.

82-when saw near the horizon,the Moon appears strikingly larger than

A B

C

when viewed overhead.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

Saw باید تبدیل به see شود.

حال ساده + when + حال ساده

حال ساده ، حال ساده + when

83-In the beginning people only used computers to do complicated

A

B

C

scientific calculations.

D

گزینه «(D) غلط است.

توضیح:

قبل از اسم به صفت احتیاج داریم و صفت science کلمه scientific است.

84-Even supermarkets they use computers to speed up the checkout process

A

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح: بعد از فاعل احتیاج به فعل است. باید ضمیر فاعلی they حذف شود.

Supermarkets they use فعل + فاعل + فاعل → غلط

Supermarkets use فعل + فاعل → صحیح

85-Maybe someday,the professor which answer your questions will be

A

B

C

an intelligent computer.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

فعل + who + انسان

Which → غلط

Who → صحیح

86-The emphasis on career education in the 1970, had a profound
A B C
effect at the American educational system.
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

(effect on sb /sth) یک اصلاح بوده و به معنای اثر داشتن بر روی چیزی.

87-They effected other countries in the world as well.
A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

1- affect- اثر گذاشتن، تاثیر گذاشتن فعل است.

2- effect- اثر و تاثیر اسم است.

فعل + فاعل

Effectd → غلط

Affect → صحیح

88-The purpose of this paper is to compare these changes in the
A B
educational systems of United states and Brazil.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

قبل از کشورهای مرکب یا جمع مثل United states حرف تعریف the بکار می رود.

89-Americans and Brazilians regarded career educational as the
A B
solution to the oldest of problems: education for the poor.
C

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Educational صفت است که باید تبدیل به اسم یعنی education شود زیرا هیچگاه صفت بعد از اسم نمی آید.

اسم + صفت

اسم + اسم

90-The necessity to having better skills to work in industry is critical for them.

A

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم یا ضمیر مفعولی + necessity + of/for

necessity + مصدر (to+1)

مصدر + اسم یا ضمیر مفعولی + necessity + for

91-The only wealth transfer that can be prevent by inheritance tax is that of

A

B

C

physical or financial assets.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل اصلی + P.P + be + can

92-The club has already attracted corporate membership from some of

A

B

C

the best known investment houses in the city.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

membership → Members

93-No one except the graduate assistant understood the results of the

A

B

C

experiment in the chemical lab.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + اسم

غلط → Chemical

صحیح → Chemistry

94-Astronauts have been subjected to the most rigorous trainee that
has ever been devised for human beings.

A B D

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

trainee Train

Train به معنای کارآموز و کارورز می باشد.

95-It is generally believed that a company who advertises extensively
Experiences a large increase in its profit.

A B C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Which + اسم اشياء

96-Because the rapid development of the working situation in the
factory ,the quality of the products has also been increased.

A B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

because of+ اسم یا گروه اسمی

97-sociologists are trying to explain the main reason for the recent
crimes in the area in the year to come if the present events will continue.

A B C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

If(continue) → آینده ساده +جمله زمان حال ساده +if

جمله بعد از If هیچگاه نمی تواند بصورت آینده باشد.

98-Major companies maintain large advertising budgets so that can compete
successfully against other companies.

A B

C

D

گزینه (B) صحیح است.

توضیح:

(مفعول + فعل + فاعل) جمله + so that + جمله

بنابراین باید بگوئیم . so that they

99-It is believed that there mangy species of insects that exists in most parts
A B C D
of the world.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Exit → فعل جمع + فاعل جمع

100-Teachers who suggest research tonics during the course are
A B C
generally better regarded by their students that those who don't.
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

Better + than+(sentence)noun phrase صفت تفصیلی

101-The first electric lamp had two carbon rods from which vapor
A B
serves to conduct the current across the gap.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

طبق تطابق زمانها فعل دوم (serves) باید گذشته (served) باشد.

غلط → Had....serves

صحیح → Had.....served

102-Although we are concerned with the problem of energy sources,
A
we must not fail recognizing the need for environmental protection.
B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

fail+ مصدر (to+1)

غلط → Fail recognizing

صحیح → Fail to recognize

103-The information officer at the bank told his customer that there was several
A B C D
different kinds of checking accounts available.

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

There were several kinds → اسم جمع + several + فعل جمع

104-whoever inspected this radio should have put their identification number
A B C D
on the box.

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

ضمیر مبهم whoever با صفات ملکی مفرد می آید.

اسم + ...his, her+ whoever

105-After the team of geologists had drawn diagrams in their note books and
A
wrote explanations of the formation which they had observed, they resumed
B C
to their camp side to compare notes.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

گذشته ساده +،+ گذشته کامل + and+ گذشته کامل + After+

غلط → Wrote

صحیح → Had written

106-If it receives enough rain at the proper time, hay will grow quickly as grains.
A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح: like برای مقایسه بین دو اسم بکار می رود.

اسم + like + اسم

غلط → As grains

صحیح → Like grains

107-An unexpected raise in the cost of living as well as a decline in employment opportunities has resulted in the raid creation by congress of new government programs for the unemployment.

A

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

در برابر کاهش (decline) باید از کلمه افزایش (rise) استفاده نمود.

raise → پرورش

rise → افزایش

108-The woman walked along gracefully, the huge basket on her head did not seem to be a heavy burden at all.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح: جمله دارای مجهولی است و باید بصورت زیر باشد:

غلط → Didn't seem

صحیح → Wasn't seemed

109-The earthquake having made the highway impassable, all cars being detoured to the side roads.

A

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

1- بعد از فاعل باید از فعل اصلی استفاده نمود نه مصدر، ing.

2- فعل باید با فاعل خود مطابقت داشته باشد.

غلط → Having made

صحیح → Has made

110-Mr.Hauchecome,you were seen this morning pick up ,on the road

A B

to Benzeville, the pocketbook lost by Mr. Houlberque,of Manville.

C

Me? Me pick up the pocketbook?

D

گزینه (A) «غلط است.

توضیح:

قسمت اول فعل see+ → حالت معلوم

→ were seen+ مصدر (to+1) حالت مجهول

111-Thesehome made pies taste more sweetly than any others I've ever tried.

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

بعد از افعالی مانند taste (مزه دادن، چشیدن)، smell، (بودادن، بو کردن) seem (به نظر رسیدن) و غیره صفت می

آید. ساختار جمله چنانچه تفضیلی باشد صفت از نوع تفضیلی خواهد بود.

taste+ صفت یک سیلابی + than+ er

غلط → More sweetly

صحیح → Sweeter

112-In applying for the loan, one is required to supply copies of your federal

A B C D

income tax return.

گزینه (D) غلط است.

توضیح: صفت ملکی مناسب با one, his و her می باشد:

غلط → One ...your

صحیح → One....his/her

113-All but seven passengers ,three crewmen,and a small dog was lost when

A B C

the ship sank.

D

گزینه (B) غلط است .

توضیح: چنانچه فاعل جمله یک اسم جمع و یا ترکیبی از دو اسم باشد فعلی که بعد از آن می آید بایستی با فاعل

مطابقت داشته باشد و بصورت جمع بیاید.

فعل جمع + فاعل جمع

غلط → Was

صحیح → Were

114- Every body in the choir except for Meryl and I had sung the
A B C D
hymn previously.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

ضمیر مفعولی + expect for

غلط → I

صحیح → Me

115-she wrote that they had visited London and saw the cathedral there.
A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

وقتی دو جمله هم زمان با حرف ربط and همراه شوند هر دو دارای ساختار دستوری مشابه ای هستند، در نتیجه :

غلط → saw

صحیح → had seen/seen

116-Neither the newspapers nor the local television station report the majority
A B C
of crimes committed daily in the city.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

چنانچه دو اسم با کلمات ربط (neither ... nor) به عنوان فاعل جمله قرار گیرند، چنانچه فاعلی بعد از آنها بیاید می بایستی با فاعل دوم یا اسمی که بعد از nor می آید مطابقت داشته باشد در نتیجه فعل report به reports تبدیل می شود.

Report → reports

117-If we had an agenda and had elected a chairperson, the meeting
A
would not have degenerated into random squabbling.
B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

if+ فاعل + had+3 + فاعل + Would+have+been+3

آینده در گذشته کامل مجهول جمله شرط

118-His health was adversely effected by the freezing climate of the
A B C

northern coast.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Effect به معنی اثر و نتیجه و یک اسم است فعل آن واژه affect می باشد.

فعل + فاعل

فعل مجهول + مفعول

effect → غلط

Affected → صحیح

119-The reason for the postponement of today's meeting is because of
A B C

the ten-inch snowfall.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

کلمه reason به معنای دلیل، علت و سبب هم معنی با واژه because می باشد. چون در اول جمله کلمه reason آمده است استفاده از because تکرار بدون دلیل است و نامناسب است.

120-I had barely returned to my seat when the third act begun.
A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

گذشته ساده + when + گذشته کامل

Begun → غلط

Began → صحیح

121-Before they could adjourn for the day they must consider the group's petition.
A B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

گذشته ساده +, + گذشته ساده + before

غلط → must

صحیح → had to

در جملات زمان گذشته ساده must به had to تبدیل می شود. must بیشتر در زمان حال برای بیان لزوم انجام کاری بکار می رود.

122-Of the two candidates applying for the position, there is no doubt that Jim is likely to be the most favored.
A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

صفت + be فعل ربطی

Favour دارای سه صفت است ولی کاربرد آنها متفاوت بوده و به قرار زیر است:

1- favourable ← مطلوب، مناسب ← از نظر موقعیت

2- favourite ← محبوب، مورد علاقه ← شخص

3- favoured ← مورد توجه، مورد عنایت

123-There are less works today in rural areas than there were a decade ago.
A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

کلمه workers یک اسم جمع و قابل شمارش است و چون جمله نیاز به صفت تفضیلی دارد، صفت تفضیلی fewer برای اسم قابل شمارش جمع و less برای اسم های غیرقابل شمارش بکار می رود.

124-The Department of fine Arts and Architecture has been criticized for not having much required courses scheduled for this semester.
A B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

کلمه courses در این جمله اسم جمع و قابل شمارش است. much قبل از اسامی مفرد و غیرقابل شمارش می آید در حالیکه many قبل از اسامی جمع قرار می گیرد.

125-She thought that she will have to wait in line for a long time because
A B
there were many people in the office.
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل گذشته + thought + فاعل

Will → غلط

Would → صحیح

126- Chinooks are warm, dry winds that often cause a temperature
A B
rising of 20 f to 40 f in 15 minutes or less.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

کلمه less صفت تفضیلی a little برای اسامی غیرقابل شمارش بکار می رود در حالیکه fewer صفت تفضیلی a few برای اسامی قابل شمارش جمع استفاده می شود. کلمه minute یک اسم جمع قابل شمارش می باشد در نتیجه با fewer می آید.

127-Bernhard understands the most of the calculus, but he wants to study
A B C
them again before the test.
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

1- most of به عنوان ضمیر قبل از اسم همراه با معرفه های the , that , this , those , these و صفت ملکی بکار می رود و در حالت فاعلی فعل با اسم بعد از most مطابقت می کند.

فعل مفرد+اسم غیرقابل شمارش+(صفت)+صفت ملکی most of, the , this , that

فعل جمع+اسم جمع+(صفت)+صفت ملکی most of , the , these , those

فعل جمع + most of +us , you , them

2-most قبل از صفت یا قید ساده برای ساختن حالت برترین (عالی) و نیز به عنوان صفت عالی , many much بعد از معرفه های the و صفت ملکی به کار برده می شود.

صفت / قید + most + the
صفت / قید + most + صفت ملکی
اسم + most + the
اسم + most + صفت ملکی

3-most بعنوان قید برای توصیف فعل، بعد از فعل بکار می رود و در این حالت هرگز بین فعل و مفعول واقع نمی شود.

Most + (اسم) + فعل + فاعل
The most of → غلط
Most of → صحیح

128-During the long journey across the prairies , pioneer families

A B
entertained itself with song, stories, or simple games.
C D

گزینه (C) غلط است.
توضیح:

...+فعل+ضمیر تاکیدی متناسب با فاعل + فاعل
ضمیر تاکیدی متناسب با فاعل + مفعول+فعل+فاعل
ضمیر تاکیدی متناسب با فاعل + فعل لازم + فاعل

Families ... itself → غلط
Families ... themselves → صحیح

129-Far fewer sperm whales were seen in the Atlantic Ocean this year as

A B
comparing last year.
C D

گزینه (C) غلط است.
توضیح:

(as compared with) یک اصطلاح بوده و به معنی درمقایسه (با) می باشد.

130-Tom ran as quick as he could to the doctor's office when he saw that
A B C D
his mother had fainted.

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

برای بیان صفت تساوی در زبان انگلیسی از عبارت as ... as می توان استفاده کرد. چنانچه در جمله از افعال to be استفاده شود جایگاه بین این عبارت را صفت پر می کند ولی اگر فعل دیگری غیر از to be باشد قید حالت در این جایگاه می آید.

as + صفت + as + فعل ربطی + فاعل

as + قید حالت + as + فعل غیر ربطی + فاعل

as quicks as → غلط

as quickly as → صحیح

131-Alike oxygen, which is chemically changed by our bodies into
A B
carbon dioxide, nitrogen is merely exhaled back into air.
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم + like + اسم

a like + افعال ربطی

Like همچنین می تواند در ابتدای جمله ولی a like در انتهای جمله قرار می گیرد.

A like → غلط

Like → صحیح

132-The name Albert Einstein has become synonymous with his
A
theory of relative in the minds of most scientists and laymen.
B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم + OF + اسم
غلط → relative (صفت)
صحیح → relativity (اسم)

133-The Mississippi delta have been growing and moving south for
A B C
many millions of years.
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل مفرد + فاعل مفرد
غلط → have
صحیح → has

134-Hunger depends of the blood's concentration of lug cose, a kind of sugar.
A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Depend با حرف اضافه on یا upon بکار می رود.

135-whenver the wind blows from the ocean toward the land, the ocean exerts
A B C
a moderate effect on the temperature of the land.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم مکان + to + اسم مکان + from

حرف اضافه (from ... to) به معنای (از... به / به سمت) می باشد که حرف اضافه from نشانگر نقطه مبدا است ولی حرف اضافه to نشان دهنده مقصد می باشد.

غلط → Toward
صحیح → To

136-In 1846 Richard Hoe invented the steam cylinder rotary press, Making
A B
them possible to print newspaper at a much faster rate and a much lower cost.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

ضمیر مفعولی در جمله بجای اسم در حالت مفعولی (بعد از فعل) می آید که باید با مفعول خود از حیث مفرد و جمع بودن مطابقت داشته باشد و چون مفعول ما در جمله مورد سوال جزء اشیاء بوده و مفرد می باشد بنابراین باید از it استفاده شود.

Them → غلط

it → صحیح

137-Cancer cells often moved from original sites to other part of the body
A B C
by the blood and lymph.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم مکان جمع + to + اسم مکان جمع + from

اسم مکان مفرد + to + اسم مکان مفرد + from

part → غلط

parts → صحیح

138-The chance of lightning striking a building depend on its height.
A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم (صفت) + of + اسم + the

اسم (اسم) + of + اسم + the

Striking (صفت) → غلط

strike (اسم) → صحیح

Striking صفت بوده و به معنای چشمگیر، قابل ملاحظه و جالب و درخور توجه می باشد.

139-Ink blot testing was invented by a psychiatrist as a tool to ferret out of
A B
a person's unconscious mind various bits bits and pieces of information.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم غیر قابل شمارش information فقط با واحد شمارش pieces جمع بسته می شود.

غلط → Bits and pieces of infirmation

صحیح → Pieces of information

140-Encephalitis, a disease present in some parts of the world, are transmitted

A

B

C

to people by virus and mosquitoes.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

فعل مفرد + فاعل مفرد

غلط → Encephalitis... are

صحیح → Encephalitis ... is

141-The 1890's saw the birth of the bicycle crazy in the world.

A

B

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

غلط → Bicycle crazy

صحیح → Crazy bicycle

142-Rattlesnakes feed only on warm-blood animals, the eastern diamond-back,

A

B

for instance, feed almost exclusively on cottontail rabbits.

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

غلط → Warm-blood animals

صحیح → Warm-blooded animals

143-The United Nations was officially established on October 24,1945 and

A

B

originally had 51 members nations.

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

هر گاه اسمی قبل از اسم دیگر بیاید نقش صفت را داشته و جمع بسته نمی شود.

غلط → Members nations

صحیح → Member nations

144-Coral atolls, those ring-shaped that surround a lagoon ,are made

A B C

up of the skeletons of numerable marine animals.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

1- صفت numerable ← به معنی قابل شمارش، محدود می باشد.

2- صفت numerous ← به معنای بی شمار می باشد.

با توجه به معنا باید از صفت نوع دوم استفاده شود.

145-Birds and bats can hear the sounds made by insects and distinguish

A

between desirable and undesirable species by the number of wing beats

B

per second that each makes itself.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

...+فعل+ضمیر تاکیدی متناسب با فاعل+فاعل

ضمیر تاکیدی متناسب با فاعل+مفعول+فعل+فاعل

ضمیر تاکیدی متناسب با فاعل+فعل لازم+فاعل

چون فاعل ما یعنی birds and bats جمع می باشد بنابراین ضمیر تاکیدی متناسب با آن themselves

می باشد نه itself.

146-The most great trumpet player went to Chicago to join a band that helped

A

spread jazz through phonograph recordings.

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

the + صفت یک سیلابی + est

غلط → The most great

صحیح → The greatest

147-Charlotte did not team about the geography of North Africa because
A B
she was absent from class those month.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

those + اسم جمع

that + اسم مفرد

غلط → Those month

صحیح → That month

148-Magnesium forms a tough surface coating it protects the underlying
A B C D
metal from tarnishing.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

IT در این جمله اضافی است و احتیاجی به فاعل مجرد نیست.

149-Children will walk at about the same age whether or no they are taught
A B C D
by their parents.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

غلط → Whether or no

صحیح → Whether or not

150-In process of photosynthesis, all green plants absorb carbon dioxide gas
A B
in the manufacture of food.
C D

154-when we returned home, it was most dark.

A B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Most باید تبدیل به very شود. زیرا most صفت است و احتیاج به اسم دارد.

اسم + most

صفت + very

155-Clearly a malfunction of a nuclear reactor is more serious than a steam engine.

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

قبل از malfunction حرف تعریف a لازم نیست.

156-The consensus of opinion is that there well be no more world wars.

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

of Opinion حشو و زائد است زیرا خود کلمه consensus به معنای اتفاق آراء؛ اتفاق نظر می باشد و احتیاج به کلمه نظر (opinion) دیگر نمی باشد.

157-A writing word is a sign of a certain sound ,and that sound is in turn

A B C D

the sign of an idea.

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

Word (اسم) writing → غلط

Word (صفت) written → صحیح

158-Even from the point of view of economical gain specialization has its

A B C D

own limitations.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

1- صفت economic به معنای علم اقتصاد، یا اقتصاد یک کشور، ایالت و غیره اشاره می کند و به معنای اقتصادی می باشد.

2- صفت economical به معنای اقتصادی بودن، مقرون به صرفه می باشد.

Economical → غلط

Economic → صحیح

159-The students in the dormitories were ,for hidden unless they had

A

B

special passes ,from staving out after 11.30.p.m

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

حرف اضافه from زائد است زیرا در اصل فعل staying out ... were به صورت گذشته استمراری باید باشد.

160-Do I have to remind you that you must endorse every check on the back?

A

B

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

زیرا endorse خود به معنای (پشت نویسی کردن) است و احتیاجی به on the back (در پشت) ندارد و زاید است.

161-The highway was very slippery ,ice was to be seen every where.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

1- مصدر + to :

الف - (to+1) مصدر + is (قرار است...) ← این ساخت را اغلب در مورد قراردایی بکار می بریم که برای آینده برنامه ریزی شده اند.

ب- (to+1) مصدر + was (فرار است...) ← این ساخت را برای سخن گفتن از قرارهایی که برنامه ریزی شده بودند بکار می بریم.

2- جمله حالت مجهول دارد.

(قرار بود دیده شود) was to be seen → غلط

(دیده می شد) was seen → صحیح

162-walking down the road, a grocery was seen.

A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

بعد از اسم اشخاص و صاحبان شرکتها و مغازه ها و کارخانه ها (S') بکار رفته اسم مکان مربوطه را می سازد

مثال:

کلمه	معنا	اسم مکان	معنا
Baker	نانوا	Baker's	(مغازه) نانوایی
dentist	دندانپزشک	Dentist's	(مطب) دندانپزشکی
grocer	بقال	Grocer's	(مغازه) بقالی

(خواربار فروشی) grocery → غلط

(مغازه، خواربار فروشی، بقالی) grocer's → صحیح

163-An elastic bandage is better than anything for the sprain.

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

در مقایسات باید از ساختار یکسان استفاده کرد:

An elastic → غلط

The elastics bandage → صحیح

164-Peculiarly though it may seem, no one in that family trusts the others.

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

It ضمیر است و می دانیم که ضمیر جانشین اسم می شود.

غلط → peculiarly

صحیح → peculiarity

165-It is hard possible that such an incident could have actually occurred.

A

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

hard (صفت)	hard (قید)	hardly (قید منفی)
اسم + صفت	قید + فعل	فعل اصلی + hardly + فعل کمکی
سخت	سخت / به سختی	به سختی، به ندرت، اصلاً

166-since he is the only one of the writers who have won three Nobel

A

B

prizes, the government has decided to grant him a first – class national bodge.

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل مفرد + ضمیر موصولی (wh) + اسم قابل شمارش جمع + the only one of

فعل جمع + ضمیر موصولی (wh) + اسم قابل شمارش جمع + one of

فعل مفرد + اسم قابل شمارش جمع + one of

Have won → غلط

Has won → صحیح

167-In a press conference in Geneva, Iran's representative to the United Nation

A

B

said that the Iranian government has accepted to mediate in Afghanistan

C

peaces talks.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم مکان + in

To → غلط

In → صحیح

168-Passengers traveling to abroad are required to be at the airport an
hour before the plane leaves.
A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

حال ساده + before + زمان آینده / حال ساده

travelling → غلط

will travel / travel → صحیح

(حالت معلوم) فعل ing + require

(حالت مجهول) (to +1) + required + be

169-Either you or I am responsible for organizing the meeting's programs.
A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

آپاستروف (S) بیشتر بر سر اسامی جاندار وارد می شود.

Meeting's programs → غلط

Meeting programs → صحیح

170-Steps in writing a good essay are as follows: stating a

A

hypothesis, giving supports for it. And to come to a conclusion.

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

and پیوند دو یا چند کلمه یکسان و مشابه می باشد و به عبارت دیگر ساختار قبل و بعد and باید با هم توازن داشته باشد.

Statinggiving ... and to come → غلط

Stating ... giving ... and coming → صحیح

171- The grasslands of all continents support populations of grazing animals
A B C D

feed on the grasses.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Population خود اسم جمع می باشد و احتیاجی به S جمع ندارد.

172-Lillian Gilbert was one of the leading engineers of the twentieth

A

century as well a pioneer in the field of scientific management.

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم

اسم

فعل

فعل

صفت

as well as

صفت

قید

قید

(جایگاه آن در آخر جمله است) as well → غلط

(و همچنین) as well as → صحیح

173-In style, them ,and forming, Carl sandbag's works resemble the poems

A

B

C

in walt Whitman's anthology Leaves of Grass.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

and پیوند دهنده دو کلمه و یا دو جمله یکسان با یکدیگر می باشد بعبارت دیگر کلمه یا جمله قبل از and و بعد از آن باید دارای ساختار یکسانی باشد.

اسم + and + اسم + اسم

(صفت) forming → غلط

(اسم) form → صحیح

174-Atmospheric water vapors regulates air temperature by absorbing thermal

A

B

C

radiation from the sun and the earth.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

چون فعل ما یعنی regulates مفرد است بنابراین فاعل ما هم باید مفرد باشد.

فعل جمع + فاعل جمع

فعل مفرد + فاعل مفرد

غلط → Vapors

صحيح → Vapour

175-Can ,a collection of stories ,poems, but sketches about black American
A B C
life ,was written by Jean Toomer, a major figure during Harlem Renaissance.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

چند کلمه همسان پشت سر هم آمده و but تضاد را نشان می دهد و باید از and که یکسانی را نشان می دهد استفاده شود.

غلط → But

صحيح → And

176-Though it is owned by New York City, the Metropolitan Museum
A
of Art is large supported by private contributions.
B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

برای توصیف فعل باید از قید استفاده شود.

غلط → Large

صحيح → Largely

177-The factory system was introduced in New Hampshire in early the 1800,
A
sand mills sprang up where rivers furnished water power and transpiration.
B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

سال + (of) in the early (در اوایل)

غلط → early the

صحيح → The early

178-Gorillas are the most terrestrial of the great apes because their bulky size

it ill suited to dwelling in trees.
A B
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

ضمیر باید با مرجع خود مطابق باشد.

غلط → Gorillas ... it

صحیح → Gorillas ... them

179-A swamp between two sea, the okefenokee swamp in Florida lies

in a basin 120 feet above sea level.
A B
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم جمع + عدد جمع

غلط → Two sea

صحیح → Two seas

180-United states senators were elected by state legislatures Until 1913,

when the seventeenth Amendment to the constitution required that
A
B
them be chosen by popular election.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

require that + فاعل + فعل

غلط → Them

صحیح → They

181-The city of Toronto, in he Canadian province of Ontario, has one of the

world's safest ,cleanin, and most efficient sub way systems.
A
B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

And پیوند دهنده دو ساختار یکسان با یکدیگر می باشد.

صفت + and + صفت

غلط → Cleaning

صحیح → Cleanest

182-Stephen crane ,often called the modern American author,

A

innovative used imagery and symbolism in his writing.

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

قید توصیف کننده فعل می باشد.

فعل + قید

غلط → Innovative

صحیح → Innovatively

183-Most nineteenth –century whaling ships carried three or four small

A

B

C

whaleboats, both able to carry a crew of six.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Both

صحیح → and were

184-what cause the passenger pigeon to become extinct was unrestrained

A

B

C

hunting.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

غلط → cause

صحیح → caused

185-In general, humanistic theories tend to stress the significance of emotions
in the learning.
A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

بیشتر اسامی ing دار ، جزء اسامی غیرقابل شمارش بوده و اسامی غیرقابل شمارش بوده در معنای عام the نمی گیرند و با فعل مفرد هم بکار می روند.

In the learning → غلط

in learning → صحیح

186-An air pocket locates in the middle ear makes it vulnerable to changes in
air pressure, which can cause discomfort on airplanes.
A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

جمله در اصل which + be + 3 ing می باشد که which + be / ing می تواند حذف شود ولی فعل باید بصورت قسمت سوم یا ing فرم باشد.

licates → غلط

located → صحیح

187- in my opinion, the more beautiful place in Tehran is Vail Asr avenue.
A B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

188- You had disobeyed me moreover, I will not help you again.
A B C D

گزینه (B) غلط است.

هر گاه جمله دوم نتیجه و علت جمله اول باشد در این مورد از قیود ربطی زیر استفاده خواهد شد.

thus → بدین ترتیب (خیلی رسمی)

therefore → بنابراین (رسمی)

so → پس (کمتر رسمی)

189- Water polo is playing in the water by two teams, each with seven players.

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

جمله احتیاج به فعل مجهول دارد.

غلط → Is playing

صحیح → Is played

190- The first important university in Iran had established in Tehran in 1313.

A B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

جمله احتیاج به فعل مجهول دارد.

غلط → Had established

صحیح → was established (گذشته)

صحیح → had been established (گذشته دور)

191- When we worked day and night, we couldn't meet the deadline.

A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

بجای when از if باید استفاده شود.

1 + Would + فاعل + ... + زمان گذشته ساده + فاعل + if = شرطی نوع دوم

192- Identical colours may appear to be quit different when are they used

A B C

against different background.

D

فعل + فاعل

غلط → are they

صحیح → they are

193- The babies of cold-blooded animals have the same temperature their

A B C

surroundings, but those of warm- blooded animals do not.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

معمولاً پیش از اسم یا ضمیری که پس از same می آید، as بکار می بریم.

194- Most foreign students realize that it is important for they to buy health

A

B

they are living in foreign countries, because insurance while hospital costs

C

are very high.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

بعد از حروف اضافه باید از ضمیر مفعولی استفاده کرد.

غلط → For they

صحیح → For them

195-The firstly naval battle of the revolutionary war was fought off the coast

A

B

C

of machias , Maine in June 1775.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

First battle

196- The public ceremonies of the plains are lesser elaborate than those of

A

B

C

the Navajo in the southwest.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

little → less (صفت تفضیلی)

little → the least (صفت عالی)

197- In some species fish, such the three –spined stickleback, the male.

A

B

Not the female, performs the task of caring for the young.

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

Such the باید تبدیل به such as (بعنوان مثال) شود تا جمله از نظر معنا صحیح شود.

198- When she retires in September 1989, tennis champion Christine evert was
A B
the most famous woman athlete in the united states
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

گذشته ساده + when + گذشته ساده

گذشته ساده + گذشته ساده + when

When ... retired ... was

199- The ancient Romans used vessels equipped with sails and banks of oars
A B C
to transporting their armies.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

برای بیان هدف و منظور می توان از مصدر استفاده کرد در این صورت شکل مختصر in order to به معنای (برای، به منظور، به هدف) است.

قسمت اول فعل + to (برای)

فعل + ing (برای)

قسمت اول فعل + in order to (برای)

200- Dinosaurs are traditionally classifies as cold-blooded reptiles, but
A B
recent evidence based on eating habits, posture, and skeletal structural
C
suggests some may have been warm-blooded.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

Skeletal stytructure

201- Since the Great depression of the 1930's, social programs such as
social security have been built into the economy to help avert severity
business declines.

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

Severe business declines

202-In the 1970's , consumer activities succeeded in promoting laws
that set safety standards for automobiles, children's clothing, and a
widely range of household products.

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

Consume دارای دو صفت می باشد که به قرار زیر است:

1- consumer ← به معنای مصرف کننده می باشد. این کلمه اسم هم می باشد.

2- consuming ← به معنای حاد و شدید می باشد.

که با توجه به معنای جمله باید از صفت نوع دوم استفاده شود.

203- Zoos in new Orleans, san diego, Detroit, and the Bronx have become
biological parks where animals roams free and people watch from across a
moat.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

1- فعل باید با فاعل خود مطابق باشد یعنی فاعل جمع با فعل جمع و فاعل مفرد با فعل مفرد بکار می رود. در اینجا چون فاعل یعنی animals جمع می باشد فعل هم باید جمع باشد یعنی roam نه roams.
2- دلیل دوم این است که هرگاه and پیوند دهنده دو فعل باشد آن دو فعل باید از نظر زمان و شخص یکی باشند و چون فعل بعد از and یعنی watch به شکل حال و جمع باشد یعنی roam.

204- In human beings, as in other mammal hairs around the eyes and ears and in the nose , prevent dust, insects , and other matter from entering these organs.

A

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

AS پیوند دهنده دو ساختار یکسان است در اینجا چون human beings جمع می باشد بنابراین mammal هم باید جمع باشد.

غلط → Mammal

صحیح → Mammals

205-The rocky mountains were explored by fur traders during the early 1800's , in a decades preceding and united states civil war.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

حرف تعریف a باید با اسم مفرد قابل شمارشی که حرف اول آن بی صدا است بکار می روند نه با اسم جمع (decades) و به جای آن باید از the استفاده کرد.

206-The works of the author Herman Melville are literary creations of a high order, blending fact, fiction, adventure, and subtle symbolic.

A

B

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

اسم + (صفت) + and + اسم

غلط → Symbolic

صحیح → Symbol

207-Each chemical element is characterized to the number of protons that an atom of that element contains called its atomic number.

A

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

بعد از فعل مجهول باید از حرف اضافه by استفاده شود نه حرف اضافه to.

208-The body structure that developed in birds over millions of years is

A B
well designed for flight, being both lightly in weight and
C D
remarkably strong.

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

both ... and یا both ... and به معنای (هم ... و هم) برای ربط دادن دو قسمت از جمله که همپایه باشند یعنی دو اسم، دو فعل، دو صفت، دو قید و... بکار برده می شوند.
در جمله فوق پیونده دو صفت با هم می باشند چون بعد از and، صفت strong آمده باید بعد از both بجای قید lightly از صفت آن یعنی light استفاده کرد.

صفت + and + صفت + both
both light and strong

209- Erom 1905 to 1920, American novelist Edith Wharton was at the height

A B
of her writing career, publishing of her three most famous novels.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

1- of باید حذف شود زیرا publishing در اینجا اسم نمی باشد بلکه بیانگر عبارت وصفی است.
2- وقتی دو عمل در یک زمان یا بلافاصله بعد از هم توسط یک فاعل انجام شود، می توان عمل اول را بصورت ing فعل (عبارت وصفی) بکار برد. در این صورت فاعل فقط یکبار ذکر می شود.

210- In the early twentieth century, there was considerable interesting among

A
sociologist in the fact that in the united states the family was losing its
B C
traditional roles.
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت
considerable interest

211- Although pure diamond is colorless and transparent, when contaminated

A

B

with other material it may appear in various color, ranging from pastels

C

D

to opaque black.

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

وجود دو حرف ربط در یک جمله اشتباه است. در اینجا when باید حذف شود و به جای آن it قرار داده شود.

212- Comparative anatomy is concerned with the structural differences

A

B

among animal forms.

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

حرف اضافه concerned در اینجا with است نه to.

مربوط بودن به، پرداختن به = **be concerned with**

213- A seismograph records oscillation of the ground caused by seismic

A

waves, vibrations and travel from its point of origin through the earth or

B

C

D

along its surface.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

صفت ملکی باید با اسم مطابقت داشته باشد و چون در جمله اسم جمع وجود یعنی vibrations , waves پس باید از صفت ملکی their استفاده شود.

214- Electric lamps came into widespread use during the early 1900's and have replaced other type of fat, gas or oil lamps for almost every purpose.

A

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم جمع + other

Other type

215- Located in Canada, the Columbia icefield covers over of 120 square miles

A

and is 3,300 feet thick in some places.

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم + اسم

Feet thickness

216- Composer Richard Rodgers and lyricist Oscar Hammerstein II

brought the musical Oklahomal extensive musical and theatrical

A

B

backgrounds as well as familiar with the traditional forms of operetta

C

D

and musical comedy.

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

جمله ماقبل از صفت احتیاج به قید دارد یعنی extensively.

217- Because of its vast tracts of virtually uninhabited northern forest,

A

B

Canada has one of the lowest population density in the world.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

فعل مفرد + اسم جمع + one of

One of ... densities

218- Rice, which is still forms the staple diet of much of the world's

A

B

population, grows best in hot, wet lands.

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

به جای much از many یا most استفاده شود.

اسم غیر قابل شمارش + much

اسم جمع + many

many of population

219- Government money appropriated for art in the 1930's made

A

possible hundreds of mural and statues still admiration in small

B

C

towns all over the United states.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

1- جمله احتیاج به فعل دارد.

2- طق تطابق زمانها این فعل باید گذشته باشد یعنی admired

220- The advantages of computerized typing and editing are now being extend

A

B

C

to all the written languages of the world.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

Now قید زمان حال استمراری است و مجهول زمان حال استمراری به شکل زیر:

فعل (3) am/is/are + being

extend → غلط

Extended → صحیح

221- Industrial management is the aspect of business management that

A

B

was most prominent in the united states for the past eight years.

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

صفت چندسیلابی + the most

غلط → most

صحیح → the most

222- His uncle is owning no fewer than ten house, and all of them
A B C
are let at very high prices.
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

جمله دارای ساختار مجهول است.

غلط → is owning

صحیح → Is owned

223- While they enjoy the comfort and banal luxury of their dwelling,
A
they do not realize that they are depriving of the necessities of life.
B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

صفت + be

غلط → depriving

صحیح → Deprived

224- As if the creeping forgetfulness it causes were not horrible
A
enough, Alzheimer's disease carries an extra burden : a person
B
must be died before doctors can identify the disorder with absolute certainty.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

فعل must + be + ing فقط بر بیان «احتمال و استنتاج» دلالت می کند.

غلط → must be died

صحیح → must be dying

225- The advantages of computerized typing and editing are now

being extend to all the written languages of the world.
A B
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

now قید زمان حال استمراری است و مجهول زمان حال استمراری به شکل زیر:

فعل (3) am/is/are + being

غلط → extend

صحیح → extended

226- Industrial management is the aspect of business management that

was most prominent in the united states for the past eight years.
A B
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

صفت چندسیلابی + the most

غلط → most

صحیح → the most

227- His uncle is owning no fewer than ten houses, and all of them are

let at very high prices.
A B C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

جمله دارای ساختار مجهول است.

غلط → is owing

صحیح → is owned

228- While they enjoy the comfort and banal luxury of their dwelling,

they do not realize that they are depriving of the necessities of life.
A
B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

be + صفت

غلط → depriving

صحیح → Deprived

229- As if the creeping forgetfulness it causes were not horrible enough, Alzheimer's disease carries an extra burden : a person must be died before doctors can identify the disorder with absolute certainty.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

فعل must + be + ing فقط بر بیان «احتمال و استنتاج» دلالت می کند.

غلط → must be died

صحیح → must be dying

230- You must fill out the application in full and be interviewed

A

B

C

before you will be considering for the job.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

جمله احتیاج به فعل مجهول دارد.

غلط → will be considering

صحیح → will be considered

231- She felt badly about breaking the new watch which my parents

A

B

had given me for my sixteen birthday.

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

صفت + افعال ربطی

شدن → be , become , get , grow , go

بنظر رسیدن → look , seem , sound , appear

افعال ربطی

احساس کردن → feel

مزه دادن → taste

بو دادن → smell

غلط → badly

صحیح → bad

232- If anyone calls while I am out of the office, please have them

A

B

C

leave a message for me.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

some
any
no
every

body
one
thing
where

این لغات با فعل، ضمیر و صفات ملکی مفرد مطابقت می نمایند.

غلط → them

صحیح → him

233- If was him who suggested that you be at the door to greet each

A

B

C

guest on his arrival.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

it is / was+ ضمیر فاعلی (نوشتاری)

it is / was+ ضمیر مفعولی (مکالمه)

غلط → him

صحیح → he

234- Your semester grade is based not only on how well you do on

A

B

C

each test, but also how you participate in class.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

غلط → how you

صحیح → how well you

235- For hundreds of years, the Indian tribe has wandered the valleys

A

B

and mountains during the spring, and in winter have begun the trip home.

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

tribe + فعل جمع

Has → غلط

Have → صحیح

236- The man in the grey suit was identified as on old and trusted

A

B

C

associate of the prime Minister's.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

هر گاه مالک انسان باشد حالت مالکیت با حرف اضافه of نیز می تواند بیان شود در این صورت احتیاج به افزودن آپاستروف (s) بر روی مالک نیست.

associate of the prime Minister's = prime Minister's associate

prime Minister's → غلط

prime Minister → صحیح

237- Consider all of the possibilities , I really believe that I

A

B

would prefer not to make any changes now.

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فرمول وجه وصفی فاعلی :

فعل + ing after

... + فعل اصلی + اسم یا فاعل مرجع (منطقی) + , + ... + ing فعل

معمولاً فاعل بند وصفی همان فاعل بند اصلی جمله است.

غلط → consider
صحیح → Considering

238-My friend indicated to me that the he will get the job in spite of
A B C
his inexperience.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

فعل گذشته + فاعل + that + اسم انسان + to + indicated + فاعل

Will → غلط

Would → صحیح

239- I am disappointed in not having saw the beautiful historical sites
A B
while I was in Isfahan for a couple of days.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

فعل (3) + having

saw → غلط

seen → صحیح

240-The set four records, offered for a limited time only, are available
A B C
exclusively in the stores.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

فعل مفرد + اسم اشیا جمع + of + set

are → غلط

is → صحیح

341- Neither your unkind remarks nor your unfriendly attitude
A B
have caused my any great distress.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اگر دو یا چند فاعل بوسیله neither ... nor به یکدیگر مربوط شوند فعل با فاعل نزدیک یعنی فاعل بعد از nor مطابقت می کند.

فعل مفرد + اسم مفرد + nor + اسم جمع + neither

فعل جمع + اسم جمع + nor + اسم مفرد + neither

غلط → have caused

صحیح → has caused

342- Although a majority of the houses in that area are still in need

A

of repair, there have been much improvement in their appearance.

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

لغت there وقتی که اول جمله قرار می گیرد فعل با فاعل واقعی یعنی فاعلی که معمولاً بعد از فعل قرار می گیرد مطابقت می نماید.

فاعل مفرد + فعل مفرد + there

فاعل جمع + فعل جمع + there

غلط → Have been

صحیح → Has been

343- While I was explaining my purpose, she looked uneasy but in the end

A

B

C

she made no objection of it.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

objection + to = مخالفت با ، اعتراض با

344- The first people who were like ourselves lived so long ago that

A

B

even their legends, if they had any, is forgotten.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

چون legends جمع است فعل ما هم باید به شکل جمع باشد.

غلط → is

صحیح → are

345- Anthropologists wondered where the remote ancestors of
A
polynesian peoples, now are living in the pacific Islands came from.
B C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

غلط → Peoples

صحیح → People

346- If only the common peoples of the world could meet one another
A B
at football or cricket , they would have no inclination to meet twice
C D
one the battle field.

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل (1) would/could/might + و + گذشته ساده + فاعل + if = شرطی نوع دوم

غلط → could meet

صحیح → met

347- Although Roger tends to being lazy in the house, he does do the
A B
dishes once in a great while even though the hates doing them.
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

tend + مصدر (to+1)

غلط → to being

صحیح → To be

348- She used to go out with a man who had never gone to school, but
A B
he was a famous writer of mystery stories, which had taught himself
C
how to read and write.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

فعل + which + اسم اشياء

فعل + who + اسم انسان

غلط → which

صحیح → who

349- Having seen and do everything that we wanted to see and do, we
A B C
left New York and went on to Los Angeles.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

And پیوند دهنده دو کلمه یکسان با یکدیگر می باشد یعنی ساختار قبل و بعد از and باید با یکدیگر هماهنگ باشد.

having + 3 +and + 3

غلط → do

صحیح → done

350- Not only does not she enjoy listening to people to talk about
A B
philosophy, but she is also inclined to get very irritated by any
C
conversation which is not directly connected with herself.
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

بعد از فعل مجهول از حرف اضافه by استفاده می شود.

غلط → with

صحیح → by

351- The poem he wrote for the last issue of the school magazine was

very better than most of the others he was written.
A B
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

قبل از صفت better از قید quite استفاده می شود. ضمناً قبل از صفت تفضیلی برای تاکید از much استفاده می شود نه very.

غلط → very better

صحیح → quite better

352- You needn't to tell me since I know already and could tell you

more than you know about the matter.
A B C
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

Need در حالت کمکی S سوم شخص نمی گیرد و فقط در حالت منفی و سوالی بکار می رود.

فعل (1) + need + not = ساختار منفی

فعل (1) + need فاعل = ساختار سوالی

غلط → to tell

صحیح → Tell

353- Not long after Galileo's time, sir Isaac Newton invented

another kind of telescope which be used mirrors instead of lenses.
A B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

جمله احتیاج به فعل معلوم دارد. چون فاعل مشخص است.

غلط → be used

صحیح → used

354- Despite the disappearance of the Mayan empire, there are still

Mayans in the region in which they once inhabited.
A B
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

in which + اسم مکان

Where + اسم مکان

در مورد سوال مافوق چون قبل از اسم مکان (the region) حرف اضافه in آمده لذا بعد از آن نباید از In استفاده نمود.

غلط → in which

صحیح → where

355- Treasure Island, the book that made Robert Louis Stevenson

A

famous has become a best seller for renders young and old.

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

در جمله مورد نظر چون فعل (made) گذشته ساده می باشد فعل بعدی هم باید گذشته ساده باشد.

غلط → has become

صحیح → become

356- To be good for agricultural purposes, soil must have in the

A

B

C

minerals plants required.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

فعل + اسم

غلط → plants required

صحیح → required plants

357- In spite of its small size, Europe has a greater impact on world

A

B

C

history than any other continent.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

غلط → has

صحیح → has had

358- Because the farms of Europe produce less food than the people

A B C

need, some produce must be to bring from other lands.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

جمله احتیاج به فعل مجهول دارد.

فعل (3) + must be +

غلط → must be to bring

صحیح → must be to brought

359- Among the most remarkable eyes are those of the dragonfly,

A B

for this insect has compound eyes make up of tiny eyes.

C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

فعل + which + اسم اشياء

فعل (3) + be + اسم اشياء

فعل ing + اسم اشياء

ضمير موصولی which در حالت فاعلی و فعل be بعد از آنها را می توان حذف نمود به شرط آنکه قسمت سوم فعل و یا فعل ing دار بعد از آن باقی باشد.

غلط → make up

صحیح → made up

360-The police investigation revealed that the thieves have planned the robbery

A B C

carefully before they stole the jewellery.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

گذشته ساده + 3 + hsd + before گذشته کامل

غلط → have planned

صحیح → had planned

361- By watching sunspots, great storms which rage on the surface of
A B
the surface of the sun, scientists discovered whether the sun spins on its axis.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

غلط → whether

صحیح → that

362- These early people did not learn how to make bronze until 1500
A B
B.c, but they have done excellent work with other metals.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

گذشته ساده + until + گذشته ساده
گذشته ساده + until + گذشته کامل (گاهی)

غلط → have done

صحیح → had done

363- It is not know exactly when the first immigrants arrived in the
A B
New world, but where did that event occur is certain.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

هر گاه ادوات استفهام در وسط جمله قرار بگیرند جمله بعد از آن باید بحالت خبری باشد نه سؤالی.

فعل + فاعل + ادوات استفهام

غلط → where did that event occur

صحیح → where that event occurred

364- Unjike many other people, the America Indians had to discover
A B C
agriculture for themselves.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

غلط → America

صحیح → American

365- Although the Indians lacking animals, they had the ability to
A B
cultivate plants suitable for daily use.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

فعل + فاعل

غلط → lacking

صحیح → lacked

366- The element uranium which is a hard Silvery metal, and it was
A B C
discovered in 1789. was named for the planet Uranus.
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

the+ اسم + of + اسم

غلط → The element uranium

صحیح → The element of uranium

367- In the New World as in Europe, each region developed its own
A B
distinct pattern of culture adapted to local to conditions and influential.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + and + اسم

غلط → influential

صحیح → influence

368- Ever since the world began, nations have difficulty in keeping
A B C D
peace with her neighbour.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

حال کامل + , + زمان گذشته ساده + since

غلط → have

صحیح → have had

369- Sugar provide man with quick energy, but it has neither vitamins,

A

mineral, and other body-building material necessary for an adequate diet.

B

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

غلط → neither ... and

صحیح → neither ... nor (نه ... نه)

370- Erom archeogonial evidence, we know that the Egyptians were

A

highly organized, civilized, and they were skilful in using: crafts.

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

and پیونده دهنده دو یا چند ساختار یکسان با یکدیگر می باشد.

صفت + and + صفت + صفت

غلط → They were skilful

صحیح → Skilful

371- Although tea drinking is a considerably old custom in the far

A

B

East, this custom first reached Europe for the first time during the

C

D

seventeenth century.

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

روز/ماه/فصل/سال/دهه/قرن + in + for the first time

غلط → during the seventh century

صحیح → in the seventh century

372- A virus, which is too small to be seen excel with a powerful microscope, is causing measles.

A B C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Is causing

صحیح → Is caused

373- The Mediterranean, a large sea surrounded by land, is a mile deep on the average and more than 2.000 miles length.

A B

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

And پیوند دهنده دو ساختار یکسان با یکدیگر می باشد.

صفت + اسم + and + (deep) صفت + اسم

غلط → length

صحیح → long

374- The finding of Gregor Mendle were published in 1889, but scientist paid little attention to it for about fifty years.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

ضمیر باید با اسم خود در جمع و مفرد بودن مطابق باشد.

ضمیر جمع + اسم جمع

ضمیر مفرد + اسم مفرد

غلط → Findings ... it

صحیح → Findings ... them

375- During the middle ages people were wiling to pay a great deal for spices because disguised the bad taste of spoiled food.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

(فعل + فاعل) جمله + because
غلط → because disguised
صحیح → because they disguised

376- When a spider catches an insect, it releases some poison into an
A B
insect with its fangs, but the poison of most spiders is harmless to man.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

To حرف اضافه release می باشد.

غلط → release ... into
صحیح → release ... to

377- Many people enjoy stamp collecting, and they will pay often
A B
large sums for stamps on which a mistake was made.
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

قیود تکرار قبل از فعل اصلی و بعد از افعال to be و نیز در صورت وجود فعل کمکی بعد از اولین فعل کمکی به کار می روند.

فعل اصلی + قید تکرار + فاعل
قید تکرار + am / is / are/ was / were + فاعل
قید تکرار + اولین فعل کمکی + فاعل
غلط → With pay often
صحیح → will often pay

378- Statesman are people who have attained fame because of which they
A B C
have achieved in the field of government.
D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم + because of

غلط → which they

صحیح → they

379- Whether have individuals served good or evil government, these

A

individuals are remembered if their actions have altered historical events.

B

C

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل + فاعل + Whether

غلط → have individuals

صحیح → individuals have

380- William pitt urged that the English colonists were given the

A

B

same constitutional rights to which other English subjects were entitled.

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

فعل (1) + فاعل (2) + that + فعل پیشنهادی + فاعل (1)

غلط → Were given

صحیح → be given

381- John Calhoun objected to creating a federal strong government

A

B

because he believed that each state should decide most issues for itself.

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت + قید

غلط → federal

صحیح → federally

382- Sir Winston Churchill, as the British prime minister, leads his

A

B

country to go victory during the second world war.

C

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

چون the second world war گذشته می باشد بنابراین فعل ما هم باید گذشته باشد.

قید زمان گذشته + فعل گذشته ساده + فاعل

leads → غلط

led → صحیح

383- Some earthworm grow a very large size, five or six feet in

A

B

C

length, but most of them are a little inches long.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم غیر قابل شمارش + a little

اسم قابل شمارش جمع + a few

a little → غلط

a few → صحیح

384- Aristotle, the famous Greek philosopher, believed that the brain

A

B

was an organ that cooled a heart.

C

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

Heart نیازی به حرف تعریف a ندارد زیرا اسمی است مجرد و انتزاعی

385- The color of the red sea is due to a minute alga, or sea plant,

A

B

whose forms huge patches of a blood red tint.

C

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

فعل + which + اسم غیرانسان

اسم + whose + اسم

whose → غلط

which → صحیح

386- The ordinary cold, which is ours most common sickness, is a
viral disease whose cure has not been yet found.
A B
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت عالی + صفت ملکی

غلط → ours

صحیح → our

387- From the vibrations of the web, was set up by a trapped animal,
a spider learns much about the nature of its catch.
A B
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل جمع + فاعل جمع

غلط → was

صحیح → were

388- Penicillium is one the many molds that produces the antibiotics
used to control disease.
A B
C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

فعل جمع + that + اسم جمع

غلط → produces

صحیح → produce

389- The electrical activity of the brain causes the transmission of
brain waves that can be recorded and interpreted in terms that
explains the types of mental activity.
A B C
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

فعل جمع + اسم جمع

غلط → Brain waves ...explains

صحیح → brain waves ... explain

390- Gold is present under the sea in so minute concentrations that no

A B

method has yet been devised to extract it profitably.

C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

so + صفت + That

such+ (صفت) + اسم غیر قابل شمارش یا قابل شمارش جمع + That

غلط → so

صحیح → such

391- An animal has to eat great quantities of plants in order to extract

A B

calories enough sustain itself.

C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

enough + اسم + مصدر + اسم (to + (1) فعل)

غلط → Calories enough

صحیح → Enough calories

392- An assembly of frogs in a tropical swamp can create so a noise

A B

that a human voice has to shout to make itself heard.

C D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

such a + اسم مفرد

such a + صفت + اسم مفرد

غلط → So a noise

صحیح → Such a noise

393- In a ten-years period between 1890 and 1900 over 220,000
A B
patents were issued by the government for new inventions in the
C D
country.

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

چنانچه بعد از اعداد خط تیره باشد تمامی اسمهای بعد از آن به شکل مفرد می آید. بعبارت دیگر واحد اندازه گیری اگر در نقش اسم بکار رود جمع ولی در نقش صفت و قبل از اسم به صورت مفرد است.

Ten-years period → غلط

Ten – years period → صحیح

394- Beginning in the mid-1940's, plants developed new strains of
A B
wheat that gave higher substantially yields per acre.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

substantially → غلط

substantial → صحیح

395- Potatoes, rice, spaghetti, and other starchy foods are cooked
A
in order to open the grains that the starch can be more easily digested.
B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

برای بیان نتیجه گیری از so that استفاده می شود.

that → غلط

so that → صحیح

396- We know that man is not the only creature to make use of tools
A
but the chimpanzees both as the finches make use of them too.
B C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

and+ فعل + فاعل + too

غلط → both as

صحیح → and

397- Day and night are a result of the earth spinning on its axis

A

because that a given places passes through periods of sunlight

B

C

and shadow during a twenty-four-hour period.

D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

because + جمله (فعل + فاعل)

غلط → because that

صحیح → because

398- Despite of growing industrial activity, the majority of people

A

B

continued to make their living from farming until the beginning the twentieth

C

D

century.

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

اسم یا فعل ing دار + (از طریق، از راه) by

غلط → from

صحیح → by

399- The speed at which a given amount of work is performed effects

A

B

C

the energy required.

D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

جمله احتیاج به فعل دارد نه اسم.

غلط → effects

صحیح → affects

400- Large intakes of sodium may aggravate and provoke a tendency
A B C
toward high blood pressure.
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

tendency + to/towards + sth

tendency to do sth

غلط → toward

صحیح → to/towards

401- The bright colors of flowers makes them conspicuous from
A B C
considerable distance.
D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل مفرد + فاعل مفرد

فعل جمع + فاعل جمع

(فعل مفرد) makes → غلط

(فعل جمع) make → صحیح

402- Sound travels through air at a speed vastly slow than the speed of light.
A B C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

er + than + صفت یک سیلابی

غلط → slow

صحیح → slower

403- At the centre of Zavareh, the tile work of the dome of
A B
Imarnzadeh yahya attract the attention of visitors.
C D

گزینه (C) غلط است.

توضیح:

فعل مفرد + فاعل مفرد

غلط → The tile work ... attract

صحیح → The tile work ... attracts

404- The Alborz range on the Tehran. Which hosts the highest peak
A B
in the country provides a suitable climate of ski lovers during winter.
C D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

غلط → Provides ... of

صحیح → Provides ... for

405- Bagh-e fin is the famous gradens of Iran which was designed for
A B
shah Abbas I as a classical persion vision of paradise.
C D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت چندسیلابی + the + most = صفت عالی

غلط → the famous

صحیح → the most famous

406- The religious important of the calendar dedications was very
A B C
significantly in the past.
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

صفت + be + very + فاعل

غلط → significantly

صحیح → significant

407- They often do not have the resources to maintenance even basic
A B C
standards of health.
D

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

برای نشان دادن علت انجام کاری از مصدر استفاده می شود.

قسمت اول فعل + to

غلط → to maintenance

صحیح → to maintain

408- Immunization does not simply chances that children will resist

A

B

C

disease: it virtually guarantess that they will.

D

گزینه (A) غلط است.

توضیح:

فعل + اسم

غلط → Immunizational

صحیح → Immunization

409- Again , I recommend that teaching an exclusively seated class,

A

B

C

the instructor also seated.

D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

قسمت اول فعل + فاعل + that + recommend + فاعل

غلط → seated

صحیح → seat

410- In you programming, try to minimizes sudden directional

A

B

C

D

changes.

گزینه (B) غلط است.

توضیح:

قسمت اول فعل + to + مصدر try

غلط → monimizes

صحیح → minimize

411- He filled out the job application given to him by a busy and
A B C
disinterest receptionist.
D

گزینه (D) غلط است.

توضیح:

اسم + صفت

disinterest → غلط

uninterested → صحیح

412- Human brain are more powerful than those of other species
A B
because of their complex circuitry.
C D

گزینه (A) غلط است

توضیح: چون فعل جمله (are) به صورت جمع است لذا اسم باید به صورت جمع (Human brain) به کار رود.

413- The potato was the staple of Ireland , and when the crop failed
A B C
in 1840, there was mass starvations.
D

گزینه (D) غلط است

توضیح: کلمه ی starvations (گرسنگی) غیرقابل شمارش است و جمع بسته نمی شود.

414- Although sugar cane and sugar beet look very different. The sugars
A B C
that is refined from them tastes almost the same.
D

گزینه (c) غلط است

توضیح: کلمه ی sugar (شکر) غیرقابل شمارش است و جمع بسته نمی شود.

415- textiles industries are as widespread as food industries because
A B
both supply basic human needs.
C D

گزینه (A) غلط است

توضیح: در اسامی مرکب، اسم اول (textiles) که نقش صفت را دارد جمع بسته نمی شود.

416- Balloons rise into the air because they contain a gas who is less dense,

A

B

C

or lighter, than air.

D

گزینه (C) غلط است

توضیح: بعد از اسم شیء یا غیرانسان از ضمیر موصولی which یا that استفاده می شود. لذا استفاده از ضمیر موصولی who بعد از کلمه gas (گاز) اشتباه است.

417- The narwhal is the only animal in the world that has a tusk on

A

B

only one side of its body.

C

D

گزینه (D) غلط است

توضیح: قبل از اسم (body) از صفت ملکی استفاده می شود، لذا ضمیر it باید به its تبدیل شود زیرا مرجعه کلمه، یعنی narwhal (نیزه، ماهی، ناروال) حیوان است.

418- The best way for children to learn science is for them to perform

A

B

C

experiments himself.

D

گزینه (D) غلط است

توضیح: اسم مرجع (children) به صورت جمع است، لذا ضمیر انعکاسی نیز باید به صورت جمع (themselves) باشد تا با آن مطابقت کند.

419 - Herman Melville gathered material for him novels, including

A

B

Moby Disk, during his years at sea.

C

D

گزینه (B) غلط است

توضیح: قبل از اسم (novels) از صفت ملکی (his) استفاده می شود و ضمیر مفعولی (him) به کار نمی رود.

420 - Bacteria are responsible of many of the textures and flavors

A

B

in our food and are particularly important in milk products.

C

D

گزینه (A) غلط است

توضیح: کلمه ی responsible (مسئول) با حرف اضافه for به کار می رود.

421- Art Nouveau, a style that was in fashion in the 1980s, was

A B

sbased of long curving lines inspired by climbing plants.

C D

گزینه (C) غلط است

توضیح: کلمه ی based (بر پایه ی) با حرف اضافه on به کار می رود.

422- Animals that live in areas that are covered in snow in winter

A B C

change the color of their coat according the seasons.

D

گزینه (D) غلط است

توضیح: کلمه according (طبق) با حرف اضافه to به کار می رود.

423 - Despite of its isolation in the suda strait between java and

A B C

Sumatra, over 36,000 people died in the tidal waves following the explosion of krakatoa.

D

گزینه (A) غلط است

توضیح: حرف اضافه of همراه با despite (علی رغم) به کار نمی رود. Despite خودش حرف اضافه است و نیاز به حرف اضافه ندارد. معادل این کلمه in spite of (علی رغم، با وجود) می باشد.

424- Pelican island in Florida and Oregon islands are wildlife refuges.

A B C D

گزینه (C) غلط است

توضیح: قبل از مجمع الجزایر (جزایر به صورت جمع) حرف تعریف the به کار می رود.

425- The watt is named after James watt. The British engineer who

A B

developed the steam engine in 1760s.

C D

گزینه (D) غلط است

توضیح: قبل از دهه (1760s)، حرف تعریف the به کار می رود.

426- Methane is a odorless burning gas and is the main ingredient of natural gas.

A

B

C

D

گزینه (B) غلط است

توضیح: چون کلمه ی odorless (بی بو) با حرف صدادار (o) شروع شده، لذا قبل از آن از حرف تعریف نامعین an استفاده می شود.

427 - Soybeans were first grown in the orient and brought to the western

A

B

C

world during the world Wat two.

D

گزینه (B) غلط است

توضیح: قبل از world war II حرف تعریف معین the به کار نمی رود.

428 - Soya beans contain not only vitamins and also important minerals.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است

توضیح: ساختار not only..... But also صحیح است.

429 - Compact discs are affected by scratching and dust.

A

B

C

D

گزینه (D) غلط است

توضیح: ساختار neithernor صحیح است.

430- X rays have important applications, not only in medicine and in industry.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است

توضیح: ساختار not only..... But also صحیح است.

431- Brakes and clutches serve very different functions in an

A

B

automobile, and their principles of operation are nearly the same.

C

D

گزینه (C) غلط است

توضیح: در جمله واره اول بحث در مورد تفاوت break (ترمز) و clutch (کلاج) است؛ در جمله واره دوم حرف ربطی که دو جمله را به هم ربط می دهد باید حرف ربط بیانگر تضاد (مغایرت) وجود داشته باشد، لذا از حرف ربط but استفاده می شود.

432-Symptoms of mild vitamin C deficiency may be weakness,

A

irritability losing weight, and apathy.

B

C

D

گزینه (C) غلط است

توضیح: گزینه (C) با گزینه های دیگر یکسان نیست. Losing اسم مصدر است در حالی که گزینه ها دیگر اسم هستند.

یادآوری: پسوندهای ity-ness پسوندهای اسم ساز هستند. a pathy (دلسردی، بی حوصلگی) نیز اسم است.

433- in human body, phosphorus compounds are found chiefly in the bones,

A

B

brain, and nervous.

C

D

گزینه (D) غلط است

توضیح: گزینه ی (D) با گزینه های دیگر یکسان نیست. Nervous (نگران، عصبی) صفت است، در حالی که گزینه های دیگر اسم هستند.

یادآوری: OUS پسوند صفت ساز است.

434- as a young man George Washington liked boating, to hunt and fishing.

A

B

C

D

گزینه (C) غلط است

توضیح: گزینه (C) با گزینه های دیگر یکسان نیست. گزینه (C) مصدر است در حالی که گزینه (B) و گزینه (D) اسم مصدر هستند.

435 - Chemical substances called hormones, many of which are proteins,

A

control such process as growth, develop and reproduction.

B

C

D

گزینه (C) غلط است

توضیح: گزینه (C) فعل است در حالی که گزینه های (B) و (D) اسم هستند.

یادآوری: پسوندهای th , tion پسوند اسم ساز هستند.

436 - A pocket computer is generally enough small to fit a pocket or a small

A

B

C

D

case.

گزینه (C) غلط است

توضیح: enough در نقش قید بعد از صفت (small enough) قرار می گیرد.

437 - Goods such as flowers fresh and seafood's are often shipped by air.

A

B

C

D

گزینه (D) غلط است

توضیح: صفت قبل از اسم (fresh flowers) قرار می گیرد.

438 - Computer can also produce complex and original highly music.

A B

C

D

گزینه (A) غلط است

توضیح: با توجه به الگوی زیر قید حالت قبل از اسم حالت قبل از صفت قرار می گیرد.

439- Does seldom a computer make a mistake.

A

B

C

D

گزینه (A) غلط است

توضیح: هر گاه قید تکرار منفی (seldom) در ابتدای جمله قرار قرار گیرد عمل جابه جایی صورت می گیرد:

Seldom does a computer make a mistake.

کامپیوتر به ندرت اشتباه می کند.

440- around 1750, electricity experiments became popularly as entertainment

A

B

C

D

at the court of the French king, lions xv.

گزینه (C) غلط است

توضیح: بعد از فعل ربطی (became) صفت (popular) به کار می رود و از قید حالت استفاده نمی شود.

441- in 1780, Italian scientist Luigi Galvanic mistaken that frogs'

A B
legs contain electricity.
C D

گزینه (B) غلط است

توضیح: برای توصیف فعل (concluded) به قید حالت (mistakenly) نیاز داریم.

442- com played an important role in the cultural of the cliff-welling

A B C D
Indians of the southwest.

گزینه (C) غلط است

توضیح: بعد از حرف تعریف معین the، اسم (cultural) به کار می رود.

443- The galaxy andromeda is the most distance object visible to

A B C
observers in the northern hemisphere.
D

گزینه (B) غلط است

توضیح: با توجه به عبارت the most برای ساختن صفت عالی، به صفت ساده (distant) نیاز داریم. در ضمن قبل از اسم (object) صفت به کار می رود.

444- Asbestos is so a useful material that is was used in almost all

A B C D
modern buildings.

گزینه (B) غلط است

ساختار صحیح:

جمله واره + that + اسم + صفت + such (a/an)

445 - Other , more common, name for crocidolite is blue asbestos

A B
because of its color.
C D

گزینه (A) غلط است

توضیح: به جای other باید از another استفاده شود. another برای بیش از یک چیز به کار می رود.

446 - When asbestos fibers are breathed in, they may make damage

- A B C
to our lungs.
D

گزینه (C) غلط است

توضیح: به جای make باید از do استفاده شود.

447- About 200 million years before all the continents were part of

- A B C D
one vast land mass called Pangaea.

گزینه (C) غلط است

توضیح: به جای before (قبل از) باید از ago (قبل، پیش) استفاده شود.

Questions 448-524 include incomplete sentences. Beneath them you will see four choices marked A,B,C,D. Choose only ONE of them which best completes the blank and mark it on your answer sheet.

سوالات 448-524 شامل جملات ناقصی است. زیر آنها شما چهار گزینه خواهید دید که با الف، ب، ج، د مشخص شده اند. فقط یکی از آنها را که به بهترین وجه جای خالی را کامل می کند انتخاب نمایید و آن را در پاسخنامه تان علامت بزنید

448 - You seen Larry yesterday in the hospital for a week.

- A. Could have B. couldn't have
C. should have D. shouldn't have

گزینه (B) صحیح است

توضیح: 1 - 3 + have + could برای بیان داشتن « توانایی و یا موقعیت » انجام کاری در گذشته دلالت می کند.

2 - 3 + have + could بر «عمل مثبت و مطلوبی» که باید در گذشته انجام می شده است اما نشده و یا عمل نامطلوبی که نباید انجام می شده اما انجام شده است دلالت دارد.

449- Many people hope that the international crisis

- A. Will closed end B. will soon close
C. is coming to an end D. is closely ending

گزینه (C) صحیح است

توضیح: معمولاً پس از hope زمان حال فعل های دیگر را به کار می بریم اما معنای جمله مربوط به آینده است.
« زمان حال + فاعل + hope »

450 - " why haven't those letters been mailed?"

- "well, John said he'd get someone..... tomorrow."
A. For mailing them B. mailing them
C. will mail them D. to mail them

گزینه (D) صحیح است

توضیح: «(1 + to) مصدر + مفعول شخصی + (دادن) get سببی»
«فعل (3) + مفعول شی + (دادن) get سببی»

451- " Do you like this Jacket?"

- " I prefer the one "
A. Which it is in the shop window B. is in the shop window
C. which is in the shop window D. which in the shop window

گزینه (B) صحیح است

توضیح: «فعل + which + اسم اشیاء» چون قبل از which فاعل آمده بعد از آن احتیاجی به it نداریم.

452- " Recently Ali gets good grades. "

- " Yes. I think his parents might have made him..... "
A. To study B. studying C. study D. studied

گزینه (C) صحیح است

توضیح: «فعل (1) + مفعول شخصی + (باعث شدن) make سببی»
«فعل (1) + مفعول شیء + (باعث شدن) + make سببی»

453- " Why do you enjoy doing so many difficult thins. "

- " Well, the harder I work,..... "
A. Its better for me B. the better I like it
C. I like it more D. I like better

گزینه (B) صحیح است

توضیح : صفت تفضیلی + the + + صفت تفضیلی + the

454- Dairy farming is leading agricultural activity in the United States.

- A. a B. at C. then D. none

گزینه (A) صحیح است

توضیح : « اسم مفرد قابل شمارش + صفت + a »

هر چند activity با حروف صدا دار شروع شده و باید بر سر آن an وارد شود ولی چون صفت ما یعنی leading با حرف بی صدا شروع شده لذا از حرف تعریف a استفاده می شود.

455- Although thunder and lightning are produced at the same time, light waves travel faster So we see the lightning before we hear the thunder.

- A. Than sound waves do B. than sound waves are
C. do sound waves D. sound waves

گزینه (A) صحیح است

توضیح :

er + than + he/ she / it + does + صفت یک سیلابی + فعل زمان حال

er + than + I/ you / we / you / they + do + صفت یک سیلابی + فعل زمان حال

er + than + did + فاعل مفرد یا جمع + صفت یک سیلابی + فعل زمان گذشته

er + than + I + am + صفت یک سیلابی + (to be) فعل زمان حال

you / we/ they + are

he / she / it + is

456- Beef cattle of all livestock for economic growth in certain geographic regions.

- A. The most important B. are the most important
C. the most important are D. that are the most important

گزینه (B) صحیح است

توضیح : « اسم + in + اسم جمع + of all + صفت چند سیلابی + the + most + فعل + فاعل »

در ضمن cattle هر چند ظاهر مفرد دارد ولی اسم جمع بوده و با فعل به کار می رود.

457- The discovery of the halftone process in photography in 1881 made it photographs in books and newspapers.

- A. The possible reproduction B. possible the reproduce
C . The possibility of reproducing D. possibly reproduced

گزینه (B) صحیح است

توضیح : جمله بعد از فاعل به فعل احتیاج دارد.

فعل + فاعل (to + 1) مصدر + make possible

458- Flag Day is a legal holiday only in the state of Pennsylvania,
Bety Ross sewed the firs American flag.

- A. Which B. where C. that D. has

گزینه (B) صحیح است

توضیح : « Where + اسم مکان »

459- vastness of the Grand Canyon, it is difficult to capture it in a single

- A. While the B. the C. for the D. because of

گزینه (D) صحیح است

توضیح : « because of + اسم »

460- If I You, I shouldn't accept the post

- A. Was B. had been C. were D. have been

گزینه (C) صحیح است

توضیح :

→ شرطی نوع دوم if + فاعل + were + و + فاعل + Would / could / might / should + 1

لازم به ذکر است که در شرطی نوع دوم از were برای تمام اشخاص استفاده می شود حتی (I, he / she / it) و جایگاهی ندارد.

461- If I Time, I should have visited the exhibition .

- A. Have had B. had had B. had been had D. has had

گزینه (B) صحیح است

توضیح: «3 + have + should + فاعل + و + 3 + had + فاعل + if → شرطی نوع سوم»

462- This the house in We lived for two years.

- A. Where B. that C. which D. whose

گزینه (C) صحیح است

توضیح: بعد از اسم مکان از where و in which استفاده می شود و چون در جمله in وجود دارد پس باید از which استفاده شود.

Where + اسم مکان

In which + اسم مکان

463- My younger sister, is also my favorite, got married at eighteen.

- A. Whom B. that C. which D. who

گزینه (C) صحیح است

فعل + who + اسم انسان

فعل + فاعل + whom + اسم انسان

Which + اسم اشیاء

464- The woman was old and bent.

- A. I spoke to her B. whom I spoke
C. whom I spoke to her D. I spoke to

گزینه (B) صحیح است

توضیح: فعل + فاعل + whom + اسم انسان

Whom به معنی (را که) به جای مفعول که انسان باشد به کار برده می شود بنابراین احتیاج به ضمیر مفعولی her ندارد.

465- I enjoyed the book you lent me.

- A. What B. who C. which D. whom

گزینه (C) صحیح است

توضیح : Which + اسم اشياء

466- People think too much of themselves are rarely admired by other people.

- A. That they B. when C. whose D. who

گزینه (D) صحیح است

فعل + who + اسم انسان

توضیح :

When + اسم زمان

اسم + whose + اسم (انسان / غیر انسان)

467- "Here are the books you wanted."

" Would you mind on the desk, please? "

- A. To put them B. putting them
C. put them D. to them putting

گزینه (B) صحیح است

توضیح : Would you mind + ing

468- " Did you meet mary white at the party ? "

" No, by the time I arrived."

- A. She was left B. she's left
C. she'd left D. she must leave

گزینه (C) صحیح است

«گذشته ساده + by the time + 3 + had + فاعل»

469- " you've come just in time to help us; Tom."

"Fine. What needs..... ? "

- A. To do B. done C. to be done D. I do

گزینه (C) صحیح است

توضیح :

Need + to + be + p.p + فاعل (شئ)

Need + to + 1 + فاعل (انسان)

در جمله فوق چون what مرجع ندارد بنابراین باید از حالت مجهول استفاده شود.

473- "I'm sorry I broke your window Mrs. Brown"

" That's okay, Billy, but I think..... If you played ball somewhere else."

A. It would be better

B. better it would be

C . the better is

D. better is

گزینه (A) صحیح است

توضیح: « قسمت اول فعل + would + فاعل + ، + زمان گذشته ساده + فاعل + if = شرطی نوع

دوم »

474- " Why do you chew so much gum?"

" Because I'm trying"

A. To stopping smoking

B. to stop smoking

C. to stop smoke

D. stop to smoke

گزینه (B) صحیح است

توضیح:

سعی کردن = (قسمت اول فعل + to + مصدر) try +

امتحان کردن = ing فعل + try

توقف کردن = مصدر + stop

متوقف کردن عملی = ing فعل + stop

475- " Are you still reading Hemingway?"

" No, I'm reading..... author now."

A. Other

B. difference

C. another

D. different

گزینه (B) صحیح است

توضیح: another author اسم مفرد + another

اسم جمع + other

476- " This coffee is too strong"

" Try adding more cream and see if that" ."

A. Helps

B. is helps

C. is helped

D. is helping

گزینه (A) صحیح است

توضیح: « زمان حال ساده + if + جمله امری »

477- "I have heard that coffee is harmful"

" I have heard just opposite "

- A. an B. of C. the D. about

گزینه (C) صحیح است

توضیح: « Opposite با حرف تعریف the به کار می رود. »

478- "Did you really become a vegetarian, George?"

" Oh yes, I Eating meat for about three months now."

- A. am not B. have not been C. had not been D. was not

گزینه (B) صحیح است

توضیح: « now + طول زمان + have / has + ing + for + فاعل »

479- Neither the students nor the teacher to smoke.

- A. are allow B. is allowed C. is allow D. are allowed

گزینه (B) صحیح است

توضیح: «هرگاه (neither Nor) فاعل های دو جمله را ربط دهد فعل جمله با فاعلی که بعد از nor

قرار دارد مطابقت می کند.»

480- would anyone who to attend the meeting please notify the secretary?

- A. wish B. had wished C. wishes D. wished

گزینه (A) صحیح است

توضیح: «قسمت اول فعل + would»

481- the lady protested at to open her suitcase for inspection.

- A. having told B. being told C. told D. telling

گزینه (B) صحیح است

توضیح: «فعل یدار + (at) حرف اضافه و چون این جمله احتیاج به فعل مجهول دارد بنابراین گزینه "

ب" صحیح است.»

482- she if she had been wearing a seat- belt.

- A. would not have been injured B. would not has been injured
C. would not have injured D. will not have been injured

گزینه (A) صحیح است

توضیح: « 3 + would have + فاعل , 3 + had + فاعل + if = شرطی نوع سوم »
و چون جمله ما احتیاج به فعل مجهول دارد بنابراین گزینه " الف " صحیح است. در ضمن بعد از would هیچ گاه از has و had استفاده نمی شود.

483- I can not drink this tea. There is sugar in it.

- A. Too many B. too much C. much D. plenty

گزینه (B) صحیح است

توضیح: Much به معنای مقدار زیاد معمولاً در جملات منفی و سوالی قبل از اسم غیر قابل شمارش به کار می رود و در جملات مثبت به جای Much از معادل آن یعنی: plenty of, lots of, a lot of, ... غیره استفاده می شود.

جملات منفی و سوالی	جملات مثبت
اسم غیر قابل شمارش + much	A lot of Lots of Plenty + اسم غیر قابل شمارش A great deal of A good deal of A large quantity of

2 - too much به عنوان قید نیز کاربرد دارد.

too much + اسم + فعل + اسم

اسم + too much + be + اسم

3 - too به همراه much جنبه منفی را می رساند. به عبارت دیگر شدت صفت آن قدر زیاد می شود که

منفی می شود مثال: to clever = cazy

484- the window has now been repaired.

- A. Which is broken B. who was broken
C. that was broken D. whom was broken

گزینه (C) صحیح است

توضیح: فعل + which/that + اسم اشياء

فعل + who + اسم انسان

فعل + فاعل + whom + انسان

در این جمله باید با توجه به معنا از مجهول زمان گذشته استفاده شود.

485- During the revolution, many young people begin to question..... held by the older members of their society.

A. the values are B. of the values C. the values D. are the values

گزینه (C) صحیح است

توضیح: «ضمیر موصولی which را در حالت فاعلی و فعل be بعد از آن را می توان حذف نمود به شرطی که بعد از فعل to be یک فعل اصلی به شکل ing یا قسمت سوم وجود داشته باشد. جمله ما در اصل به شکل the values which are held بوده که which are حذف شده است.»

486- Rarely succeed in improving their accent if they begin learning a foreign language after the age of 18.

A. learners B. learners have C. are learners D. do learners

گزینه (D) صحیح است

توضیح: «فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی مناسب با جمله + کلمات منفی»

487- A: "Was the driver wearing his seat belt?"

B: "Yes. He would without it."

A. has killed B. had been killing C. have killed D. have been killed

گزینه (D) صحیح است

توضیح: جمله احتیاج به فعل آینده در گذشته کامل مجهول خواهد داشت.

would + have + been + 3

دو گزینه اول غلط می باشند زیرا بعد از would هیچگاه از has , had استفاده نمی شود.

488- A: "Why didn't you buy the new computer?"

B: "It was too expensive for me although the company price."

A. reduce B. reduced C. will reduce D. was reducing

گزینه (B) صحیح است

توضیح: « گذشته ساده + although + گذشته ساده »

489- a: "Too many people have computers these days."

B: "Yes. In recent years, they..... cheap enough to buy."

A. become B. became C. will become D. have become

گزینه (D) صحیح است

توضیح: « in recent years یا recently یکی از نشانه های زمان حال کامل (have/has + 3) می باشد. »

490- The longer the sun shines,

A. The more warmly the earth is B. it makes the earth warmer
C. the warmer the earth gets D. the earth is warmed

گزینه (C) صحیح است

توضیح: گاهی اوقات برای بیان علت و معلول از دو حالت تفضیلی طبق فرمول زیر استفاده می شود:
قید یا صفت تفضیلی + the و (فعل) + فاعل + صفت یا قید تفضیلی + the

491- If she come soon, they'll have to go without her.

A. Didn't B. won't C. wouldn't D. doesn't

گزینه (D) صحیح است

توضیح:

دو نوع شرطی داریم. در نوع اول که بیش تر در زمینه مسائل علمی به کار می رود، نتیجه قطعی تر از نوع دوم می باشد. در نوع دوم نتیجه بیش تر احتمالی است. فرمول شرطی نوع اول قطعی به قرار زیر است:
فعل 1 + will / فعل ساده + فاعل + و + فعل حال ساده + فاعل + if
در جمله شرط (if clause) هرگز از فعل کمکی will و یا زمان های دیگر غیر از حال ساده استفاده نمی شود.

492- She thinks her dress is a little long, so she plans to get it...

A. shortened B. be shortened C. shorten D. to have shortened

گزینه (A) صحیح است

توضیح :

فعل سببی get :

«مصدر با to + مفعول شخصی + (وادار و مجبور کردن) get + مسبب (فاعل)»

«(3) p.p + مفعول شیء + (دادن) get + مسبب (فاعل)»

493- "we've finally decided we ought to try to sell our old car." " How long..... it?"

A. Have you had B. you'll have C. had you had D. you would have

گزینه (A) صحیح است

توضیح : فعل اصلی فاعل + فعل کمکی + ادوات استفهام

حال کامل + how long

494- "When can you go to the library?" "As soon as I finish This paper."

A. To write B. writing C. write D. to writing

گزینه (B) صحیح است

توضیح : « فرم finish + ing »

495- "Did you finish lesson five today?" "Yes, but we It last Monday."

A. Should finish B. should have finished
C. should be finishing D. should have been finished

گزینه (B) صحیح است

توضیح : ساختار قید زمان گذشته + have + p.p + should بر عمل مثبت و مطلوبی که باید در گذشته

انجام می شده اما نشده و یا عمل نامطلوبی که نباید انجام می شده اما انجام شده دلالت دارد.

496- "Does Roya speak English?" "Yes, she learned how it in England."

A. Speaking B. to speak C. speaks D. spoke

گزینه (B) صحیح است

توضیح: « فعل (1) + to + how + learn

497- "That's a beautiful dress you gave to my daughter for her birthday." "I hope it's for her; if not, you can change it."

- A. Big enough B. as big C. enough big D. so big

گزینه (A) صحیح است

توضیح:

enough + قید یا صفت

enough + اسم

enough + اسم

as + صفت یا قید

That + قید یا صفت + so

498-twenty – two colonial newspapers by 1775.

- (A) About (B) About Were
(C) Were about (D) There were about

گزینه (D) صحیح است

توضیح: گزینه ی (A) غلط است چون فعل ندارد؛ گزینه ی (B) نادرست است زیرا فاعل ندارد؛ گزینه ی (C) غلط است چون ترتیب کلمه غلط است.

499- Postal service almost nonexistent in the colonies

- (A) That was (B) Was (C) it was (D) being

گزینه (B) صحیح است

توضیح: گزینه ی (A) غلط است چون that برای وصل کردن جمله واره موصولی به جمله واره مستقل بکار می رود و در اینجا فقط یک جمله واره وجود دارد؛ گزینه ی (C) غلط است زیرا فاعل در آن تکرار شده است؛ گزینه ی (D) نادرست است زیرا شکل ing نمی تواند فعل اصلی جمله واره باشد.

500- A number of students Playing in the yard.

- (A) is (B) Was
(C) be (D) are

گزینه (D) صحیح است

توضیح: بعد از a number of (تعداد) فعل جمع به کار می رود.

501- The teacher, accompanied by his students,.....coming.

- (A) are (B) Were
(C) is (D) be

گزینه (C) صحیح است

توضیح: هر گاه فاعل دو جمله مفرد باشد، بعد از عبارت accompanied by (همراه با) از فعل مفرد استفاده می شود.

502- The authorities permitted women In track and field events in the 1928 winter Games.

- (A) to take part (B) take part
(C) took part (D) had taken part

گزینه (A) صحیح است

توضیح: بعد از مفعول + permitted، مصدر با to به کار می رود.

503- The first systematic chart ever made of an ocean current by Benjamin Frankin.

- (A) published (B) published
(C) was published (D) had been published

گزینه (B) صحیح است

توضیح: چون جمله با مفعول شروع شده و از اسم + by استفاده شده است، لذا جمله به شکل مجهول است. با توجه به مطابقت زمان ها چون در جمله زمان گذشته ساده (made) به کار رفته است، لذا زمان گذشته ساده مجهول صحیح است.

504- Petroleum On every continent and beneath every ocean.

- (A) is found (B) found
(C) are found (D) find

گزینه (A) صحیح است

توضیح: چون جمله با مفعول petroleum (نفت) شروع شده، لذا جمله به شکل مجهول می باشد، چون کلمه ی petroleum غیر قابل شمارش است. بعد از آن از فعل مفرد (is) استفاده می شود.

505- Many scientists have shown can be used for an ever-increasing number of tasks.

- (A) that lasers how (B) lasers how
(C) how lasers (D) that what lasers

گزینه (C) صحیح است

توضیح: کلمات پرسشی *how* , *what* و غیره در آغاز جمله واره اسمی قرار می گیرند. معمولاً بعد از فعل *show* از *how* استفاده می شود.

506- Astronomers studied the 1987 supernova to learn..... When a star explodes.

- (A) what happens (B) that happen
(C) that is happen (D) what does happen

گزینه (A) صحیح است

توضیح: با توجه به معنی جمله، جمله واره اسمی با *what* شروع می شود، در ضمن در جمله واره اسمی، بعد از *what* از فاعل استفاده می شود و فعل کمکی (*does*) به کار نمی رود.

507- Around 1789, Antoine Lavoisier was the first person to demonstrate All kinds of burning involve the addition of oxygen.

- (A) if (B) what
(C) that (D) so that

گزینه (C) صحیح است

توضیح: برای بیان واقعیت در آغاز جمله واره اسمی از *that* استفاده می شود. *so that* (تا) برای بیان مقصود و منظور به کار می رود.

508- it is only in the last 200 years have begun climbing mountains.

- (A) because people (B) that people
(C) people (D) as people

گزینه (B) صحیح است

توضیح: جمله واره اسمی با *that* شروع می شود. چون جمله دارای بیش از یک فعل است، جمله باید با کلمه ربط شروع شود.

509- Pythons live in rugged tropical areas Heavy rainfall and forests.

- (A) they have (B) that have
(C) where have (D) have

گزینه (B) صحیح است

توضیح: گزینه (C) غلط است زیرا *where* بعد از مکان به کار می رود. (A) نادرست است زیرا برای وصل کردن جمله واره اول به جمله واره دوم ضمیر موصولی وجود ندارد. (D) غلط است زیرا ضمیر موصولی بین فعل *have* و بقیه جمله وجود ندارد.

510- in 1880, George Eastman,..... Dry-plate manufacturer introduced the Kodak box camers.

- (A) how the American (B) he was an American
(C) an American (D) was an American

گزینه (C) صحیح است

توضیح: گزینه (A) غلط است زیرا در جمله واره موصولی، فعلی وجود ندارد، (B) نادرست است چون ضمیر موصولی برای وصل کردن جمله واره به بقیه جمله وجود ندارد. (D) غلط است زیرا دارای فعل است، در حالی که یک عبارت (phrase) نمی تواند فعل داشته باشد.

511- dragonflies feed on a large variety of insects Catch in flight.

- (A) in which they (B) which they
(C) there are to (D) there are a

گزینه (B) صحیح است

توضیح: بعد از اسم اشیاء، حیوانات و حشرات مانند dragonfly (سنجاقک) از ضمیر موصولی which استفاده می شود. (A) غلط است زیرا in which به جای where بعد از مکان به کار می رود.

512- According to legend, Betsy Ross was the woman The first American stars and stripes flag.

- (A) whom she made (B) made
(C) who made (D) and she made

گزینه (C) صحیح است
توضیح: با توجه به الگوی

فعل + who + فاعل (انسان)

گزینه (C) صحیح است.

513- the development of radio telescopes, distant regions of the universe can be observed.

- (A) the reason (B) because of
(C) because (D) it is because

گزینه (B) صحیح است

توضیح: قبل از اسم (development) از عبارت because of که دارای حرف اضافه است، استفاده می شود.

514- in 1987 a Canadian astronomer, I an Shelton, spotted a supernova Looking at some photographs of the stars.

- (A) was (B) during
(C) as if (D) while he was

گزینه (D) صحیح است

گذشته استمراری + while + گذشته ساده

515- the solar system may seem big, it is very small part of the universe.

- (A) Despite (B) Although
(C) Even though it (D) Because

گزینه (B) صحیح است

توضیح: گزینه (A) غلط است زیرا حرف اضافه despite نمی تواند در جمله واره قیدی که دارای فعل و فاعل است به کار رود. گزینه ی (C) نادرست است زیرا دارای فاعل it است، در صورتی که در جمله فاعل (the solar system) وجود دارد. گزینه (D) غلط است چون برای نشان دادن تضاد و تباین از because استفاده نمی شود.

516- Ancient astronomers looked at the stars could make predictions about the future.

- (A) they (B) so
(C) so that they (D) as they

گزینه (C) صحیح است

توضیح: قبل از فعل کمکی (could) برای نشان دادن مقصود و منظور از الگوی زیر استفاده می شود.

فعل کمکی + فاعل + so that + جمله واره

517-- Artists have painted nature Centuries.

- (A) for (B) in
(C) since (D) by

گزینه (A) صحیح است

توضیح: قبل از طول زمان از for استفاده می شود. طول زمان + for معرف زمان حال کامل (ماضی نقلی) است.

518- cubism was the result a gradual process of change.

- (A) on (B) with
(C) in (D) of

گزینه (D) صحیح است

توضیح: حرف اضافه result (نتیجه) کلمه of می باشد.

519- turn of the century, the first art galleries and museums were built.

- (A) the (B) Around the
(C) it was around the (D) when the

گزینه (B) صحیح است

توضیح: گزینه ی (A) غلط است زیرا هیچ کلمه ی ربطی برای وصل کردن عبارت اسمی (turn of the century) به بقیه جمله وجود ندارد. گزینه (C) جمله واره است، اما کلمه ی ربط دهنه ای برای وصل کردن آن به جمله واره دیگر وجود ندارد. گزینه ی (D) شبیه جمله واره وابسته است اما فعل ندارد.

520- realistic painting or sculpture, emotion is expressed mainly through people's poses and expression.

- (A) in a (B) it is in a (C) as (D) a

گزینه (A) صحیح است

توضیح: گزینه (B) یک جمله واره است اما کلمه ی ربط برای وصل کردن آن به جمله واره دیگر وجود ندارد. (C) شبیه جمله واره است اما فعل ندارد. گزینه (D) غلط است چون کلمه ربط برای وصل کردن آن به بقیه جمله وجود ندارد.

521- titled toward the sun, the more heat it receives and the hotter it is.

- (A) as more heat as the earth is
- (B) the more the earth is
- (C) the earth is more than
- (D) the earth is most

گزینه (B) صحیح است

توضیح: باید از ساختار the more the more استفاده شود.

522- Temperature, the simplest weather element to measure, is probably used than any other kind of data.

- (A) more frequently
- (B) most frequently
- (C) as frequently
- (D) frequently

گزینه (A) صحیح است

توضیح: کلمه ی than (از، نسبت به) بیانگر کاربرد قید تفضیلی است.

523- his Research for the thesis was than hers.

- (A) more usefully
- (B) useful
- (C) more useful
- (D) most useful

گزینه (C) صحیح است

توضیح: than نشان دهنده ی کاربرد تفضیلی است. بعد از فعل ربطی (was) صفت به کار می رود. لذا گزینه ی (A) که قید تفضیلی است غلط است.

524- impalas cannot move as cheetahs, but they are more efficient runners.

- (A) faster than
- (B) fast as
- (C) fast
- (D) are fast as

گزینه (B) صحیح است

توضیح: برای نشان دادن برابری دو صفت یا دو قید از ساختار as + صفت / قید + as استفاده می شود. fast نقش قید را دارد چون فعلِ move را توصیف می کند.